گزارشی از:

اوضاع اقتصادی ـ سیاسی و فرهنگی

خلق عرب ایران

www.tabarestan.info تبرستان

(رزمندگان آزادی طبقهٔ کارگر)

تاریخ سکونت قوم عرب در ایران با تاریخ این کشور پیوند ناگسستنی دارد، بطوریکه قوم عرب بعنوان یکی از اقوام در کشورما ن مطرح بوده است همچنانکه کرد، ترک و ....

اعراب ایران بیشتر در استان خوزستان و بندرت در سایرنقاط کشور زندگی میکنند. محل کار و زندگی آنان، شهرهای بزرگ خوزستان که عمدتاً ازمراکز صنعتی و اقتصادی مهم ایران بحساب می آیند و روستاهای واقع در اطراف این شهرها است.

آن بخش از اعراب که در شهرها زندگی میکنند، از نظرطبقاتی در جمعیت شهری حل شده اند. البته از نظر فرهنگی، زبان، آداب از جمعیت غیرعرب کاملاً متمایز هستند ولی از نظراقتصادی شیوه خاصی را دنبال نمی کنند، بجز ستم ملی که بر زحمتکشان و کارگران آنها وارد میشده و می شود.

جمعیت شهری عرب بیشتر در شهرهای: دشت آزادگان (سوسنگرد سابق) خرمشهر، اهواز، آبادان، ماه شهر، رامشیر (خلف آباد)، شوش و هفت تپه و .... و روستاهای جنوب و جنوب غربی خوزستان جمعیت روستائی عرب را تشکیل میدهند.

ترکیب طبقاتی اعراب

از نظر ترکیب طبقاتی جمعیت عرب را در دو بخش شهر و روستا بررسی می کنیم:

الف ـ در شهرها

بورژوازی ـ در میان اعراب کمتر رشد کرده چه کارخانه ها و موسسات تولیدی در این نواحی بیشتر متعلق بسرمایه داری وابسته که صاحبان آنرا سرمایه داران خارج از کشور و همچنین

سرمایه داران غیرعرب تشکیل میدهند • سرمایه های وابسته یا دولتی بودند (سرمایه داری بوروکراتیک) و یا سرمایه خصوصی که از نفوذ در دولت و اعضای دولتی برخوردار بودند و حال آنکه سرمایه دارهای عرب دارای حقوق برابر با فارس‌ها نبوده و از مناصب دولتی و نفوذی در دولت مانند فارس‌ها برخوردار نبودند وبهمین جهت رشد کمی آنها بسیار ناچیز و سرمایه دارهای عرب نسبت به جمعیت فارسها کمتر است •

سرمایه داری وابسته و بورژوا ــ زمینداران (که بیشتر در رابطه با روستا هستند) به دو بخش تقسیم میشوند :

۱ــ آن عده از سرمایه داران و زمینداران که منافع اقتصادیشان در رابطه با دولت موقت به تحقق پیوسته و از مبارزه خلق عرب در هراسند، زیرا که منافعشان که با دولت مرکزی به هم گره خورده بخطر افتاد و بهمین جهت بهمراه دولت همصدا شده و حقی برای خلق عرب قائل نیستند (اتحاد جناح ارتجاع عرب برهبری شیخ کرمی و خزعلی با مدنی نماینده دولت)

بخش دیگر سرمایه دارها و بورژوا ــ زمینداران طرفدار رژیم شاه سابق هستند که در رابطه با اوضاع کنونی موقعیت اجتماعی-اقتصادی ممتاز خود را از دست داده و منافعشان از یکطرف بوسیله خلق عرب (کارگران / زحمتکشان شهر و ده) و از طرف دیگر بوسیلهٔ دولت موقت ضربه خورده و تهدید میشود و همین سرمایه دارهای وابسته به امپریالیسم هستند که ساز تجزیه طلبی سر داده و از طرف امپریالیست های امریکائی مورد حمایت قرار گرفته و در خوزستان توطئه می کنند. چه سرمایه دارهای وابسته به امپریالیسم امریکا چه آنهائی که از دولت فعلی حمایت می کنند، هر دو از نفوذ خود میان اعراب و قبائل وابسته بخود سود جسته وعناصر ناآگاه بخصوص روستائیان را بسیج مینمایند، در اینجا لازم به توضیح است که این سرمایه داران وابسته و بورژوا ــ زمین-داران (شیوخ) دارای نفوذ قبیله ای و خونی در میان اعراب

هستند که مربوط بشرایط اجتماعی آنهاست • بدینترتیب که در میان اعراب ساکن ایران شیخ قبیله که پیوند خونی محکمی با افراد تابع خود دارند کار قضاوت و رهبری مسائل حقوقی را بعهده دارند (در میان اعراب قوانین بیشتر از رسم و سنت گرفته شده) و روحانیت در این مناطق نفوذ مادی کمتری دارد و دخالتش در مسائل قضائی و اجتماعی کم است (شرعیات اسلام کمتر اجرا میشود) یعنی رو بنای فئودالیسم و فرهنگ فئودالیسم بدین وسیله اعمال میشود، تا حدی که احترام زیادی برای شیخ قائل میشوند. بعنوان نمونه برای حل مسائل قومی و قبیله ای مردم بیشتر به شیخ مراجعه می کردند نه روحانیت (بلعکس فارس ها): دعوای دو قبیله، اختلاف بین اشخاص قبیله یا حل اختلاف در مورد قتل (فصل) وغیره ... پس شیخ در قبایل و مردم عرب نه بخاطر قدرت فئودالی فعلی است که اعمال میشود چون این شیخ ها همچنانکه گفتیم الان بیشتر سرمایه دارند نه فئودال از شیخ های سرمایه دار معروف و وابسته برژیم سابق مکی فیصلی را میتوان نام برد که از سردمداران تجزیه طلبان است.

خرده بورژوازی مرفه عرب ـ رشد بیشتری داشته، چه این خرده بورژوازی که فروشنده اجناس لوکس و کالاهای ساخت خارج و داخل بود از قوانین دست و پا گیر دولتی کمتر زیان میدید و همچنین این خرده بورژوازی در جمعیت فارس حل شده و منافع خود را نه در رابطه با خلق عرب تنها بلکه با کل جمعیت محل می بیند و قبلاً در مقابل سیاست دولت سکوت کرده و اینک از جمهوری اسلامی* میباشد. حامیان کمیته های امام بیشتر از میان این خرده بورژوازی مرفه است • مبارزه خلق عرب را که باعث بی ثباتی عرب و عجم است بزیان خود می بیند و بهمین جهت همصدا با خرده بورژوا های فارس، وحدت عرب و عجم را بهمین شکلی که هست می طلبد. این قشر از خرده بورژوازی را تجار، صاحبان کارگاهها، بنگاه دارها و لوکس فروشیها تشکیل میدهند •

* حمایت مینماید . خواست برقراری ثبات و آرامش جهت توسعه بازار، در میان جمعیت کشور، از انگیزه های حمایتش از جمهوری اسلامی میباشد .

بطه

خرده بورژوازی فقیر(زحمتکشان شهری) که منافعش را در را
با انسجام و وحدت خلق عرب می بیند و بازارش بیشتر در میان ا-
عراب محلی است از محدودیتهائی که بوسیله کمپته ها و دولت
برایش قائلند بشدت ناراحت و قوانین اجتماعی و اقتصادی را که
بیشتر به نفع بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه تدوین شده بزیان خود
می بیند و استقلال اقتصادیش مورد تجاوز قرار میگیرد. از لحاظ
اقتصادی در چنان موقعیتی نیست که با بقیهٔ طبقات و اقشار آن
مقابله کند، خود را در معرض نابودی کامل می بیند و بهمین
جهت با سایر توده های زحمتکش عرب علیه دولت و کمپته ها بلند
شده و خواهان حقوق خلق عرب است. دکانداران کوچک-
کارگاههای محلی کوچك / دستفروشان دورگرد / بلم رانان و بلم
سازان شهرهای ساحلی / ماهیگیران / راننده ها (صاحب حدود
یك ماشین) این خرده بورژوازی فقیر شهری را تشکیل میدهند.

پرولتاریا- در خوزستان بعلت شرایط مساعد برای رشد صنایع
و موسسات تولیدی (وجود مواد خام / ارتباط با دریای آزاد / زمین
های مساعد کشاورزی / نیروی کار فراوان و ارزان) پرولتاریا ازسا-
یر نقاط کشور رشد بیشتری داشته است. پرولتاریای عرب وکارگران
ساختمانی و فصلی همراه پرولتاریای غیر عرب رشد کمی زیادی
داشته ولی از نظر کیفی به علت حقوق نابرابر اجتماعی با جمعیت
فارس نتوانست خود را بپای پرولتاریای غیر عرب برساند. کارگران
عرب بیشتر در کارهای ساختمانی و شرکتها و موسساتی که جنبه
خدماتی دارد بکار مشغول اند و این در کیفیت پرولتاریا و پیشرو
نبودن بخشی از پرولتاریای عرب تاثیر داشته با این وجود محیط
فعالیت این پرولتاریا نواحی وسیعی را در نوردیده است و هیچ
موسسهٔ اقتصادی و صنعتی را نمی توان یافت که بازوان کارگر
عرب در بکار انداختن چرخهای آن سهیم نباشد: همه کارهای سا-
ختمانی / راهسازی / پروژه های صنعتی و شرکتهای حمل و نقل
و باراندازی (خرمشهر) / کار در کشتی ها / صنعت نفت / صنایع

فولاد / شرکتهای سهامی زراعی / کشتی سازی های کوچك / شرکتهای کشتیرانی / کاغذ و ....

پرولتاریای عرب بخش مهمی از پرولتاریای منطقه را تشکیل میدهد . و آنجا که در صنعت غیر پیشرفته و عقب افتاده کار می کند و یا کار صنعتی انجام نمیدهد واقعاً مورد بهره کشی ستمگرانه و متمایز از کارگران فارس قرار میگیرد . گرچه ابعاد واقعی استثمار برای کارگران منطقه یکسان است اما نمی توان از اختلافی که به علت تفاوت بین عرب و عجم، در پرداخت مزد وجود دارد و رقابت ناشی از آن در بازار سخن نگفت . با این وجود پرولتاریای عرب، بیشتر از آنکه عرب باشد، پرولتر و کارگر است و این نکته حائز اهمیت بسیار است . زیرا، بخوبی نشانهٔ وجود طبقه بندی در میان اعراب می‌گردد . و بعلاوه نشان دهندهٔ اینست که چگونه مسئلهٔ طبقات برای اعراب همراه و حتی گاهی عمده تر از مسئله ملیت عرب مطرح میگردد . پرولتاریای عرب علاوه بر استثمار به توسط سرمایه داران بزرگ وابسته و کوچك غیر عرب به توسط سرمایه داران عرب در بنادر، کشتیرانیها و حتی توسط خرده بورژوازی عرب مورد بهره کشی واقع میشود . بهمین علت در شهرهائی مثل آبادان / اهواز و .... مسئله اعراب که بعداً بررسی خواهد شد محتوی و حتی شکل طبقاتی آشکاری پیدا می کند . تا کنون در کلیه جریانات کارگری منطقه، کارگران عرب، همراه بقیه کارگران و بعنوان جزئی از طبقهٔ کارگر ایران شرکت کرده اند. نمونهٔ آن کارگران صنعت نفت / راه آهن و پروژه ای و .....

■ ■ ■

ب ــ در روستا ها

خرده مالکان و کشاورزان کم زمین ــ که بیشترین نیروی کشاورزی روستا را تشکیل میدهند . خرده مالکان (کشاورزان منفرد) معمولاً از ۳ تا ۸ هکتار زمین کشاورزی دارند که خود صاحب ابزار تولیدند یا بطور کرایه ای از ابزار تولیدی موجود در روستا استفاده میکنند،

(تراکتور / کمباین و ۰۰۰) مرفه ترین قشر از کشاورزان روستائی را این خرده مالکان تشکیل میدهند که شغل اصلی اشان کشاورزی وگاهی هم از دامداری استفاده می کنند، زمینهای کشاورزی آنها بیشتر آبی و کمتر دیمکارند ۰

در نواحی که کشاورزان فقط به زراعت دیم مشغولند این محصول کشاورزی پاسخگوی احتیاجاتشان نیست و برای جبران کمبود از دامداری و شغل های موجود در روستا مثل پیشه وری، خرید و فروش گوسفند، کارکردن در روی ابزار تولید کشاورزی و ماشینهای حمل و نقل وغیره ۰۰۰ مشغولند زراعت معمول در مناطق دیمکار بیشتر جو و گندم و دامهای آنها بیشتر گوسفند و گاو و در پاره ای نقاط گاومیش است ۰ کشاورزی بدون آب بیشتر در روستاهای اطراف اهواز، رامشیر (خلف آباد) ماه شهر / هندیجان و ۰۰۰ وجود دارد ۰

نواحی که بیشتر از کشاورزی با روش میکانیکی و با استفاده از آب استفاده می کنند در روستاهای اطراف آبادان / خرمشهر اهواز / دشت آزادگان (دشت میشان سابق) / هفت تپه و شوش اندیمشک است ۰

محصولات کشاورزی آبی بیشتر گندم / جو / خیلی کم برنج و صیفی کاری (چغندر / گوجه / بادنجان / هندوانه خربزه / سبزیجات و ۰۰۰) که قسمتی از زمین کشت دائمیشان) گندم / چغندر / جو و بقیه را به صیفی کاری اختصاص میدهند. زندگی این قشر از روستائیان از راه کشاورزی تامین میشود ۰ آب آبیاری محصولات از رودخانه ها و کانال ها یا با استفاده از آسیاب آبی است (آسیاب آبی را یا کشاورزان بطور جمعی در یک یا چند ده خریداری مینمایند یا از آب آسیاب های نصب شده بوسیلهٔ بورژوازی ده استفاده می کنند و کرایهٔ آب میپردازند تعداد آسیاب های آبی خریده شده بوسیله کشاورزان روز بروز بیشتر میشود.) بازدهی محصول در این نواحی نسبتاً خوب و در هر

www.tabarestan.info تبرستان

هکتار زمین ۱ تا ۱/۵ تن گندم است.ابزار تولیدی:تراکتور/کمباین /ماشینهای نهرکن وغیره است.از بذر محلی و در بیشتر جاها کود شیمیائی و سموم دفع آفات استفاده می کنند. اکثریت کشاورزان روستا را این قشر تشکیل میدهند.

کشاورزان کم زمین ــ که از ۲ تا ۳ هکتار زمین دارند وکار کشاورزی به تنهائی نمیتواند احتیاجات آنها را تامین نماید. برای جبران کم بود زمین هر چند نفر زمینش را بیک کشاورز کم زمین اجاره داده و خود به کارگری در شهر و یا کارگران در موسسات و شرکتهای کشاورزی دیگر مشغول میشوند یا اینکه کشاورز کم زمین بعد از کشت زمینش جهت تامین کمبود احتیاجاتش در فصل مشخصی از سال بکار کارگری میپردازد، کارگران فصلی را بیشتر این گروه از کشاورزان تشکیل میدهند، استفاده از دام و اجاره کاری از راه های دیگر امرار معاش کشاورزان کم زمین است.

همانطور که گفته شد آب کشاورزی این زمینها بوسیله نهرها، کانال ها و آسیاب آبی تامین میشود. در سابق بعلت توسعه کشاورزی و کمبود آب جهت آبیاری همه زمینهای کشاورزی، این کشاورزان مجبور بودند فصلی از سال را بکشاورزی بپردازند وبقیهٔ فصل بشرکتهای کشاورزی موجود که سود آورتر بودند داده میشد. و همین مسئله باعث بروز اختلافاتی بین شرکتهای کشاورزی وکشاورزان منفرد (کشاورزان خرده مالك وکم زمین) میگردید که اخیراً با تغییرات کنونی این نقیصه در حال برطرف شدن است یعنی کشاورزی از حالت اجباری کشت در فصل مشخص بدر آمده و محدودیت خود را از جهت تأمین آب تا حدی از دست داده است. اختلاف اساسی این کشاورزان با سرمایه داران ده و شهر مثل صاحبان ابزار تولید، تراکتور، کمباین و آسیابهای آبی و صاحبان وسایل حمل ونقل / تجار و دکانداران شهری / شرکتهای تعاونی / موسسات مالی بانکهای کشاورزی و تعاونی است که از روابط نابرابر، سودهای سرشاری بجیب میزنند. ضمناً تضاد بین شهر

وده بخوبی نمایان است : روستائیان خود به مصرف کنندگان وسایل تولید شده در کارخانه ها تبدیل شده اند و اجناس ساخته شده را بقیمت های بسیار گران میخرند، حال آنکه محصولات کشاورزی را بقیمت های ارزان (بسیار کمتر از نرخ فروش در شهر) به فروش می رسانند . در رابطهٔ بین کشاورزان و فروشندگان (تجار شهری) واسطه ها قرار دارند که سود بسیار میبرند . در نتیجه این روابط بنفع سرمایه داران اعم از شهری و روستائی و خانه خرابی کشاورزان خرده پا خواهد انجامید که در نهایت آنها را به متحد کارگران کشاورزی و پرولتاریا تبدیل خواهد نمود. با این وجود تمایل به مالکیت خصوصی و تنگ نظری خرده بورژوازی در میان دهقانان منفرد بسیار شدید است و فاقد روحیه جمعی و یکپارچگی اند . عدم آگاهی و رشد سیاسی و نبودن وحدت در میان دهقانان از عواملی است که بسرمایه داران و افراد با نفوذ محلی و دولت سرمایه داری اجازه میدهد نیروی ناآگاه دهقانان را بهر جهت که بخواهند بدنبال خود بکشانند .

کارگران کشاورزی ــ کارگران کشاورزی روستائیانی هستند که زمین نداشته و فاقد هرگونه ابزار تولیدی دیگرند . آنها از طریق فروش نیروی کار خود به موسسات و شرکت های کشاورزی زندگی مینمایند . محل کار این نوع کارگران در شرکت های سهامی زراعی خاص، کشت و صنعتها، شرکتهای خصوصی کشاورزی و زمینداران بزرگ بطور جمعی و در نزد کشاورزان خرده پا بطور پراکنده است. وضع حقوقی آنها نسبت بکارگران شهری در سطح پائین تر قرار دارد. ساعت کار آنها در روز ۸ ــ ۱۰ ساعت است . آنها از مزایای کارگران صنعتی و متمرکز برخوردار نیستند و سرمایه دار به دلبخواه خود زمان کار را در روز تغییر میدهد. تعدادی از کارگران فقط فصل مشخصی از سال در این موسسات بکار مشغولند .

بعلت اینکه در کشاورزی زمینهٔ کار برای کودکان و زنان فراهم است و از طرف دیگر مزد زنان و کودکان بسیار ناچیز است

صاحبان شرکتهای کشاورزی از کار زنان و کودکان ۸ ـ ۱۰ ساله به بالا استفاده می کنند.

کارگران کشاورز سهم کار ـ بیشتر شرکتهای کشاورزی خصوصی کارگران را در سود شرکت سهیم کرده اند و در عوض مزدی بطور مستقیم بدانها نمی پردازند. در این نوع کشاورزی کارگران بی زمین را سهمکار گویند و در اینجا بانگیزه بازده تولید بیشتر برای دریافت سهم بیشتری از سود شرکت این سهمکاران بشدیدترین وجهی و بدون محدودیت زمانی روزها معمولا ۱۲ ـ ۱۴ ساعت وگاهی هم در شب بکار مشغولند. این شیوهٔ بهره کشی شدیدترین شکل استثمار کارگران است چه، همچنانکه گفتیم کارگران برای تولید بیشتر موسسه به حداکثر ممکن کار می کنند و سرمایه‌دار بخش کشاورزی خصوصی بیشتر سعی می کند از این شیوه استفاده نماید برای روشن شدن وضع این شرکتها و سهمکاران کشاورز طرز تولید و شیوه کار یک شرکت خصوصی کشاورزی (شرکت صحرائی) را کمدر خوزستان و در مناطق عرب نشین معمول است بررسی مینمائم:

سرمایه گذار شرکت خصوصی کشاورزی بیشتر بنگاه‌دار/تصره بارفروش و بعضی سرمایه داران روستائی اند هر سرمایه گذار خود مستقیما کار شرکت را اداره نمی کند بلکه بوسیله اشخاصی با نفوذ در میان کارگران کشاورز وباسابقه درامور کشاورزی بنام "سرینه سیار" (مدیرعامل شرکت) امور شرکت را اداره می کند هر سرمایه گذار ممکن است چند شرکت از این نوع داشته باشد که هر شرکت در حوزه روستاهای یک شهر فعالیت می نماید. و هر شرکت در یک نقطه بخصوص فعالیت نمی کند بلکه واحدهای کوچک کشاورزی در هر روستا که بنه نامیده میشود مجموعا محدوده فعالیت شرکت را تشکیل میدهد، بدینترتیب یک شرکت کشاورزی در چند روستای معمولا مجاور هم ودر روستا یک بنه دارد و اما بنه که واحد کوچک کشاورزی شرکت است بوسیله یک نفر بنام بنه دار (سرکارگر) اداره میشود که بنه دار (۱) رابط بین کارگران و سرینه (مدیرعامل شرکت) است

کارگران این نوع شرکتها سابق بر این بیشتر غیر بومی (فارس) بودند مانند اصفهانیها / یزدیها وغیره . کارگران هرینه محل زندگیشان در داخل زمین کشاورزی بنه است و عموما کارگران با هم و بصورت جمعی در یک خانه زندگی می کنند که جمعی کار و زندگی کردن در روحیه جمعی کارگران تاثیر بسزایی داشته تعداد افراد بنه به نسبت مقدار زمین زیر کشت متفاوت از ۱۵ تا ۴۰ نفر (بطور متوسط هر ۱۲ ــ ۱۰ هکتار یک نفر)، از لحاظ موقعیت شغلی و تخصصی بعد از بنه دار (سرکارگر)، دامیار میباشد که بیشتر کارش تهیه بذر و سایر احتیاجات بنه است و بعد از دامیار، اویار (آبیار) است که کارش بیشتر آبیاری مزرعه است و تخصص او در امور کشاورزی بیشتر از دیگران است و یک آشپز که ضمن کار کشاورزی تهیه غذا برای کارگران را انجام میدهد و بقیه افراد کارگرند . کلیهٔ مخارج و سرمایهٔ شرکت بعهده سرمایه دار است و احتیاجات کارگران را هم سرمایه دار تامین کرده تا بعداً از درآمدشان کسر نماید محصولات این شرکتها بیشتر صیفی کاری (تره بار) است. بعد از آنکه محصول ببار آمد، روانه بازار میگردد و بعد از فروش بحساب شرکت پول جمع میگردد تا با پایان یافتن کار کشاورزی کلیهٔ مخارج متفرقه کسر شود و بقیه که سود خالص است به نسبت بدینترتیب تقسیم میشود: صاحب آسیاب آبی تامین کننده آب شرکت ۲۰٪ و سرمایه دار ۳۰٪ و سرکارگر (بنه دار) ۵٪، دامیار و آبیار هریک ۲/۵٪ و مابقی که ۴۰٪ است به نسبت تعداد افراد بین آنها تقسیم میشود ضمنا چون فروش محصول بوسیله سرمایه دار انجام میگیرد در این میان پول زیادی از تفاوت قیمت خرید و فروش

---

(۱) ــ از صحفه قبل ــ بنه دار کسی است که سابقه طولانی در این بنه ها داشته و معمولا مراحل مختلف آبیاری و دامیاری را در بنه گذرانده است و از لحاظ مادی وضع بهتری از کارگران دارد و به مدیر عامل نزدیک است و شناخت خوبی برای انتخاب کارگران دارد.

وحق العمل کاری نصیب سرمایه دار میگردد . در این شرکتها علاوه بر کارگران (سهمکاران) که سابق بیشتر غیرعرب بودند، از کارگرانی هم استفاده می کنند که بآنها حقوق روزانه میپردازند و بیشتر عربند .

در ابتدای توسعه این شرکتها ی کشاورزی سرمایه گذاران آنرا بیشتر فارس‌ها تشکیل میدادند و کارگران بیشتر غیرعرب بودند. ولی بمرور زمان بعلت انتقال تجربه و تخصص در کار کشاورزی در میان کارگران عرب، تعداد کارگران عرب این شرکتها بیشتر شده است ضمنا سرمایه دارهای محلی (عرب) بعلت رشد و توسعه این شرکتها رغبت بیشتری در سرمایه گذاری در این شرکتها نشان میدهند بطوریکه هم اکنون تعداد زیادی از این شرکتها را عربها و کارکنان عرب اداره می کنند . بکار گرفتن کارگران غیرعرب و توسعهٔ این شرکتها توسط سرمایه داران غیرعرب در گذشته از سیاست دولت سابق بود که علاوه بر سود سرشار که از استثمار کارگران متخصص کشاورز استفاده مینمود، سیاست فارس‌کردن عربها را وادغام اجباری آنها را در جمعیت فارس دنبال میکرد .

برخی از کشاورزان منفرد بعلت نداشتن ابزار تولید پیشرفته و کم بود سرمایه جهت توسعه کشاورزی که به تنهایی قادر بادامه آن نخواهند بود با هم شریك شده و هر چند کشاورز امکانات‌شان را روبهم ریخته و بصورت شرکتهای کوچك چند نفرهٔ روستائی، کشاورزی مینمایند که از این نوع روز بروز زیادتر میگردد .

شرکت های تعاونی روستائی : که سابق بر این کارشان دادن وام بکشاورزان و خرید و فروش بعضی محصولات بود، با دادن وام به کشاورزان، بخصوص کشاورزان کم زمین، آنها را استثمار می کردند این کشاورزان که قادر باستفادهٔ درست از این وامها نبوده بلکه این پول را که قدرت خرید آنها را بطور کاذب بالا می برد صرف خرید کالاهای مصرفی غیرضروری سرمایه داری مینمودند و دست آخر چون نمیتوانستند وام و سود را بپردازند، هر ساله بر سود پول اضافه

گردیده و این کشاورزان را بزیر قرض برده و سود سرشاری نصیب شرکتهای تعاونی که همان سرمایهٔ مالی سرمایه داران وابسته بود میکرد وگاهی هم کشاورز مجبور بود زمین رابجای سود و وام به شرکت تعاونی یعنی همان سرمایه داران بدهد و خود بعنوان کارگر ساده کشاورزی کند. اصولاً شرکت های تعاونی در مناطق عرب نشین جز دادن وام و فروش ابزارهای تولیدی مثل تراکتوروغیره کار مهم دیگری نتوانست انجام دهد.

شرکت های سهامی زراعی ــ در مناطق عرب نشین نسبت به بقیهٔ نواحی کمتر وجود دارد. در این نوع شرکتها سهامداران، کشاورزان صاحب زمین ده هستند که خود به تنهایی فاقد قدرت توسعهٔ کشاورزیند. بدینجهت اعضاء شرکت زمینهای خود را تحویل شرکت داده و به نسبت سهام پول سرمایه اولیه را تحویل میدهند. مدیریت این شرکتها با دولت و سهامداران بزرگ شرکت است خرید و فروش محصولات بعهده سهامداران بزرگ و از خصوصیات این شرکتها اینست که با رشد و توسعهٔ شرکت کشاورزان کم زمین و بی ــ پول نمیتوانند سهام خود را پابپای دیگران توسعه دهند بناچار این سهام را فروخته و در نهایت بکارگر کشاورز تبدیل میشوند. بدین ترتیب بعد از مدتی سهام شرکت بدست چند وگاهی یک ویا دو نفر می افتد (سهامداران بزرگ سهامداران کوچك را بدر می کنند) توسعه وگسترش شرکتهای سهامی زراعی منجر به تسلط سرمایهٔ سهامداران بزرگ شده و شرکت تبدیل به شرکت زراعی خاص می شود. نظیر شرکت سهامی زراعی فرد نو در هویزه که ابتدا سهامدارانش تعداد زیادی از روستائیان بودند و بعد سهامداران کمی آنرا اداره میکردند.

کشت و صنعت ها ــ در مناطق عرب نشین خوزستان نسبت بسایر نواحی زیادتر است. کشاورزی این شرکت ها مکانیزه و سرمایه گذار، دولت یا سرمایه داران وابستهٔ خصوصی است روابط کامل سرمایه داری در این شرکتها حاکم است تعداد زیادی از

www.tabarestan.info تبرستان

کارگران عرب در این شرکتها بکار مشغولند. این کارگران مدت مشخصی (۸ ساعت در روز) کار کرده و در سود و زیان شرکت هیچ گونه سهمی ندارند. محصول شرکتها بیشتر صنعتی است که در مواردی بکارخانه های همجوار حمل می شود تا بمصارف صنعتی برسد مثل نیشکر محصول کشت و صنعت هفت تپه و اخیراً کارون که بعد از آنکه تحویل کارخانهٔ شکر گردید و شکرش گرفته شد تفاله های آن تحویل کارخانهٔ کاغذ پارس میشود تا به کاغذ تبدیل گردد. این شرکتها بیشتر بخارج وابسته هستند و محصولاتشان چغندر/ مواد رنگرزی / مارچوبه، مثل کشت صنعت ایران کالیفرنیا و ....

تعداد زیادی از روستائیان عرب به کار اجاره داری در باغات و زمینهای کشاورزی (باغ خرما) مشغول کارند و همراه آنها زنان و کودکان خانواده در کارگاه ها و کارخانه های همجوار با شرایط بسیار سخت و شیوه های استثماری وحشیانه، بوسیلهٔ سرمایه‌داران مورد ستم قرار میگیرند. مثل کار در کارخانه های خرما پاک کنی (چرداغ) بین خرمشهر و آبادان که بشیوه کار مزدی انجام می گیرد. مثلاً درازای پُر و تمیز کردن هر صندوق خرما بطور متوسط ۱۰ ــ ۱۵ ریال پرداخت میگردد.

* * *

دامداری

در نواحی روستاهای عرب نشین خوزستان که آب برای آبیاری زراعت وجود ندارد و بیشتر، کشاورزی دیم رایج است، شغل اصلی روستائیان بیشتر دامداری میباشد، بطوری که کشاورزی یک شغل فرعی است. این اعراب در صحراهای (۲) خوزستان و نواحی

---

(۲) ــ در میان اهالی محل این صحراها را صحرای عربستان گویند بجهت آنکه ساکنانش عربند.

مرزنشین و دامهای آنها بیشتر گوسفند (بخصوص گوسفند بـــری)، گاو /گاومیش/ شتر میباشد. تعدادی از آنها ساکن در روستاهـــا و بیشتر در میان صحرا در حال کوچند، اعرابی را که در حـــال کوچند و شغل اصلیشان دامداری است بَدو (بدوی) گویند و اعرابی را که به پرورش گاو و گاومیش مشغولند عرب معدان (معدی) یا عرب گاومیشی گویند که بیشتر در نواحی مرزنشین عراق ــ هویزه و بستان و اطراف شوش و هفت تپه و بین اهواز و رامهرمز ساکن و بیشتر شیـر و محصولات لبنیات خوزستان را این اعراب دامدار تهیه می کننـــد. تعدادی از اعراب دامدار که در روستاهای کوهپایه ای خوزستـــان در میان فارس‌ها به دامداری در حال کوچ مشغولند، به عرب کمـری (۳) معروف گشته و رابطه نزدیکتری با فارس‌ها دارند تا با عربهـــا، زبان آنها عربی توام با فارسی است و در جمعیت فارس حل شده‌انـد و زندگی آنها از طریق فروش محصولات دامی تامین میشود.

پیشه وری و کارهای دستی و شغل های آزاد ــ در میان اعراب دامدار روستائی علاوه بر دامداری کارهای دستی و صنایع کوچـــک سنتی هم کمابیش وجود دارد، مثل قالی بافی /جاجیم بافی (نـــرار) چادر سیاه، عبای زنانه و مردانه (بشط) رواج دارد. ساختن بلم و دوبه های چوبی و استفاده از آنها برای حمل مسافر و بار در رواه‌های آبی و بنادر و جزایر مثل خرمشهر/ معشور وغیره ..... بافتن بوریا از برگ درخت خرما در شادگان /خرمشهر/ اطـــراف آبادان و ... حصیر بافی در جایی که نیزار است در هورهـــا در نواحی مرزی هویزه و بستان و روستاهای رُفیه /حلکچه /طبر/ برگـه، ماهیگیری در رودخانه های کارون /شاهور /شط علی /هورالعظیم.

زنان عرب

زنان عرب در کارهای تولیدی شرکت فعال دارند و در روستاهـــا در زمینهٔ کشاورزی و دامداری دوش بدوش مردان و گاهی بیشتـــر از مردان عرب در فعالیتهای اقتصادی شرکت می کنند. نقـــش زنان عرب در کارهای تولیدی بخصوص در روستاها بحدی است

که گاهی مردان نقش چندان فعالی در کارهای تولیدی نداشته و مرد را تا حد سرپرست خانواده مشخص مینماید بطوریکه زنان علاوه بر کارهایی مثل کشاورزی و دامداری، تهیهٔ وسایل سوخت، کارهای دستی مثل پشم ریسی و دوخت و دوز، کار مبادلهٔ اجناس را هم خود انجام میدهند. صفوف طویل زنان عرب که اکثر اوقات روز با پشته های سنگینی در بین شهر و ده و یا دهات در رفت و آمدند گواه این مدعاست. کاریدی طاقت فرسا و سنگین و مدام در میان زنان عرب بحدی است که گاهی مردان قادر بانجام آن نیستند، مثلاً پشتهٔ هیزمی را که یك زن عرب بر اثر کار مدام و عادت به پشت کشیده و با چابکی حمل مینماید، یك مرد جوان بسادگی نمیتواند حمل کند. یا همینطور دیگ های بزرگ و کوچك شیر یا ماست و ظروف مختلف الشکل پر از ماست که روی سر میگذارند و فرسنگها راه را با پای پیاده و برهنه میپیمایند همینطور وقتی دختران عرب در سرما و گرما با پای برهنه به دامداری مشغولند. شرکت فعال زن عرب در کار تولیدی بوی / قیافه و چهره خاصی بخشیده که او را از زنان فربه و بیکاره و خانه نشین شهری و روستائی (که در زیر چتر خانه داری توجیه میشود) متمایز مینماید، بخصوص که اگر این را بخاطر داشته باشیم که زنان عرب علاوه بر همهٔ این کارها ی تولیدی خارج از خانه کارهای خانه و نگهداری فرزندان را هم بعهده دارند. با همهٔ اینها گرچه بعلت فعالیت تولیدی، زن باید دارای نقش اجتماعی بیشتری باشد (٤) ولی در اینمورد زنان عرب نقششان در فعالیت های اجتماعی ــ سیاسی چنان ناچیز است که حتی در تصمیم گیری خانواده نمیتوانند دخالت موثر داشته

---

(٣)ــ از صحفه قبل ــ کمری اصطلاح محلی فارس زبانان خوزستان است یعنی کوهی، که به عربهایی که در کوهپایه زندگی می کنند می گویند.

(٤) ــ برای درك دقیق رجوع شود به کتاب خانواده و مالکیت خصوصی اثر انگلس.

باشند و زن بعنوان موجودی اسیر مرد است . که ریشه تاریخی آنرا باید در بقایای روبنای فئودالی و بیشتر برده داری در رابطهٔ زناشوئی زن و مرد عرب جست که همچنانکه گفتیم زن برده و اسیر مرد است . رنج و ستمی را که بر زنان عرب رو امیشود علاوه بر ستم ملی نسبت بزنان فارس دارای جنبهٔ طبقاتی شدیدی است و موقعی میتوان آنرا بهتر درک کرد که بروابط زناشویی (از دواج طلاق و رفتار مرد نسبت بزن درخانواده) پی برده باشیم. چه، تمام قوانین اجتماعی (بخصوص رسم و سنتها موجود در روستاهای عرب) بطوریکطرفه بزیان زن و به نفع مرد تمام شده است . علاوه بر فشارهای اقتصادی و اجتماعی که زنان عرب چه در شرایط اجتماعی خود و چه در رابطه با قوانین اجتماعی دست و پا گیر رژیم های ضد خلقی گذشته متحمل میشوند، بی فرهنگی وعدم رشد سیاسی وکم بود آگاهی اجتماعی، زنان عرب را در وضع بسیار سختی قرار داده است که یگانه راه نجات از اینهمه بی عدالتی در نهایت انقلاب اجتماعی برهبری پرولتاریا خواهد بود تا تمام فشارها و ناملایمات را که ریشهٔ طبقاتی دارد برای همیشه نابود نماید .

در بررسی کوتاهی که از ترکیب طبقاتی اعراب نمودیم، باین نتیجه میرسیم که اکثریت قوم عرب را توده های زحمتکش (کارگران دهقانان / زحمتکشان شهری) تشکیل میدهند که نسبت به جمعیت فارس ها، زحمتکشان عرب درصد بیشتری را نشان میدهد. چه، بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه عرب بعلت شرایط نابرابر اجتماعی ، فرهنگی (که از طرف دولت ستمگر گذشته اعمال میشد) نتوانست پا بپای فارس ها رشد مستقل نماید و در نتیجه نیروهای مولده (ابزار تولیدی محلی عرب) از رشد مساوی با فارس ها برخوردار نبود و چنانچه دیدیم سرانجام در آن حل شد و درصد بسیار کمی از جمعیت عرب توانستند به قشرهای متوسط و مرفه راه یابند. بطوریکه اگر عالیترین موقعیت اجتماعی را (از لحاظ اقتصادی و ثروت) از بورژوازی بحساب آوریم هر چه از طبقهٔ

بورژوازی به سایر طبقات اجتماعی پائینتر نزدیك شویم بهمان نسبت جمعیت اعراب در طبقات پائین اجتماعی زیادتر میگردد. جدول زیر تا حدودی مشخص کنندهٔ موقعیت اعراب در طبقات مختلف اجتماعی مناطق عرب نشین است و درصد اعراب را در طبقات مختلف منطقه نسبت به جمعیت کل طبقه یعنی عرب وغیرعرب نشان میدهد. ضمناً بعلت دسترسی نداشتن بیك آمار دقیق (چون رژیم فاسدگذشته هیچ گونه توجهی به این جریان ننموده است.) این ارقام با برخورد عینی و آمارهای پراکنده و مختلف که هیچکدام دقیق نیست تنظیم شده است و در تمام جدول ها تقریبی و تخمینی است.

www.tabarestan.info

درصد جمعیت عرب	نسبت جمعیت عرب در طبقات مختلف اجتماعی مناطق عرب نشین بخصوص جنوب خوزستان
٤ـ ٥ درصد	قشرهای مختلف بورژوازی
٢٠ـ ١٥ //	بورژوازی متوسط (تجار / کامیونداران ...)
٣٠ـ ٢٥ //	خرده بورژوازی مرفه: دکانداران / صاحبان مسافرخانه ها / لوکس فروشیها و...
١٥ـ ٢٠ //	خرده بورژوازی بوروکراتیك (مشاغل دولتی از کارمند ببالا / ارتشی از استوار به پائین پزشك و ....)
٥٥ـ ٥٠ //	کارگران بطور کلی که پرولتاریای صنعتی از این میزان یعنی از معیار ١٠٠ درصد کل ٣٠ ـ ٣٥ درصد و کارگران خدمات ساختمانی و راه ها و ٧٠٠٠٠ ـ ٦٥٪
٨٥ـ ٨٠ //	کشاورزان منفرد (دهقانان زمیندار ـ کم زمین) خوش نشینان روستا که در رده بکار کشاورزی مشغولند.

۵۰ـ۴۵ درصد	زحمتکشان شهر و ده (کارگران دائمی کشاورزی / کارگران فصلی / راننده ها نانوائیها و ۰۰۰۰۰
۶۵ـ۶۰ //	مشاغل غیر ثابت (دلال ها قاچاق چیها و ۰۰۰۰۰

حال ترکیب جمعیت اعراب و پراکندگی آنها را در جدول زیر مناطق عرب نشین مشخص نمائیم.

www.tabarestan.info تبرستان

درصد جمعیت عرب در شهرها و روستاهای مختلف خوزستان :

نام شهر	شهر	ده
دشت آزادگان (سوسنگرد هویز / بستان)	٪۹۰	٪۹۵
خرمشهر	٪۷۰ـ۶۵	٪۹۵
شوش و هفت تپه	٪۵۰	٪۸۰
هندیجان		٪۸۰
آبادان	٪۴۵ـ۴۰	٪۹۶
اهواز	٪۴۵ـ۵۰	٪۹۰
دزفول	۱۰	٪۱۵
شوشتر	٪۱۰	٪۲۵
رامهرمز	٪۵ـ۱۰	٪۲۰
خلف آباد (رامشیر) امیدیه	٪۷۰	٪۷۰
ماه شهر و بندر خمینی ((شاهپور سابق)	٪۴۵ـ۴۰ ش	٪۹۰ـ٪۸۰
اندیمشک	٪۱۰	

بعد از تشریح وضع طبقاتی و پراکندگی اعراب به وضع زندگی و موقعیت فرهنگی و سیاسی آنها میپردازیم و این نابرابری

شرایط اجتماعی را که در بین اعراب و فارس‌ها وجود دارد دنبال می کنیم .

اعراب از لحاظ شرایط اجتماعی / فرهنگی / سیاسی در موقعیتی همسان جمعیت فارس‌هم محل خود نیستند . این طرز زندگی ووضع اقتصادی نابرابر که بآنها اجازه نمی دهد که در وضع بهتر یا مساوی فارس‌گردند، بیشتر ناشی از فشارهای اجتماعی / سیاسی فرهنگی و ستم ملی بوسیله رژیم های گذشته به قوم عرب است. نمیشود منکر این شد که سایر طبقات فقیر غیرعرب (فارس) دارای موقعیت اجتماعی و وضع زندگی بسیار بدی هستند و وضع ناگواری از لحاظ شرایط اجتماعی و وضع بهداشت و فرهنگ و وسایل رفاهی دیگر میباشند ولی با وجود این بین طبقات مختلف زحمتکش عرب و فارس فرق وجود دارد و آن اینکه اکثریت جمعیت محله های فقیر شهرهای عرب نشین را اعراب تشکیل میدهند و در محله های بهتر با سطح زندگی بالاتر اعراب درصد کمتری را تشکیل میدهند. ما محلات مختلف شهر را از نظر موقعیت اجتماعی که ساکنان آن دارند ووضع اقتصادی و موقعیت بهتری که دارند مورد نظر میگیریم، این محل ها هم برحسب همان تقسیم بندی اجتماعی از لحاظ وضعیتشان یعنی وسایل رفاهی، شکل و مصالح و زیربنای ساختمان تعداد افراد در ساختمان، وسایل فرهنگی و بهداشتی در محله (مدرسه / کودکستان / دبستان / پزشك / داروخانه و ۰۰۰۰۰۰۰) وضع خیابانها و کوچه، وضع آب و برق ووسایل حمل و نقل و ۰۰۰۰ مطالعه می کنیم. برای روشن شدن این وضع یعنی وضع زندگی اعراب در شهرهای عرب نشین به نسبت جمعیت آنها را در محله ـ های یك شهر مقایسه می کنیم .

www.iran-archive.com

وضع	درصد جمعیت	نام محله و موقعیت آن	محله اعراب
×	٪۸۰ ــ ٪۸۵	لشگرآباد (نهضت‌آباد) / فلسطین	
+	٪۴۵	کمپلو و خشایار (نواحی خیابان هانی)	
*	٪۱۵	امانیه	
*	٪۲۰	کیان پارس	
×	٪۸۰	محدوده آخر اسفالت	
+	٪۵۰	محدوده زند و سی متری و نادری	
+	٪۵۰	محدوده زند /باغ‌شیخ / کوی یوسفی	
+	٪۵۰	شاهپور / سی متری و ۲۴ متری	
×	٪۸۰	خزعلیه	
×	٪۴۵	حصیرآباد	
*	٪۲۵	زیتون کارمندی	
+	٪۴۰ ــ ٪۳۵	زیتون کارگری	
*	٪۱۵	نیو ساید	
	٪۵۰	کوی نیرو	
+	٪۳۵	کوی کارون	
×	٪۱۰۰	کوت‌عبدالله	
+	٪۵۵ ــ ٪۵۰	آسیاباد	
×	٪۱۰۰	گاومیش‌آباد	
×	٪۹۰	رفیش‌آباد	

× ــ وضع محله بسیار بد و فقیر نشین، بیشتر محل سکونت زحمتکشان شهری / کارگران / دکانداران

+ ــ وضع محله متوسط، محل سکونت کارمندان دولت / دکانداران و بورژوازی مرفه / لوکس‌فروشیها و طبقات متوسط دیگر و تعدادی از کارگران صنعتی

www.tabarestan.info تبرستان

* ــ مقامات‌عالیرتبه دولتی ازکارمند ببالا / روسا* / بورژوازی و تجار و ....

اعراب بیشتر در محله های فقیر نشین شهر ها زندگی میکنند در این محله ها که ساکنانش از ابتدائی ترین وسایل زندگی محرومند، ساختمان خانه های خیلی از محله های فقیر نشین بهتر ینشان از آجر معمولی و بقیه از گل و خشت و یا چوب و تخته ساخته شده است، بعنوان نمونه یکی از بدترین محله های فقیر نشین عرب خوزستان را در خرمشهر و در جلوی گمرک خرمشهر یا باب سنتاب بغل بازار معروف سوق الغیران (بازار خته) یا بازار شیطون که یك محل کارگر نشین هم میباشد، مورد بررسی قرار میدهیم تا گوشه ای از ظلم و ستم و استثمار وحشیانه ی سرمایه داری را نسبت باین کارگران سخت کوش شاهد باشیم. خانه های این محله بیشتر در داخل باغ‌های نخل که محل عبور جویها و لجن زاروفاضل آب شهر هم هست میباشد. این خانه ها اکثراً از مقوا هائی که کارگران بندر از داخل کشتی می آورند ساخته میشود و در زمستان آنرا با پوششی از پلاستیك میپوشانند تا از نفوذ باران جلوگیری شود. در هر خانهٔ ۲ تا ۲/۵ متری حدود ٤ یا ٦ نفر زندگی میکنند. به این خانه ها بزبان عربی سریفه گویند، در این خانه ها برق بطور مستقیم وجود ندارد، بلکه آنها بوسیلهٔ شاخه ها که از خانه های همجوار سیم کشی شده برق میگیرند. آب آشامیدنی که اصلاً بصورت لوله کشی وجود ندارد. آنها از خانواده های همسایه یا شیرهای آب عمومی در شهر استفاده می کنند. در تمام این سریفه های کارگر نشین که بیشتر کارگران آنرا، کارگران باراندازبندر تشکیل میدهند توالت وجود ندارد. فقط در بعضی جاها وسط باغ در معرض دید عمومی و محل عبور و مرور چند تا سنگ و یك تختهٔ چوبی که روی آنها عبور داده و یك گونی که بعنوان مخفی گاه توالت نصب نموده اند و در میان گودالی که در وسط سنگها حفر کرده اند در تمام کثافات و فضولات در همان گودال جمع

میشود. این توالت گذشته ازاینکه منبع پرورش انواع میکربها و مرضهای انگلی است، بعلت در معرض تماشا بودنشان در طول روز برای زنان قابل استفاده نیست. در همین خانه ها گرد وغبار بیداد میکند، بطوریکه بیشتر وقتها چند سانتیمتر خاك در کف زمین می نشیند. در زمستان پا تا زانو در گل و آب باران فرو می رود و بگذریم که نه از گرمای طاقت فرسای جنوب و نه از سرما در امان است. بغیر از اینها این کارگران عرب از هیچ گونه وسیلهٔ بهداشتی و رفاهی و فرهنگی دیگری برخوردار نیستند. مزید بر این گاهی هم صاحبان زمینهای اطراف سعی دارند بزور این ساکنان را از منازل بدر کرده و دوباره زمینها را تصاحب نمایند. در چنین مواردی آنها باتمام اعضای خانواده از این خانه مقوائی هم محروم میگردند و این در حالی است که ساکنان محله های اعیان نشین بغل همین محله هر خانه ٤٠٠ تا ٥٠٠ متر زیربنا و با جمعیتی ۳ یا ٤ نفر در آن با تمام امکانات ووسایل رفاهی و بهداشتی که دارند زندگی می کنند. محروم بودن از وسایل ابتدائی زندگی در مقابل اعیان نشین های غیرعرب و گاهی عرب و فقر و ظلم و ستمی را که اعراب متحمل میشوند، نه تنها در زمینه مسکن و محل زندگی، بلکه در تمام زمینه های اجتماعی قابل احساس است. در بیشتر ادارات دولتی که کارمندان و روسا غیرعربند و زبان عربی را نمی دانند نمیتوانند پاسخگوی مسائل اعراب گردند و حالت بی توجهی و تحقیری که با عراب رو امیشود، مانع از آنست که بطور یکسان مسایلشان مورد رسیدگی قرار گیرد. بارها مشاهده کرده که مرد یا زن عربی بخاطر اینکه نتوانسته بزبان فارسی منظور خود را بیان کند در خیابانها و کوچه ها سرگردان میشود تا راهنمای عرب زبانی بطور اتفاقی پیدا نماید. بازارهای محله های فقیر نشین عرب فروشنده بنجل ترین اجناس و غذاهای مانده و فاسد شده هستند که توده های زحمتکش عرب بعلت فقری که دامنگیر اشان شده مجبورند مشتری دائمی این اجناس گردند. نمونهٔ اهواز

بازار عربها، لشگرآباد و یا خرمشهر بازار صفا، بقول زنان عرب بازاریما و .... اکثر خیابانها و محله های عرب نشین خالی و بدون فاصل آب با جویهای پر از لجن و کثافت و بعلاوه در جوار محله ها گندابهایی وجود دارند که در فصل تابستان همین گندابها محل شنای کودکان پابرهنه عرب است. کمبود جای سکونت، نبودن وسایل اولیهٔ زندگی و مواد غذایی، عدم رعایت بهداشت، کار طاقت فرسا، باعث شده که توده های زحمتکش عرب با انواع امراض مبتلا گردیده و میزان مرگ و میر در سنین جوانی زیاد گردد. جمعیت بهمفشردهٔ زنان وکودکان و مردان عرب در بیمارستانهای دولتی و بخش خصوصی گواه بر میزان بیماری زیاد در میان اعراب است. اما این کمبودها در روستاهای عرب از این هم بیشتر است چرا که روستاهای عرب فاقد برق، آب لوله کشی، جاده اسفالته، میباشد. از یزشك و دارو خبری نیست، وضع تغذیه ناگوار است. آب آشامیدنی همان آبی است که همراه گل ولای موجود در آن مصرف میشود. در اطراف حور و نزدیك مرز و در بیابانها مردم هنوز از آب بارانی مانده در گودالها استفاده مینمایند. از سایر وسایل بهداشتی و رفاهی اصلا خبری نیست. نبودن وسایل لازم زندگی و عدم تغذیه درست باعث بروز انواع امراض محلی و مسری در میان روستائیان عرب گردیده، بخصوص بعلت کم بود امکانات پزشکی، میزان مرگ و میر بسیار زیاد و متوسط عمر در میان اعراب زحمتکش و فقیر (کارگران و دهقانان) بسیار پائین است.

وضع اعراب صحرا گرد و بدوی که روابط عشیره ای کمابیش بر آنها حاکم است و اقلیتی ناچیز از اعراب روستائی را تشکیل میدهند از این هم بدتر است. زندگی در دشتها و جوار مردابها و نیزارها و عدم ارتباط ساکنین این نواحی با شهر و شیوه اقتصادی و روابط اجتماعی متمایز از سایر اعراب باعث شده است که سنت های قومی عرب در این نواحی بیشتر حفظ گردد.

وضع فرهنگی

علاوه بر فقر و فلاکتی که در روابط اجتماعی اعراب خوزستان وجود دارد از لحاظ فرهنگی بآنها ستم بیشتر شده است بطوریکه آنها قادر نیستند اززبان مادری خود درنوشتن استفاده نمایند.

با رشد و توسعه سرمایه داری همراه با کالاهای سرمایه ای که ارتباط بین اقوام گوناگون را از شهر و روستا گسترش داد، قوم عرب که روابط فئودالی هم چون پیله ای دورش را تنیده بود از این پیله خارج و در رابطه با سایر ملیتهای کشور قرارگرفت. اما گسترش یک جانبهٔ سرمایه داری و روابط کالائی حاصل از آن همراه این اجناس مصرفی فرهنگ و روبنای خود را به میان قوم عرب برد. این جریان ملت عرب را در وضع نابرابری قرار داد، چرا که سرمایه داری وابسته و روبنای آن مانع رشد طبیعی نیروهای تولیدی و درنتیجه روبنای متناسب می گردد. و در مبارزهٔ سهمگینی که بین این دو جریان بوجود آمد، بزیان اعراب تمام شد. علاوه بر این جریان اقتصادی، تحکیم دولت مرکزی و تسلط نظامی آن از زمان رضا خان پهلوی، منجر به تسلط اجباری زبان فارسی و از آن زمان به بعد تلاش بسیاری برای توسعهٔ زبان فارسی آغاز گردید. تلاش حکومت مرکزی برای نابودی زبان و فرهنگ عرب بشکل های گوناگونی صورت میگرفت، تدریس اجباری زبان فارسی در مناطق عرب نشین، تدوین قانون اجباری نوشتن نامه های رسمی بزبان فارسی و بکارگماشتن افراد اداری و دولتی غیر محلی و فارسی زبان که ارباب رجوع را مجبور به فارسی صحبت کردن مینمود، کوچ اجباری افراد فارس زبان (فارسها) بجای جمعیت عرب ها مثل دهکده یزد نو که جمعیتی از یزدیهای شهر یزد به آنجا رفته و باجبار عربها را از آنجا کوچانده اند هم از کارهای دولت جهت حل کردن جمعیت عرب در فارس برای رشد سرمایه داری بود. وضع تدریس در مناطق عرب نشین بخصوص روستاها بسیار ناگوار و میزان باسوادان عرب بسیار کم و سطح فرهنگ اعراب نسبت به جمعیت فارس پائینتر است، چه، فرهنگ تحمیلی و شرایط اجتماعی نابرابر باعث کندی رشد فرهنگ در میان اعراب میگردد

www.tabarestan.info تبرستان

و مدارس بیشتر روستاهای عرب بیش از اینکه به توسعهٔ فرهنگ بطور کلی بپردازند به وسیله ای برای تدریس فارسی یا فارس کردن عربها مبدل شده اند (در مدارس ابتدائی در روستاهای عرب، برای کودکان عرب صحبت کردن بزبان عربی ممنوع بود.) کلاسهای شبانه (اکابر) در روستاهای عرب برای بزرگسالان هدفش بالا بردن سطح فرهنگ عرب نبود بلکه بیشتر فارسی یاد دادن را دنبال مینمود. چه، به سراغ پیرمردها و زنان مسن که بطور کلی فارسی بلد نبودند، میرفت و ادارهٔ آموزش و پرورش برنامه خود را بر این پایه گذاشته و تلاشهای بسیاری را هم در راین زمینه آغاز کرد و مردان و زنان عرب (کارگران و دهقانان) که برای سیر کردن شکم خود و فرزندانشان با زندگی دست و پنجه نرم میکردند و این امر مانع تحصیل آنها میشد، بزور سرنیزه و کتک بوسیله ژاندارمهای آریامهر بکلاس شبانه میفرستادند. این برنامه در مناطق مرزنشین بیشتر اجرا میشد (۵) دولت سرمایه داری با همهٔ تلاشش نتوانست زبان عربی را بعنوان وسیلهٔ تکلم اعراب از بین ببرد، ولی با همه مقاومت از جانب اعراب فرهنگ و زبان عرب لطمهٔ بسیار دید و نتوانست برشد طبیعی خود ادامه دهد با اینحال آداب و رسم و سنتهای عرب که خاص ملیتشان است باقی ماند.

هنر و موسیقی همراه فرهنگ عرب لطمه های فراوان دید و نتوانست بعنوان یک وسیله در پیکارهای طبقاتی، آنطور که باید مورد استفاده قرار گیرد. فقط آن قسمت از موسیقی و هنر که بصورت فولکوریک در میان روستائیان یا در شهرها باقی ماند که سینه به سینه و بصورت نامنظم اجرا و بصورت شفاهی محفوظ گردید. از آثار موسیقی سنتی عرب در روستاها بیشتر خواننده های دوره گرد که از نوعی ابزار موسیقی بنام ربابه و همراه آن آوازهای پرسوز و گداز محلی شعر از افراد محبوب مردم میخوانند و ابزار ابتدائی دیگر نی جفته (نی انبان) است که بیشتر چوپانان و شتربانان مینوازند و در میان اعراب بدوی معمول است و در شهرها فقط

نوعی موسیقی بازاری امروزی شده خوانده میشود، که مخلوطی از فارسی و عربی است و فقط در میان اعراب تك و توك موسیقی اصیل عربی اجرا میشود. بغیر ازموسیقی اشکال هنر سنتی بصورت رقص و آواز و یا سرودهای رزمی و مذهبی وجود دارد. اما موسیقی و هنر اعراب بعلت شرایط نامناسب و نابرابری اجتماعی نتوانست گسترش یابد.

مبارزهٔ اعراب در ایران

با گسترش تولید کالایی در کشور و بهمراه آن لزوم گسترش راههای ارتباطی / توسعه بنادر و راههای آبی / رشد تجارت داخلی و خارجی، تامین امنیت این راهها و ایجاد آرامش و ثبات جهت حفظ ارزش اضافی حاصل از روابط سرمایه داری ضرورت ایجاد یك دولت متمرکز و قدرتمند نمایان بود. چنین بود وضع کشور در آستانه حکومت خاندان پهلوی.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن انگلستان و عوامل داخلی وابسته بآن که در ابتدا رضاخان را نسبت به سایر شیوخ، مخالف منافع خود بحساب می آوردند، قبلاً درصدد برآمده بودند که از گرایشات جدائی خواهانهٔ قومیت های مختلف در ایران بنفع خود حمایت کرده تا آنها را زیر چتر حمایت خود گرفته و به مستعمرهٔ خود بدل نماید. در آن زمان سیاست استعمارگرانه امپریالیسم در کشورهائی که نمی توانست بطور یکجانبه همه کشور را بزیر سلطه خود درآورد چنین بود.

برای روشن شدن اینکه مبارزات قوم عرب در ایران از چه زمانی شروع شده باید نظری به شرایط این قوم و رابطهٔ آنها با حکومتهای گذشته در دوره تسلط فئودالی بیفکنیم:

در دورانی که فئودالیسم بر کشور حاکم بود هیچگاه حکومتهای مرکزی نتوانستند حاکمیت خود را بطور کامل بر شیوخ فئودال عرب تحمیل کنند و اگر زمانی هم موفق میگردیدند بسیار اتفاقی و بی ثبات بود.

حکومت های قبلی همیشه از طریق شیوخ (فئودالهای عرب) با اقوام عرب رابطه داشتند و هیچگاه نتوانستند بطور مستقیم و بدون وجود فئودالها بر اقوام عرب تسلط یابند و بدینترتیب شیوخ رابط بین توده های عرب و دولت مرکزی بودند. تا زمانی که اقتصاد طبیعی برجامعه حاکم بود، تسلط شیوخ عرب بر رعیتهایشان بوسیلهٔ سلسله مراتب فئودالی اجرا میگردید و بزرگترین و قدرتمندترین فئودال یا شیخ را شیخ المشایخ (شیخ بزرگ) می گفتند که این شیخ بزرگ بر حسب قدرت یا ضعف دولت رابطه داشته یا مستقلاً عمل میکرد.

استقلال شیخ های عرب نسبت بسایر نقاط فئودال نشین بیشتر بود و همچنانکه گفته شد در بیشتر موارد از حکومت مرکزی پیروی نمیکردند واقتصاد طبیعی حاکم بر جامعه باعراب این اجازه را میداد که بدون داشتن یك رابطهٔ عمیق با سایر نقاط و اقوام بزندگی درون قبیله ای خود ادامه دهند اما همچنانکه گفتیم گسترش تولید کالائی و روابط سرمایه داری و ایجاد دولت متمرکز که میخواست سلطهٔ خود را برتمام نقاط ایران بیفکند (بخصوص سلطه و تمرکز در خوزستان بعلت شرایط خاص یعنی وجود مواد خام مثل نفت و همچنین ارتباط با دریای آزاد وزمینهای مساعد کشاورزی برای سرمایه داران خارجی و بخصوص انگلستان اهمیتی بسیار داشت) با منافع قومی و روابط درون قومی عرب در تضاد می افتاد ومسئله ملیت عرب از این زمان ببعد در صحنهٔ مبارزات کشور مطرح گردید.

اولین حرکت جدائی خواهانه (تجزیه طلب) از جانب شیخ خزعل فئودال بزرگ عرب برداشته شده که مورد حمایت انگلستان

---

(۵) از صحفه ۲۵ ــ برای روشن شدن چگونگی تدریس در آن زمان رجوع شود به آموزگاران که در روستاها تدریس میکردند یا خود کشاورزان عرب یا کارمندان آموزش و پرورش.

قرار گرفت . شیخ خزئل که خود مردی فئودال وخودکامه بود تودهٔ زحمتکش عرب را بشدیدترین وجهی زیر فشار قرار داده وتحت ستم فئودالی از آنها بهره کشی می نمود، سعی داشت از احساسات قومی عرب به نفع خود بهره گیرد. جنگ با دولت ویرای جدا شدن ازدولت مرکزی را با همکاری و حمایت انگلستان راه انداخت تا حکومت خود را تحکیم بخشد، اما ۲ عامل عمده شکست شیخ خزئل عبارت بودند از : یکی اینکه توده های زحمتکش عرب بخصوص رعیتهای عرب که در زیر فشار شیوخ وفادار بشیخ خزعل قرار داشتند نه تنها از او حمایت نکردند بلکه در پاره ای نقاط به مخالفت باوی برخاستند این عامل مهم در شکست شیخ بود واما عامل دیگر . دولت انگلستان که در ابتدا در جنگ بین شیخ خزعل و رضا خان جانب خزعل را گرفته بودند متوجه گردیدند که دولت متمرکز و قدرتمند رضا خان که وابسته بانگلستان هم خواهد بود بهتر میتواند منافعشان را در ایران تامین کند چه شیخ خزئل اگر هم موفق میشد، نمی توانست از ثباتی برخوردار باشد، لذا جانب رضا خان را گرفت و حمایت خود از شیخ خزعل را سلب نمود. بدینترتیب اولین جریان جدائی خواهانه که بوسیلهٔ شیخ خزئل هدایت می شد به شکست منجر شد .

هر چه رشد سرمایه و روابط سرمایه داری بیشتر میشد وکالا ـ های ساخته شده نقاط مختلف کشور را در مینوردید بهمان نسبت تولید محلی و روابط درون قومی ضربه میخورد وآنها را از پیله‌ای که اقتصاد طبیعی بدورشان تنیده بود بدر می آورد اما با توسعه این روابط طبقات مختلف عرب که موقعیت اجتماعی ـ اقتصادی خود را از دست میدادند بسختی بمبارزه با دولت مرکزی برخاستند و مبارزه دولت مرکزی برای سرکوب هر نوع مخالفتی از این زمان بر علیه ملیت های مختلف بخصوص اعراب آغاز گردید . زیرا همچنانکه گفتیم شرایط خاص خوزستان یعنی وجود نفت و ثروتهای بیکران آن که سرمایه داران خارجی چشم بآن دوخته بودند لزوم ثبات

www.iran-archive.com

و دولت قدرتمند را در خوزستان ایجاب میکرد و این مسئله فشار و ستم ملی را بر اعراب چند برابر کرد زیرا که رشد روابط سرمایه داری و گسترش تولید کالائی در اینجا از هر استانی ضرورتر بود. اقتصاد محلی زیر ضربهٔ شدید سرمایه داری وابسته قرار گرفت و بهمراه آن فرهنگ عرب مورد تسخر قرار گرفت و دولت مرکزی سلطهٔ خود را بوسیلهٔ ارتش و نیروهای غیرعرب و شیوخ وابسته برژیم و ارتجاعی عرب تحکیم می بخشید. هجوم به اقتصاد محلی و ضربهٔ شدید بر فرهنگ و روابط اجتماعی عرب در زمان محمد رضا باوج خود رسید و حکومت فاشیستی شاه مزدور تاآنجا پیش میرود که سلطهٔ اداری و فرهنگی دولت مرکزی را بر اعراب تحکیم می بخشد. ادارهٔ شهرها و نقاط عرب نشین را بافراد دولتی غیرعرب واگذار می کند و همچنانکه گفتیم حتی بمهاجرت اجباری اعراب دست میزند. اعراب را تحقیر کرده و افکار عمومی را در جهت مخالفت با توده های عرب بسیج می کند و هرگونه تلاشی را که جهت احقاق حقوق از دست رفته اعراب میشد بعدت شرکوب میکرد. ظلم و ستم فاشیستی دستگاه نسبت باعراب و تبلیغات وسیع دستگاه برعلیه اعراب که این تبلیغات روی عده ای از عناصر ناآگاه فارس هم تاثیر می گذاشت، محیطی را برای اعراب بوجود آورد، تحمل ناپذیر. بی تفاوتی فارس ها و رویاروئی فارسهای ناآگاه از طرف دیگر عده ای از اعراب نومید از مبارزه را به گرایشات الحاقی و گاهی هم تجزیه طلبی سوق میداد و رژیم گذشته هر نوع گرایشی را در میان اعراب از جمله مبارزه حق طلبانهٔ اعراب را تجزیه طلبی قلمداد کرده و سعی میکرد زیر پوشش این جریان، جنبش های حق طلبانه را هم سرکوب نماید. این بود که مبارزهٔ خلق عرب در این رابطه مخدوش گردیده و جدا کردن نیروهای مرتجع از مبارزان واقعی خلق عرب که بنفع توده های عرب مبارزه میکردند، برای مردم عادی کاری دشوار بود.

جنبشهای استقلال طلبانهٔ اعراب که برای استقلال کامل

اعراب مبارزه میکردند و از نظر خارجی تحت تاثیر جنبشهای ملی کشورهای عرب مثل ناصریسم و اخیراً جنبش بعث عراق قرار داشته مثل جبهه هایی از قبیل جبهه آزادی بخش عربستان (جبهه تحریر عربستان) و جبهه خلق برای آزادی اهواز (الجبهه الشعبیه لتحریر الاهواز) و جنبش دموکراتیک انقلابی (الحرکه الثوریه الدیمقراطیه) بوجود آمدند (۵) که این جبهه ها هم اکنون طرفداران کمی دارند. بخصوص که مبارزات اعراب (خلق عرب) بیشتر جنبهٔ طبقاتی بخود گرفته و کارگران و زحمتکشان عرب بر علیه نیروهای ارتجاعی و سرمایه داران عرب و عجم با هم مبارزه میکنند. در دو سال اخیر مبارزات کارگران و توده های کشور اوج گرفت، خلق عرب بهمراه سایر خلقها در این مبارزات فعالانه شرکت جست. کارگران عرب در صنعت نفت، راه آهن، بنادر و کارخانه ها، دوش بدوش سایر کارگران و دهقانان، در روستاهای عرب نشین و زحمتکشان، در شهرها، در صف مقدم انقلاب مبارز میکردند. وصدها شهید از میان خلق عرب در مبارزات اخیر گواه این مدعاست. خلق عرب باین امید در مبارزات شرکت فعالانه داشت که بتواند علاوه برمسائل عمومی، حقوق ملی خود را بدست آورد و ستم ملی را که در دوران رژیم گذشته متحمل میشد، از بین برده و دارای حقوق برابر با سایر ملیتها گردد، اما نه تنها بعد از انقلاب سیاسی در کشورمان حقوق خلق عرب نادیده گرفته شد، بلکه دولت موقت انقلاب و خرده بورژوازی که نقش رهبری داشت در جهت خواست کارگران و سایر زحمتکشان کشور که اساسی ترین نقش را در انقلاب بعهده داشتند گام مهمی برنداشت و روز بروز که ماهیت ضد کارگری دولت موقت برای طبقهٔ کارگر وسایر زحمتکشان نمایان تر میشود گرایش به حمایت و همدردی با خلق عرب بیشتر

---

(۵) ــ نقل از نظری به مساله (خلق عرب ایران) اعراب خوزستان یوسف بنی طرف

میگردد و بطوریکه افکارعمومی میان کارگران و سایرزحمتکشان نسبت به خلق عرب و حقوقشان مساعد تر میشود .

بعد از انقلاب،خلق عرب چگونه بپا خواست!

با پایان گرفتن انقلاب نیمه تمام و بدست گرفتن قدرت به وسیلهٔ بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی محافظه کار (دولت و کمیته های امام) طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان از ثمرهٔ انقلاب بی نصیب ماندند . خلق عرب که بیشتر آنرا کارگران و زحمتکشان تشکیل میدهند، متوجه شدند که دولت و کمیته های امام نمیتوانند حقوقشان را برآورده سازند این بود که خود بپا خواستند ابتدا روشنفکران عرب که با زحمتکشان درتماسند دست بایجاد کانونهای فرهنگی خلق عرب در شهرهای عرب نشین زدند، تا در ایجاد وحدت و رشد فرهنگی و سیاسی خلق عرب نقش خود را ایفا نمایند . دولت و خرده بورژوازی از یکطرف و سایر طبقات و نیروهای مرتجع که منافع خود را با ادامه مبارزه خلق در تضاد می دیدند به تکاپو افتادند و بهمین جهت کانونها و انجمن ها و مجامع مختلفی در گوشه و کنار خوزستان در رابطه با ملیت عرب بوجود آمد، که هر کدام ازمنافع طبقه ای خاص دفاع مینمود . برخوردهای سیاسی اولیه بین این کانونها و ادامهٔ آن منجر به آشکار شدن موضع طبقاتی هریك و دامن زدن به تضادهای درونی آنها گردید و نیروهای مختلف را با پایگاه طبقاتی مختلف در مقابل هم قرار داده دولت وکمیته های امام به مسئلهٔ خلق عرب توجهی ننمودند و نه تنها نیروهای خلق عرب را درسرکوب عوامل مرتجع هوادار رژیم سابق کمك نکردند، بلکه خود باحمایت ازیکسری نیروهای محافظه کارعرب و بسیج عشایر نا آگاه سعی در خفه کردن صدای آزادیخواهانهٔ خلق عرب دارند، حال موضع هریك از کانونهای فرهنگی و سیاسی و فرهنگی سنظا می در رابطه با اعراب را مشخص می کنیم .

کانون فرهنگی خلق عرب ــ (٦) پس از پیروزی انقلاب

سیاسی در ۲۶ اسفند ماه ۵۷ روسنفکران انقلابی عرب ساختمان سازمان زنان در خرمشهر را که خالی بود اشغال کرده و کانون فرهنگی خلق عربرا تشکیل دادند. همانطور که گفته شد اعضای این کانون بیشتر روشنفکران انقلابی عرب که پایگاهشان خرده‌بورژوازی رادیکال (دموکراتیک) و در رابطه با این طبقه و تماس اندکی با توده های زحمتکش عرب و بندرت کارگران، بود. این کانون هدف خود را طی اعلامیه هائی بدینترتیب بیان کرد (و هم اینطور هم شد) مبارزه علیه ارتجاع عرب و فارس بخصوص مرتجعین عرب که میخواستند از احساسات ملی مردم عرب بنفع خود سوء استفاده کنند، احیاء فرهنگ عرب، رشد سیاسی مردم و ایجاد محل تجمع برای مردم عرب که مسائل خود را مطرح کنند. ضمناً هدف مبارزهٔ خلق عرب را در چارچوب ایرانی مستقل مطرح مینمود. به دنبال آن کانونهایی در شهرهای دیگر هم برپا شد. کانون فرهنگی خلق عرب در اهواز / آبادان / دشت آزادگان (سوسنگرد) که برنامهٔ مشابه ای را دنبال میکردند.

کانون سیاسی خلق عرب ــ کانون سیاسی خلق عرب محل تجمع خرده بورژوازی مرفه و نمایندگان طایفه های عرب و روستائیان شیوخ و روحانیون معتدل (آل شبیر خاقانی) بود که در مقابل کمیته های امام که اکثر فارس‌ها بودند بوجود آمد. بطور کلی ترکیب این کانون ناهماهنگ بود و حتی بعضی عناصر تجزیه طلب وارتجاعی عرب در آن نفوذ کردند و این کانون طی اعلامیه هایش اعلام داشت که در چارچوب خود مختاری برای اعراب خوزستان عمل میکند، اعضای آن مسلح وبیشتر از پاسداران اسلامی عرب تشکیل میشد.

کانون فرهنگی ــ نظامی ــ اعضای آن بیشتر غیر عرب، روحانیت مرتجع پایگاه طبقاتی آنها بیشتر خرده بورژوازی محافظه کار، بورژوازی لیبرال که خواهان قدرت دولت مرکزیند. این کانون مرکز مبارزه برعلیه خلق عرب گردید و هیچ گونه حقی برای توده های

www.tabarestan.info

زحمتکش عرب و حتی غیرعرب قائل نبود • اعضای آن مسلح و در این کانون تعلیمات نظامی داده میشد • گروه نصر در این کانون فعالیت میکرد •

کانون فرهنگی اسلامی عرب ــ در این کانون که برهبری روحانیت مرتجع عرب و عجم و دولت تشکیل گردید و محل تمرکز خرده بورژوازی سنتی عرب و عجم (حاجی بازاریها و ناسیونالیست های خرده بورژوازی) و عشایر ناآگاه عرب است، با آنکه خود کانون فرهنگی اسلامی عرب میداند هیچ گونه حقی برای خلق عرب قائل نیست و بقولی بین عرب و عجم فرقی نیست و مسئله ملیت را اصلاً نادیده میگیرد و در عوض اسلام را منشاء وحدت میداند • از مبلغین این کانون کرمی ــ خزعلی را می توان نام برد •

ستاد عشایر عرب در آبادان ــ عشایر ناآگاه عرب و شیوخ با نفوذ عرب • موضع طبقاتی آن : دهقانان مرفه و فئودال بورژوا های عرب و خرده بورژوازی مرفه •

بغیر از اینها کانونهای دیگری هم در شهرهای عرب نشین وجود دارند که هدفی مشابه کانونهای ذکر شده را دنبال می کند •

زمینه های جنگ در خوزستان

کمیته های امام خرمشهر که اکثراً از رس‌های محافظه کار و عربهای مرتجع بودند کار رسیدگی امور شهر را خود بعهده گرفته بدون اینکه ترکیب جمعیت شهر (جمعیت عرب) و همچنین ترکیب طبقاتی (کارگران ــ زحمتکشان شهری) را در نظر گرفته باشند در نتیجه در شهری مثل خرمشهر که اکثریت آنرا عربها تشکیل میدهند حقوق اعراب و زحمتکشان این شهر نادیده گرفته میشود و جریانها به نفع جمعیت غیرعرب و ثروتمندان عرب تمام میشود •

خلق عرب (کارگران ــ زحمتکشان شهری) و حتی بقیهٔ زحمتکشان غیرعرب که منتظر این بودند که کمیته های امام بعد از انقلاب لااقل دست به تصفیه عناصر مرتجع و سرمایه داران وابسته برژیم سابق و عناصر ساواکی بزنند وقتی با بی تفاوتی کمیته ها

روبرو شدند، خود دست بکار شدند. ((بخصوص این مبارزه و درگیری بین سرمایه داران و کارگران، این پی گیرترین طبقه در شهرهای مختلف خوزستان و باشکال گوناگون (ملی شدن کارخانه ها رسمی شدن کارگران در کارخانه ها / اخراج عناصر وابسته برژیم سابق در کارخانه ها / درخواست ایجاد سندیکا و درموا ردی شورای کارخانه / دریافت حقوق بیشتر که کاف هزینه زندگی کارگران را بنماید/ تعیین ساعت کار مشخص در کارخانه ها وغیره). خلاصه اتحاد و رشد سیاسی و دخالت کارگران در امور کارخانه ها و موسسات سرمایه داری، خاری در چشم سرمایه داران بود.)) و اما در خرمشهر مبارزه بین کارگران و سرمایه داران از شرکت های حمل و نقل، بنادر، کشتیرانی که شا هرگ سایر کارخانه ها و موسسات سرمایه داری خوزستان وایران است (چه تمام مواد خام واولیه کارخانه ها و اجناس ساخته شده، بیشتر از این بندر وارد ایران میشود) آغاز گردید. این مبارزهٔ کارگران ابتدا بصورت کم کاری اعتصاب وغیره ز ودتر از سایر زحمتکشان آغاز گردید، که شامل کارگران عرب وعجم بود. اکثر سرمایه داران و پیمانکاران شرکت های کشتیرانی وحمل و نقل را سرمایه داران عرب وعجم که برژیم سابق وفادار بودند تشکیل میدهد، پیمانکارانی مثل مکی فیصلی شرکت های حمل و نقل پیمانکار دورقی / مطرقی وکارون.

مکی فیصلی سرمایه دار وابسته، همان شخصی است که در آخرین روزهای سلطنت تظاهراتی بنفع قانون اساسی "زنده باد شاه" را در خرمشهر راه انداخت و در همین جریان بوسیلهٔ جوانان انقلابی عرب مجروح و فراری گردید (۷) از آنجائیکه تضاد پرولتاریا با سرمایه داران تضاد اساسی وکارگران بیشتر از هر

---

(٦) از صحفه ۳۱ ــ رجوع شود به اعلامیه کانون فرهنگی خلق عرب در آخر جزوه

(۷)ــ نقل به معنی ازجزوه گزارش فاجعه خرمشهر (یاران حید رعمو اوغلی)

طبقه این تضاد را حس می کنند و اختلاف بین کارگران بند روایـن سرمایه داران، زودتر از سایر طبقات و نیروها بالا گرفت و ایـــن درگیری کارگران با سرمایه داران وابسته وعناصر مرتجع روحانـــی وابسته بآنها، در شهر منعکس میگردید و سایر زحمتکشان که خـود دل پرخونی از امثال مکی فیصلی ها داشتند، بجانب کارگـــران در این مبارزه کشیده میشدند و هر چقدر کمیته های امام جهـت دستگیری و سرکوب این عوامل رژیم سابق مراجعه می کنند، هیـــچ اقدامی نمیشود و بخصوص در پشت سر سرمایه داران وابستـــه، عوامل امپریالیسم آمریکا ایستاده که در موقعیت مناسب از آنهـــا حمایت نمایند و چنانچه خواهیم دید همینطور هم شد. با بی تفاوتی کمیته های امام (فارس ها) در مقابل زحمتکشان عرب بخصوص کارگران و همچنین لزوم اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان عرب و رشد سیاسی آنها، خلق عرب خود تشکیل کانونهای جداگانه میدهنـد، تا مشکلاتشان را از اینطریق برطرف نمایند؛ کانون فرهنگی خلق عرب / کانون سیاسی خلق عرب که مورد تائید رهبر روحانی اعـراب آیت الله آل شبیر خاقانی میگردند و نظر نامبرده را در مـــورد مسائل خواستار میگردند و باوی نوعی همکاری برقرار میسازند.

کانون فرهنگی خلق عرب با پاسداران خرمشهر بعد از قیـــام مکی فیصلی را دستگیر مینمایند. کمیته های امام چون رسیدگـــی بامور شهر را مختص خود میدانند، نسبت باینکار نارضایتی از خـود نشان میدهد و آنرا دخالت در امور شهر دانسته و باز اربـــان، خرده بورژوازی محافظه کار (بیشتر فارس ها) را از دخالت کانون فرهنگی خلق عرب بعنوان تجاوز اعراب به فارس ها میترساند و آنها را تحریک نموده وزمینه ایجاد کانون فرهنگی ـ نظامی را بوجـود می آورد.

کانون فرهنگی ـ نظامی که گفتیم اعضایش مسلح و نیروهـــای مرتجعی مثل گروه نصر/ اوباش و لمپن های شهرهای مختلـــف مثل دزفول / شوشتر وبقولی اهالی خرم آباد / اصفهان وغیـره

بودند.

کانون فرهنگی ـ نظامی شروع به دسیسه و نفاق افکنی نموده و تبلیغات وسیعی را علیه کانونهای فرهنگی و سیاسی خلق عرب شروع مینماید و کانون فرهنگی خلق عرب را محل تجمع کمونیستها دانسته و کانون سیاسی خلق عرب را تجزیه طلب خطاب می کند. در بحبوحهٔ این جریان مکی فیصلی که رابطه ای نزدیک با آل شبیر خاقانی (درگذشته داشت و شیخ که آدم معتدلی است وساطت کرده مکی فیصلی را آزاد میکند. آزادی مکی فیصلی این دشمن کارگران وزحمتکشان عرب باعث نارضایتی آنها شده وازنفوذ آل شبیر خاقانی در میان توده های عرب بخصوص کارگران میکاهد واین در جریانهای بعدی تاثیر دارد.

بعد از انقلاب هیئتی بنمایندگی خلق عرب از طرف آیت الله خاقانی به تهران وقم رفتند و توافقهائی هم صورت گرفت که حقوق خلق عرب در نظر گرفته شود و بخواسته هایشان توجه خواهد شد. ضمناً حقوق خلق عرب در موقع تدوین قانون اساسی در نظر گرفته شود. ولی این توافقها بهیچوجه عملی نشد. بخصوص در ادارهٔ شهرهای عرب نشین مخصوصاً خرمشهر دیدیم که چگونه ترکیب جمعیت و شرایط محلی آنجا در نظر گرفته نمیشود. یعنی خواسته های توده های زحمتکش عرب نادیده گرفته میشد. در مقابل خواستهای خلق عرب (۸) نیروهای مرتجع سرمایه دارهای وابسته که منافع خود را در خطر میدیدند، شایع کردند که خواست عربها تجزیهٔ خوزستان و الحاق آن به کشور عراق است و این تبلیغات از طریق رادیو تلویزیون، اعلامیه ها و منابر و مساجد و مجالس سخنرانی صورت میگرفت. با ورود دریا سالار مدنی استاندار نظامی خوزستان و نماینده تام الاختیار دولت باین استان و دخالت ارتش در این جریان توطئه ها و تبلیغات شدیدتر شد و شکل

---

(۸) ـ رجوع شود به آخر متن درخواستهای خلق عرب از دولت.

جدیدی بخود گرفت. مدنی وعوامل او شروع به مهیا کردن زمینهٔ جنگ جهت سرکوب خلق عرب مینمایند و خلق عرب را تجزیه طلب نامیده و آنها را به عنوان ضدانقلاب معرفی نموده، سپس از طریق کمیته ها تصمیم به انحلال مراکز فرهنگی و سیاسی خلق عرب می گیرند که در اهواز با واکنش شدید مرکز فرهنگی خلق عرب که اقدام به تظاهرات وافشای توطئه های مدنی وعواملش می کند و با جلب حمایت افکار عمومی اعراب مانع این کار او میشوند. این بود که مدنی نقشه های دیگری میکشد، یعنی با سران مرتجع و وابسته برزیم وعشایر عرب (روستا ها) وارد مذاکره میشود و ساختمان باشگاه دولتی راه آهن اهواز را در اختیارشان می گذارد وامکانات بسیاری از قبیل ماشنیهای انتشارات / سینما / ترتیب دادن سخنرانیها و سلاح دولتی بآنها داده وآنرا مرکز فرهنگی اسلامی اعراب ایران بسرپرستی یك شیخ روحانی ثروتمند و مرتجع بنام شیخ کرمی (که قبلاً مداح آریامهر وحتی یك کتاب در مدح شاه نوشته بود) سپرد وضمن برپا کردن مراسمی در حضور مدنی این مرکز افتتاح میگردد، که وظایف این مرکز نفوذ در میان کارگران و توده ها- ی زحمتکش عرب و ایجاد تفرقه و دسته بندی در میانشان و هدف نهائی بدست گرفتن کنترل آنها بود. این مرکز حتی کمیته های کارگری ـ دهقانی راه می انداخت که کمیتهٔ کارگری به سرپرستی بعضی از دانشجویان مرتجع دانشگاه جندی شاپور مثل گرشاوی (۹) و با حمایت کارخانه داران وکمیته های امام به کارخانه ها رخنه کرده و با تبلیغات مسموم کننده برعلیه خواسته های مترقی و بحق کارگران وبرای ایجاد تفرقه درصف یکپارچهٔ آنها سعی در جدا کردن کارگران عرب از فارس نمایدو ضمناً درسطح شهر برعلیه هر نوع حرکت مترقی از جانب کارگران و زحمتکشان شهر (عرب وعجم) عمل میکند واما کمیتهٔ دهقانی برای جلوگیری از خواست بحق دهقانان عرب که برعلیه سرمایه داران وصاحبان موسسه های سرمایه داری و نیروهای مرتجع دیگر بپا خواسته اند شروع به تبلیغ و در جهت

منافع این طبقات نموده و این سرمایه داران و مرتجعین را برادرد ـ
ینی دهقانان خوانده وضمناً، این مرکز (کانون فرهنگی اسلامی)
تظاهرات مسلحانه ای در شهر اهواز با حمایت دولت و کمیته های
امام براه انداخته (که خبرش در رادیو و تلویزیون اسلامی بنام
پشتیبانی از حکومت اسلامی پخش شد،) که با تیراندازی هوایی
حتی با تیربار انجام گردید وافراد دولتی و با نفوذ غیر دولتی با
لباسهای عربی بعنوان نمایندهٔ اعراب در آن شرکت کردند.

عین همین کانونها در شهرهای دیگر مثل آبادان، بنام کمیته
عشایرخوزستان، با کمک مالی و نظامی دولت برپا گردید. کمیتهٔ
عشایر خوزستان در جهت نفاق افکنی بین توده های عرب وعجم
آبادان، حمله به دبیرخانه های بیکار و متحصن در شهرداری آبادان،
حمله به ستاد چریکهای فدائی و قصد حمله به سندیکای کارگران
پروژه ای آبادان اقدام کردند.

واما در خرمشهر بدنبال این جریانات کانون فرهنگی ـ نظا ـ
می به تبلیغات خودعلیه خلق عرب وزحمتکشانش ادامه میدهد مرتب
علیه اعتصاب و خواسته های بحق کارگران سنگ اندازی می کند و
سعیش بر اینست که اعتصابهای مختلف را بنفع سرمایه داران به
پایان برساند این کانون در دامن زدن بجنگ عرب وعجم که تا
بحال مطرح نبوده وحالا هم نیست پیشقدم شد، (گرچه هیچوقت
موفق نشد، چون توده های عرب برعلیه دولت و سرمایه داران وابسته
مبارزمی کنند، نه عجم). تبلیغات کانون فرهنگی ـ نظامی در خر ـ
مشهر بوسیله افرادی که قبلاً با فرماندار نظامی رژیم قبلی
همکاری کرده و تظاهرات مردم را برعلیه شاه تحریم کرده بودند،
شدت یافته ازاین اشخاص موسوی / سید علی / سید شبیر، برای
اهالی خرمشهر شناخته شده اند و پان ایرانیست ها هم در خر ـ
مشهر نقش فاشیستی خود را بازی کرده اند. بدنبال جریانهای
یاد شده و اینکه خرمشهر یکی از مهم ترین بنادر صادرات واردا ـ
تی ایران است و بیشتر اجناس خارجی و مواد کارخانه ها از این

www.tabarestan.info

بندر وارد ایران میگردد، هرج و مرج حاکم بر بندر، بی ثباتی اوضاع، مبارزهٔ سهمگین کارگران و خلق عرب، منافع سرمایه داران وابسته را مستقیماً به خطر می انداخت و عوامل امپریالیسم امریکا از این جریان بسیار ناراحت و درصدد کمك به عوامل خود که در رژیم گذشته نفوذ داشتند برآمده و از تجزیه طلبان، مثل فیصلی وغیره حمایت میکردند و بقیهٔ سرمایه داران و خرده بورژوازی مرفه هم که گفتیم منافعش بخطر افتاد، دست به دامن دولت و کمیته ها شد، تا این جریانها را دامن زده و با سرکوب عناصر مترقی، یعنی کارگران وتوده های زحمتکش و با ایجاد خفقان یا بقول خودشان ثبات بتوانند سیل کالاهای خارجی را بکشور تسریع نموده و کارخانه ها و موسسات را سریعتر بجریان بیاندازند. بدنبال همین جریانات بود و در رابطه با این نیاز که یك توطئه که همهٔ عوامل ذینفع یعنی سرمایه داران / خرده بورژوازی مرفه / روحانیت، شیخ وابسته بآنها / ارتش و نیروهای نظامی، بسرکردگی مدنی در ۲۱ فروردین ماه اعلامیه ای در شهر برعلیه خلق عرب وسازمان سیاسی خلق عرب پخش میشود و از ارتش خواسته میشود که کانون های خلق عرب منحل گردند. در فردای آنروز مردم عرب به طرفداری از خلق عرب و آل شبیر خاقانی تظاهراتی راه می انداختند و هنگامی که از مقابل کانون سیاسی خلق عرب که در نزدیکی کانون فرهنگی ـ نظامی قرار دارد عبور می کنند، مورد حملهٔ اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی قرار میگیرند و وقتی تیراندازی شدت می گیرد، مردم عرب بناچار دخالت کرده و از مردم تظاهرکننده حمایت می نمایند و به تیراندازی کانون فرهنگی ـ نظامی پاسخ داده و تعدادی ازافراد کانون فرهنگی ـ نظامی را بگروگان می گیرند. و بقیهٔ اعضای کانون ـ فرهنگی ـ نظامی که وضع را چنین می بینند، آن محل را منفجر کرده و خود فرار می کنند، بدینترتیب کانون فرهنگی ـ نظامی بوسیله توده های عرب بسته

(۹) ـ از صفحه ۳۷ ـ نقل به معنی از گروه اقدام برای آزادی کار در خوزستان.

میشود. در توافقی که متعاقب این جریان بین آل شبیر خاقانی و کانون فرهنگی خلق عرب و کانون سیاسی و فرماندار صورت میگیرد، گروگانها آزاد وقضیه ظاهراً ختم میشود، ضمن اینکه چند نفر زخمی و کشته می شوند، این توافق برای جلوگیری از بروز جنگ بود و فرماندار خرمشهر قول داد که مسببین حادثه را مجازات نماید، ولی چنین نشد و اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی در کمیته ها به فعالیت خود ادامه می دادند و بهمین جهت هواداران کانون فرهنگی خلق عرب متحصن شده، خواستار مجازات مسببین حادثه شدند، اما از طرف دیگر اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی در مسجد جامع خرمشهر متحصن شده خواستار خلع سلاح اعراب و تخلیهٔ کانون فرهنگی خلق عرب شدند، عین این وقایع که پشت سر هم تکرار میگردید، اختلاف بین کارگران و کارفرمایان بندر روز بروز شدیدتر میشد، چه بخواسته های کارگران توجه نمیشد و کارگران شرکت ترمینال بعد از اعتصاب طولانی و نتیجه نگرفتن دست به تحصن میزنند. شدت عمل و خشونت مدنی و ارتش مزدور و پاسداران (که کارگران عرب آنها را دلاور می گفتند.) این خد متگزار ان سرمایه داران، علیه کارگران انقلابی بیشتر میشود، چه این عوامل بظاهر برای حفاظت از قسمت های مختلف بندر و در واقع برای تهدید و ارعاب کارگران وارد بندر (محل کار کارگران) شدند و به بازرسی های بیمورد کارگران پرداختند. حتی در موقعی که کارگران بانمایندگان کارفرما در حال توافقهایی بودند، تیمسار مدنی از کارگران خواست که مسببین اعتصاب کارگران را معرفی نمایند. این جریان مورد اعتراض شدید کارگران قرار میگیرد متعاقب آن ـ دو نفر از کارگران بندر که قبلا در کمیته امام بودند بوسیله پاسداران مسلح خلع سلاح میشوند و روز یکشنبه ۵۸/۳/۶ کماندوهای نیروی دریائی و سایر پاسداران در اداره بندر مستقر میشوند. خشم و کینهٔ طبقاتی کارگران نسبت بسرمایه داران و ارتش مزدور آنها بالا میگیرد. صبح روز دوشنبه ۵۸/۳/۷ در کانال فعلیه درنزدیکی

گمرك خرمشهر پاسداران وكماندوها مورد حمله چند ناشناس قرار میگیرند (بقول عده ای از اهالی محل حمله کنندگان کارگران ناراضی ای بودند که قبلاً بوسیله پاسداران خلع سلاح شده بودند) در این حمله یك کماندو و یك گارد گمرك کشته میشود. خبر این حادثه بسرعت در شهر می پیچد وعصر روز دوشنبه تظاهراتی برعلیه این عمل صورت میگیرد. توطئه گران و همان نیروهایی که در صدد چنین فرصتی بودند رهبری تظاهرات را بعهده گرفته و شروع به تبلیغ و فعالیت می کنند، شعارهایی برعلیه خلق عرب و کانون فرهنگی خلق عرب میدهند و خواستار خلع سلاح فوری اعراب و تخلیهٔ کانون فرهنگی خلق عرب میشوند. حجت الاسلام نوری، نجار و روحانیون مرتجع در خرمشهر تبلیغات وسیعی را برعلیه اعراب براه انداخته و اعراب را مسئول کشتن کماندو و گارد گمرك میدانند. استاندار خوزستان وارد خرمشهر میشود، او و روحانیون / مقامات لشگری و کشوری شهر و استان، خواستار خلع سلاح کلیه عناصر وستادها و کانونها وکمیته ها وبعهده گرفتن مسئولیت حفظ شهر بوسیله ارتش و مقامات نظامی (همان چیزی که سرمایه‌داران میخواستند) میگردند. بدنبال آن در ساعت ۸/۵ شب سه شنبه ۵۸/۳/۸ در محل فرمانداری جلسه ای با حضور استاندار / سرپرست فرمانداری / شیخ عیسی خاقانی برادر و نماینده آیت الله آل شبیر خاقانی و آقای دیباچی، نماینده حوزهٔ علمیه قم، برگزار میشود. جلسه تا ساعت ۲/۵ صبح بطول میکشد و حاضران در جلسه بتوافق میرسند که تا روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۰ به کانون فرهنگی خلق عرب وسازمان سیاسی خلق عرب مهلت داده شود تا مکانها را تخلیه نماید و آنها کمسلاح دارند، سلاحها را واگذار کنند. اما بنا بادعای نیروهای نظامی وابسته بدولت و مدنی یك پیکان سفید رنگ در شهر خرمشهر شروع به تیراندازی هوایی میکند و آرامش شهر را بهم میزند و این را بهانه آغاز جنگ می دانند و بقول اهالی شهر این ماشین از طرف یکی از نیروهای نظامی

و دولتی برای بهانه و آغاز جنگ فرستاده شد. در هر صورت متحصنین مسجد جامع خرمشهر که همان افراد کانون فرهنگی ـ نظامی بودند بوسیله ناخداخوشنام مسلح شدند، کماندوهای نیروی دریائی، پاسداران اعزامی از شهرهای مختلف / نیروهای مرتجع و ناآگاه مسلح شده بوسیلهٔ ارتش و کمیته ها که تا کنون در شهر دیده نشده بودند، به ستاد سیاسی خلق عرب حمله میبرند و با توجه باینکه به افراد ستاد گفته شده بود تا روز پنجشنبه وقت برای ترک محل دارند و اکنون چهارشنبه ۵۸/۳/۹ بود و گویا از وضع حمله کنندگان هم اطلاعی ندارند (بقول بعضی اعضاواها ـ لی) درصدد مقاومت برمیآیند، بدستور ناخدا خوشنام بوسیله ناوچه نیروی دریائی کانون سیاسی خلق عرب بگلوله بسته میشود چند نفر ازاعضا کشته (۶ نفر و ۵ نفر زخمی) میشوند همزمان به کانون فرهنگی خلق عرب که اعضایش مسلح نبودند حمله شد واعضا ـ ی داخل کانون (۳۰ نفر) را دستگیر مینمایند.

جنگ در خرمشهر و شهرهای عرب نشین خوزستان

سحرگاه روز چهارشنبه ۵۸/۳/۹ مردم خرمشهر بر اثر صدای رگبار گلوله وحشت زده از خواب برمیخیزند، توده های زحمتکش عرب ناحیه کوت شیخ، در خیابان (بایندر سابق) که روبروی کانون سیاسی خلق عرب است جریان سرکوبی کانون سیاسی خلق عرب را مشاهده می کنند، خشم طبقاتی و ملی و کینه اشان نسبت به ارتش و سایرنیروهای مسلح مدافع سرمایه داران اوج میگیرد و در صدد کمک به سازمان سیاسی خلق عرب برمی آیند. ناوچه های نیروی دریائی پاسداران را در دو سوی رودخانه کارون جابجا می کنند، آمبولانسها درخیابانها برای حمل کشته و زخمی ها به بیمارستان ها آژیرکشان بحرکت در می آیند، بوسیلهٔ تیر بار ناوچه و پاسداران، در طرف رودخانه بی هدف بگلوله بسته میشود و کارگران بسیاری که تلاش میکنند بسرکار خود بروند بیشتر از همه مورد

اصابت گلوله قرار میگیرند، درحالی که سرمایه داران و ثروتمندان که جنگ را راه انداختند، درهای خانهٔ خودرا بسته و آرام درصندلیهایشان لمیده و بانتظار نتیجه جنگ دقیقه شماری می کنند. کوت شیخ بگلوله بسته میشود و جنگ داخلی در شهر شدت میگیرد وخلق عرب بحمایت از فرزندانش که بوسیلهٔ ارتش و پاسداران و مرتجعین بخون کشیده میشود بناچار وارد کارزار میشود. شهر شلوغ میگردد. افراد مسلح بیشماری وارد خیابانها میشوند، جدا کردن نیروهای درجنگ که هریك بکدام جناح تعلق دارد کار دشواری است. چه مرتجعین و تجزیه طلبان وعناصر وابسته بامپریالیسم که در رابطه با این محافل بودند بیکار ننشستند و خود، جداگانه با عناصر فعال هوادار طبقهٔ کارگر وسایر زحمتکشان که مخالف منافع آنها بودند تصفیه حساب میکردند، ولی آنها نیروی متشکلی را تشکیل نمی دادند وعناصر تجزیه طلب که مورد حمایت عراق بودند هم متشکل نبودند و پراکنده در جنگ شرکت کردند، ولی نیروی قابل ملاحظه ای نبودند که تاثیر مهمی در جنگ داشته باشند و صحنه مهم جنگ فقط بین خلق بیدفاع که فاقد سلاح موثر بود وبا سلحه ای بسیار کم و محلی که کاربردی نداشت از خود دفاع میکردند و طرف مقابل ارتش و نیروهای نظامی وابسته بدولت بودند که صحنهٔ جنگ را به سایر مناطق میکشاندند. کشتار وحشیانهٔ خلق عرب مورد خشم و نفرت خلق عرب در سایر شهرها میگردد. در آبادان در منطقه ایستگاه ۸ بهار، اعراب یك ماشین ارتشی را آتش میزنند و تظاهراتی با شعار "مرگ بر مدنی" برپا می کنند، در همین موقع از داخل ماشین شورلتی صف جلو تظاهر کنندگان بگلوله بسته میشود و ۳ نفر شهید میشوند گویا ردآن شورلت را در کلانتری ۲ بریم محل استقرار کمیته امام و پاسداران می بینند، اعراب خشمگین به اداره مهندسی حمله می کنند و یك ماشین شورلت را آتش میزنند و راه بندان ایجاد می کنند. در خرمشهر اعراب محله چهل متری وکوت شیخ که در مقابل نیروهای مهاجم خود را

www.tabarestan.info تبرستان

بیدفاع می بینند، خشم خود را با آتش‌زدن چند ماشین و ساختمان شورلت ایران و کوشش برای آتش‌زدن پمپ بنزین فرو می نشانند. اخبار کشتار خلق عرب بسرعت در روستاها پخش میشود و روستائیان برای حمایت از برادران شهری و هم طبقهٔ خود بشهر می‌آیند. رادیو و تلویزیون مرتب برعلیه خلق عرب تبلیغ می کند و آنها را ضد انقلاب می خواند و بجنگ عرب و عجم دامن میزند. شایع میشود که بمنزل آیت‌الله خاقانی حمله شده، اهالی "شلمچه" به عنوان اعتراض قصد آمدن بشهر می کنند، که بوسیله پاسداران و اعضای کانون فرهنگی ـ نظامی مورد حمله قرار میگیرند، تعداد زیادی کشته و زخمی میگردند (۱۷ کشته و ۴۷ زخمی) تمام خیابانهای شهر و ساختمانهای چند طبقه بوسیله پاسداران و نیروهای ارتشی که بلباس شخصی در آمده اند سنگر بندی شده. مهمترین صحنه های جنگ، محل سکونت توده های زحمتکش عرب (کارگران و زحمتکشان شهری) بود. مثل چهل متری / کوت شیخ / درخرمشهر و ایستگاه ۸ در آبادان و بیشتر شهدا از همین نواحی و از میان زحمتکشان عرب بودند. شایع میشود که مکی فیصلی میخواهد خوزستان را بگیرد و این بهانهٔ خوبی برای دولت است تا خلق عرب را به این بهانه سرکوب نماید.

ساعت یك بعدازظهر چهارشنبه ۳/۹ بوسیله کمیته امام آبادان پاسداران افراد گارد صنعت نفت مسلحانه بسازمان سیاسی خلق عرب حمله‌ورمیشوند ومنجر به درگیری بین اعضای کانون که فقط ۳ نفر بودند با نیروهای مسلح مهاجم میشود که یك عرب از کانون زخمی میگردد. همان شب صدای رگبار گلوله از نخلستانهای خرمشهر و آبادان قطع نمیشود، در بین صدای گلوله ها صدای مین آبی جهت ارعاب توده های عرب شنیده میشود، در روز پنجشنبه جوانان خیابان مولوی قصد راهپیمائی دارند، که مورد حملهٔ پاسداران قرار می گیرند و چند نفر شهید وزخمی میگردند و همانروز منزل آل شبیر مورد حمله قرار میگیرد و یك نفر درب منزل اوشهید میشود. همانروز

www.tabarestan.info تبرستان

در روستاها شایع میشود که ارتش روستاها را بمباران خواهد کرد. روستائیان از خانه بیرون زدند و مورد حملهٔ ژاندارمها و پاسداران قرار گرفتند. پنج روستای خیر / شادخوره / رولیس / دربند / عمـــاره مورد حمله واقع میشوند. کلیه راههای ارتباطی که به خرمشهر وارد میشود بسته و کنترل میگردد. در شادگان و شلمچه زد و خوردهای خونین پیش آمد. مردم شادگان بیشتر از کانون فرهنگی خلق عـرب حمایت می کنند. هم زمان با جنگ در خرمشهر شبانه به کانـــون فرهنگی خلق عرب در فلکه پاداد اهواز با تانک و افراد مسلح پاسد. ار و نیروهای نظامی حمله میشود. عکس‌ها و نوشته های موجود در کانون پاره میگردد و در عوض عکس خمینی و تابلوهایی که پاسداران تشخیص میدهند به نفع حکومت اسلامی است نصب میگردد. فـردای آنروز عده ای از جوانان عرب خشمگین عکس‌های خمینی و پرچم سبـز اسلام را پاره می کنند. پاسداران وکمیته ای ها جـوانان خلق عـرب اهواز را کمونیست خطاب می کنند. جریان بسته شدن کانون خلـق عرب اهواز و حمله به اعراب در خرمشهر مورد نفرت اعراب اهواز واقع شده و راهپیمائیهائی در این مورد صورت میگیرد که مورد حملـــهٔ پاسداران واقع میشوند. چند روز قبل از این جریان چند هـــزار نفر بطرفداری از خلق عرب در اهواز در خیابان خمینی راهپیمائـی میکنند که مورد حمله دکانداران ارتجاعی و پاسداران قرار میگیرنـد وپاسداران شـعار درود بر مدنی میدهند. تبلیغات ضد خلق عـرب در اهواز هم اوج میگیرد و این دستگاههای تبلیغاتی سعی در دامـن زدن جنگ عرب و عجم دارد که موفق نمیشود و حامیان خلق عـرب در اهواز روز بروز بیشتر میشود. بطوریکه در جریان تظاهرات مشخص میگردد و تظاهرات به نفع مدنی و حکومت اسلا می روز بروز کمتـــر و این اواخر اصلاً قابل توجه نیست چند شب متوالی در اهـــواز صدای تیراندازی بگوش میرسد که بوسیله نیروهای نظامی طرفـدار دولت و برای ارعاب توده ها ی زحمتکش عرب صورت میگیرد. در لشگـر آباد در تظاهراتی که بوسیله جوانان روشنفکر و توده های محـــرم

صورت گرفت متعاقب آن به ماشینهای در حال عبور از آن محله حمله میشود که بعداً چنانچه معلوم شد بقول خود حمله کنندگان آنها از طرف کمیته پول گرفته اند، تا دست باینکار زده و افکار عمومی را برعلیه خلق عرب بسیج کنند.

در آخرین روزهای جنگ، خلق عرب در خرمشهر در مسجد امام صادق متحصن میشوند و خواسته های خود را که بوسیله هیئت اعزامی در تهران با دولت در میان گذاشته شد، بانضمام آزادی زندانیان سیاسی خلق عرب که بوسیلهٔ ارتش و کمیته ها دستگیر شده اند، میشوند و هیئتی از تهران عازم خوزستان میگردد که در تماسش با متحصنین و دولت به نتیجه ای نمیرسد، ولی توافقهائی که بعداً بین آیت الله آل شبیر و مدنی نمایندهٔ دولت صورت میگیرد وبقول خود جنگ را خاتمه یافته میپندارند وعده هایی از طرف دولت داده شد که زندانیان خلق عرب آزاد گشته و کمیته ها برچیده شوند که این توافق یك عقب نشینی از طرف نماینده اعراب یعنی آل شبیر خاقانی بضرر خلق عرب و بسود دولت است چه حق واقعی خلق عرب همچنان نادیده گرفته میشود ولی این توافق بعدها از جانب خلق عرب مردود شناخته شد و آنها بمبارزهٔ خود تا پیروزی ادامه خواهند داد.

در اوج درگیری خلق عرب با دولت و کمیته ها تبلیغات وسیعی که برعلیه خلق عرب صورت گرفته بوسیله این اشخاص بود که هریك نماینده طبقه یا قشرخاصی بودند.

در آبادان شیخ عیسی طرفی باتفاق شورای انقلاب اسلامی. در اهواز حجت الاسلام خزعلی و نماینده خمینی و/شیخ کرمی و مدنی. در خرمشهر ناخدا خوشنام /حجت الاسلام نوری گروه نصر/سید شبیر/سید علی/خرم و پان ایرانیستها. ودر سطح کشور رادیو و تلویزیون/خلخالی و سایرین

شعارهای تظاهرات

مدنی نابود شود/مرگ بر مدنی/زنده باد خلق عرب

جوانان خلق عرب فدائی میشوند .

حال پس از بیان مختصر راجع به جنگ و چگونگی آن برای روشن شدن و درك بهتر موضع نیروهایی که در جنگ دخالت مستقیم داشته اند واقعیات را از زبان خودشان در طی مصاحبه‌هایی که در مطبوعات انجام داده اند مینویسیم .

مصاحبه ها

تبرستان www.tabarestan.info

مدنی :

استاندار خوزستان شخصیت نظامی فرمانده نیروی دریائی و نماینده دولت بطرفداری از سرمایه داران وابسته یکی از چهره های اصلی و آتش افروز جنگ داخلی و تحمیلی علیه خلق عرب است نظریاتش را بطور مستند میآوریم .

نظرش راجع به کانون فرهنگی خلق عرب : اینها ابزار استعمارند، فتنه انگیزند و دو هزار نفر بیشتر نیستند که در مسجد نشسته اند و نمایندگان مردم عرب نیستند، اینها با خارجی، عراقیها، رابطه دارند ما ردشان را داریم، اینها دشمنان خلقند .

درمورد خواسته های خلق عرب و خود مختاری مدنی با عصبانیت گفت : این حرف را نزنید، آنها که صحبت از خود مختاری می کنند، به انقلاب خیانت می کنند و او در مورد اینکه چه کسی جنگ را آغاز کرد، گفت : جریان از جائی آغاز شد که از محل کلنون فرهنگی خلق عرب تراوش میکرد، من بارها گفتم، در این کانون را باید بست، چپ نما ها سوراخ خوبی پیدا کرده اند من با آیت الله آل شبیر صحبت کردم، گفت باید همهٔ کانونها را بست و استثنا قائل نشد . بعداً گفتند این کانون فرهنگی است و مردم بمن فشار می آورند که کانون فرهنگی خلق عرب را نبندم .

یکی از متحصنین در مسجد امام صادق گفت : علیه خلق عرب توطئه شده است، مدنی آمد و صحبت از خلع سلاح و تخلیه ساختمانها کرد ما هم قول دادیم بشرطی که این برنامه فقط در مورد اعراب ایرانی اجرا نشود، اینکار را بکنیم ولی فردا همانروز

توافق متوجه شدیم که در میان غیرعربها اسلحه پخش میشود، حتی بچه ها را هم مسلح کرده اند و وقتی که جنگ شروع شد هرکس میپرسید اختلاف بر سر چیست، میگفتند، ساواکی ها در بین شما رخنه کرده اند. گفتیم ساواکی ها را نشان دهید تا خود ما دستگیرشان کنیم. به سربازهایی که از همدان و کرمانشاه و سایر نقاط آورده اند، گفته بودند کارون شط العرب است و آنطرف رود خانه اعراب حمله کرده اند باید از خاك میهن مان دفاع کنید، آنها هر چه جلوی چشمشان می آمد به تیر می بستند. می دانید چه کسانی کشته شدند زنها کودکان / کشاورزان بدبخت و کارگران مفلوك و رهگذارهای از همه جا بی خبر. میگویند دولت عراق برای عربها اسلحه فرستاده. چرا جلوی آنها را نگرفتید؟ پس ارتش برای چیست؟

آیت الله آل شبیر خاقانی رهبر مذهبی اعراب در مصاحبه نظر خود را چنین گفت: اگر افراد دولتی ادعا می کنند که اینجا ساواکی و اخلالگر است و مدارکی در دست است ما باکمال میل در دستگیری آنها کمك می کنیم ولی مردمی که کشته شدند بیگناه بودند. اکنون نباید دست روی دست گذاشت و منتظر توطئه گران نشست باید شرایطی بوجود آورد که همه مثل، خواهر و برادر زندگی کنند. اگر دولت حسن نیت نشان دهد ما حاضریم از آنچه گذشت چشم پوشی کنیم. کمیته ها و کانون فرهنگی ـ نظامی که با کشتار وحشیانه، خشم و نفرت مردم را برانگیخته اند، باید خلع سلاح شوند و منحل گردند. حفاظت منطقه را باید افراد صالح چه عرب و چه عجم بعهده بگیرند. آقای مدنی که خطا های بزرگی مرتکب شده و جمعیت کثیری نسبت بایشان حساسیت پیدا کردند، ادامهٔ خدمت ایشان در خوزستان قابل تحمل نیست و ما استعفای فوری ایشان را خواهانیم.

یك زن عرب چنین می گفت: شوهرم را کشتند، دو پسرم را دستگیر کردند، نمیدانم کجا هستند، نان ندارم بخورم، مگر ماجه

کرده ایم یک عمر در بدبختی و فلاکت زندگی کردیم، حالا هم که انقلاب شده باز این بلاها راسرما می آورند.

یکی از نمایندگان کانون فرهنگی خلق عرب در مصاحبه چنین گفت: ما مسلح نیستیم، یک کانون فرهنگی هستیم، برای اشاعهٔ فرهنگ و انتقال آگاهی بمردم آنهم پس از انقلاب اسلحه لازم نیست هدف ما مبارزه علیه ارتجاع عرب و فارس است، بخصوص بر علیه اعرابی که میخواستند بنفع ارتجاع از احساسات ملی مردم عرب سوء استفاده کنند، ما کارخود را با یک اعلامیه شروع کردیم، در آن نوشتیم که این سازمان وابسته نیست، سازمانی ملی و در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد حقوق اعراب قابل تحقق است. در مورد برنامه کانون گفت: جلسات سخنرانی بزبان فارسی وعربی، کتابخانه ای تاسیس کرده بودیم، نمایشگاهی از شهدا داشتیم، سخنرانی درباره حق ملیتها فرهنگ عرب، بحث آزاد و توضیح هدف کانون، درباره تاریخ منطقه، مبارزات خلق عرب، خواستهای خلق عرب، فیلم هایی هم داشتیم از تظاهرات و مبارزات که نشان میدادیم و برنامه شناخت از جنبش های رهایی بخش سایر کشورها و همین کار باعث شد که مورد هجوم کمیته ها قرار بگیریم. نظر کانون در مورد آیت الله آل شبیر این بود: ما همانطور که در اعلامیه ها گفتیم کانونی مستقل هستیم ولی با توجه به اوضاع منطقه با شیخ در تماس دائم قرار داریم و مسائل خودمان را با او در میان میگذاریم. س ـ به کانون تهمت کمونیستی میزنند، تا چه حد درست است؟ جواب: تبلیغاتی که علیه ما به منظور جلوگیری از حمایت مردم میشود بسیار گسترده و وسیع است واقعیت اینست که کانون ما کانونی دموکراتیک است برای احیاء حقوق خلق عرب.

سرهنگ فرمانده لشگر اهواز:

این سرهنگ که فرمانده لشگر اهواز بود برای کمک به پاسداران به خرمشهر آمده بود، از سرهنگ پرسیدیم این نقابداران که سر چهار راه ها جلوی مصاحبه کنندگان را میگیرند، کی هستند؟ جواب داد:

ما اصلاً نقابدار نداریم • پرسیدیم چه نیروهایی در درگیری‌های اخیر شرکت داشتند ؟ جواب داد : جز پاسداران، ارتش دخالتی نداشت • پرسیده شد پس شما که فرمانده لشگر اهواز هستید در خرمشهر چه می کنید ؟ گفت : برای کمک آمده ام ما یک سربازخانه در اینجا داریم و سربازان ماموریت حفاظت از پادگان را دارند و مسلسلهایی که بیرون آوردیم بهمین منظور است اصلاً جز نیروی دریائی در اینجا ارتشی نیست و گفت تکاورانی که شرکت کرده اند فقط صد نفر بودند •

www.tabarestan.info تبرستان

مصاحبه با یک پاسدار

او گفت : جنگ از اینجا شروع شد که ٤ نفر در ساعت ٤ صبح در پیکانی بودند وشروع به تیراندازی نمودند که بنظم اعضای کانون فرهنگی خلق عرب بودند • پرسیده شد شما در ساعت ٤ صبح در خیابان چکار میکردید گفت : من محصل هستم و شبها عادت ندارم بخوابم، همه میدانند من روزها میخوابم تا شب بیدار باشم و گفت من دانش‌آموز هستم که در اینجا فرماندار خرمشهر مانع ادامه صحبت شد •

فرماندار خرمشهر

او گفت : ما مدارکی داریم که حاکی از رابطه کانون با ساواکی ها است ولی وقتی از او مدارکی خواستیم قبول نکرد • او گفت پاسداران خرمشهر، همه افکار انقلابی دارند • اینها عناصر آگاه انقلابند انقلاب ما یک انقلاب نژادی نبود و مسائل بعد از انقلاب هم نباید بر محور مسائل نژادی باشد • انقلاب صد درصد سیاسی بود البته اگر مذهب را از دید سیاست بنگریم • پس چه دلیل دارد که حالا عرب و عجم مطرح باشد، چطور عربها در زمان طاغوت با هم ساختند ولی حالا رویروی هم قرار میگیرند • ما شورای امنیت شهر را بدینجهت بوجود آوردیم که مردم گفتند اگر امنیت شهر را تأمین نکنید، خود اسلحه بدست میگیریم. ما مجبور شدیم اینکار را بکنیم او گفت شورای امنیت شهر با رئیس شهربانی، رئیس ژاندار-

مری، فرماندهٔ پادگان دژ، فرماندهٔ نیروی دریائی و نمایندهٔ کمیته انقلاب شرکت داشتند و از بعضی اشخاص شهر هم دعوت کردیم بعنوان مشاور شرکت کنند.

پرسیده شد آیا کانون فرهنگی ـ نظامی هم خلع سلاح شده اند. جواب داد: آنها خود پاسدار انقلابند. فرماندار گفت افراد ناباب و ساواکی در سازمانهای عرب وجود دارد و ما قبلا آنها را می شناختیم و مدرک هم داریم. پرسیده شد چرا آنها را قبلاً دستگیر نکردید و میدانید که اگر حرف شما درست باشد این به قیمت جان صدها نفر تمام شد گفت: ما ترجیح دادیم آنها را دستگیر نکنیم.

ناخدا خوشنام مسئول قوای انتظامی در خرمشهر و بازرس ویژه استاندار خوزستان

او گفت: تحریکات از طرف اعراب بود. از طرف همین سازمانها صحیح این بود که ما عمل متقابل میکردیم. آنها (اعراب) می‌خواستند پلیس را خلع سلاح کنند که تکاوران و پاسداران را به کمکشان فرستادیم و آنها پلیس را نجات دادند. پرسیده شد شما میگوئید حمله از جانب اعراب بود، طبق آماری که خود شما منتشر کردید ۳۷ نفر در درگیری کشته شدند که البته اعراب کشته شدگان را ۲۰۰ نفر تخمین میزنند، حال تا آنجا که اطلاع داریم فقط چهار کشته، پاسدار بوده اند و بقیه کشته شدگان عرب بودند آیا بنظر شما عجیب نیست؟ در این موقع فرماندار جواب داد: آنها که دفاع میکنند کمتر کشته میدهند، ثانیا اعراب اسلحه‌کم داشتند و بیشتر با آلات دستی حمله میکردند.

گفتیم شما که تا بحال مدعی بودید که آنها تعداد زیادی اسلحه قاچاق وارد کرده اند، تا بن دندان مسلح اند. فرماندار گفت، در هر حال ما مشاهدات خود را برایتان شرح دادیم.

بازدید از مناطق جنگ زده

در منطقه کوت شیخ که بیشتر افراد آن عرب هستند حدود

www.tabarestan.info تبرستان

یك کیلومتر آثار هزاران متر تیر بروی دیوار خانه ها و درها و پنجره ها مشا هده میشد. در مقابل در آنطرف رودخانه کارون که مقابل کوت شیخ است حتی اثر یك تیر را هم ندیدیم اهالی کوت شیخ هریك مشا هدات خود را با چشمی گریان، تشریح میکردند و همه گزارشات حاکی از این بود که مردم که اکثر در فقر و فلاکت غیر قابل تشریحی بسر میبرند، غافلگیر شده اند. همه بر این عقیده اند که تعداد کشته شدگان در آن محل، از صد نفر بیش بود و با توجه به آثار تیرها درست بنظر میرسد. بشهربانی رفتیم که گفته بودند از پشت بام کانون فرهنگی خلق عرب مورد حمله قرار گرفته هر چه جستجو کردیم اثری از تیر بروی دیوارها ندیدیم . از افسران شهربانی توضیح خواستیم. جوابی نداشتند .

یك مجروح غیر عرب

او گفت عضو کانون فرهنگی ـ نظامی اسلامی است اسلحه ا ش را از مسجد گرفته است خود ش هم تیراندازی کرده ولی کسی را نکشته و در یك درگیری تیر خورده .

یك مجروح عرب گفت :

کمیته ای ها مثل مغولها حمله کردند، مردم عادی هم در حمله شرکت داشتند حتی سیزده ساله ها را مسلح کردند. ولی ما اسلحه نداشتیم که از خود دفاع کنیم . آنها به خانه های ما ریختند و بی مهابا تیراندازی کردند. برخی از خانه ها را آتش زدند. اسباب و اثاثیه را غارت کردند. به خانمها هم حمله کردند و دو تیر به شکم زدند. برادرم هم گویا کشته شده است چون از او خبری نداریم، میگویند جسد ش را در کارون انداخته اند (۱۰)

* * *

(۱۰) ـ کلیه مصاحبه ها از هفته نامه اتحاد چپ ۲۴ خرداد ۵۸ شماره ۲

با توجه به ترکیب طبقاتی و موقعیت خلق عرب از نظر اقتصادی سیاسی و فرهنگی سعی میکنیم با توجه به تئوریهای عام مارکسیستی لنینیستی راه حلی را که به نظر ما برای حل مسأله ملی خلق عرب راهگشا ست بیان کنیم باشد که مورد توجه پرولتاریا و خلقهای میهنمان قرارگیرد :

" ملت مقوله ای است تاریخی که پیدایش رشد و تکامل و زوال آن همراه با پیدایش رشد و تکامل و زوال سرمایه داری صورت میگیرد . ملت اشتراک پایداری است از افراد که در اثر عوامل تاریخی ترکیب یافته و بر اساس اشتراک چهار علت اساسی زیرین / پدید آمده است : اشتراک زبان / اشتراک سرزمین / اشتراک زندگی اقتصادی / واشتراک در ساختمان روحی که بصورت اشتراک در خصوصیات ویژه فرهنگ ملی متجلی میگردد " (استالین مسأله ملی و لنینیسم). بدون وجود هریك از این عوامل چهارگانه نمی توان ازوجود " ملت " سخنی برزبان آورد و مجموعه این چهار نیز تنها با رشد اقتصاد کالایی و بوجود آمدن بازار " ملی " فراهم میگردد . پیش از رشد سرمایه داری و زمانی که اقتصاد بسته فئودالی در واحدهای جدا از هم جریان داشت از اشتراک زندگی اقتصادی و در نتیجه ازوجود " ملت " خبری نبود بلکه تنها زمینه تشکیل ملتها فراهم میشد .

با رشد سرمایه داری ملتها شکل گرفتند و جنبشهای ملی پایه عرصه وجود گذاشتند هدف جنبشهای ملی بطور کلی عبارت بود از تشکیل دولت های مستقل " ملی "

" ملت یك سنخ ساده " تاریخی نبوده بلکه سنخ تاریخی عهد معین یعنی عهدی است که سرمایه داری رو به اوج می رود . سیر انحلال فئودالیسم و تکامل سرمایه داری در عین حال سیر گردآمدن مردم به شکل ملت می باشد . مثلاً بدین نهج است که در اروپای غربی . انگلیسیها فرانسویها آلمانیها ایتالیائیها و دیگران ضمن رژه " پیروزی مندانه سرمایه داری که بر پراکندگی

فئودالیسم غلبه کرده بود شکل ملت به خود گرفتند .

ولی علاوه بر این تشکیل ملتها در آنجا عبارت بود از تبدیل آنها به دولتهای ملی مستقل . مثلا ملتهای انگلیس فرانسه و غیره در عین حال دولتهای انگلیس و غیره می باشند . ایرلند که خارج از این جریان مانده است منظره عمومی را تغییر نمی دهد .

در اروپای خاوری کار اندکی دگرگون است . هنگامیکه در باختر ملتها بصورت دولت تکامل یافتند در خاور دولتهایی مخلوط از ملل یعنی دولتهایی مرکب از چندین ملیت تشکیل میگردیدند از این قبیل هستند اتریش / هنگری و روسیه . در اتریش آلمانیها از لحاظ سیاسی مترقی تر در آمدند و هم آنها بودند که کار متحد نمودن ملیتهای اتریش را بصورت یك دولت به عهده خود گرفتند در هنگری مجارها بین هسته ملیتهای هنگری برای بر پا نمودن سازمان دولتی مستعد تر از دیگران در آمدند و هم آنها متحد کنندگان هنگری میباشند . در روسیه نقش متحد کننده ملیتها را ولیکو روسها بعهده گرفتند که در راس آنها یك بوروکراسی اشرافی نیرومند ومتشکل نظامی که در اثر عوامل تاریخی تشکیل یافته بود قرار داشت .

جریان کار در خاور از این قرار بود :

این طرز خاص تشکیل دول فقط در شرایطی که فئودالیسم هنوز از بین نرفته بود یعنی در شرایط ضعف رشد سرمایه داری هنگامیکه ملیتهای عقب زده شد هنوز فرصت نکرده بودند از حیث اقتصادی بشکل ملتهای کاملی قوام یابند می توانست انجام گیرد ولی در بین دولتهای خاوری هم ترقی سرمایه داری آغاز میشود . بازرگانی و طرق ارتباطی ترقی میکند . شهرهای بزرگ بوجود میآید . ملتها از لحاظ اقتصادی تقویت می یابند، سرمایه داری در زندگی آرام ملیتهای عقب رانده جبراً راه مییابد، وضع آنها را زیر و رو میکند وآنهارا به جنبش در می آورد .

..... اندیشه های ملی در عناصر روشنفکری که بوجود

آمده اند راه می یابد و این عناصر هم در همان جهت عمل می نمایند. ولی ملتهای عقب مانده که روح زندگی مستقل در آنها بیدار شده بود دیگر به صورت دولت های ملی مستقل ترکیب نمی‌یابند: نیرومندترین عکس العمل ها از طرف قشرهای اداره کنندهٔ ملیتهای فرمانروا که از مدت ها پیش در رأس دولت قرار گرفته اند در مقابل آنها عرض وجود می کند دیر کرده اید! ... بدینطریق چکها / لهستانیها و دیگران در اتریش، کرواتها و دیگران در هنگری، لاتریها، لتونیها، اوکرائینها، گرجیها، ارمنیها و دیگران در روسیه شکل ملت بخود میگیرند. آنچه که در اروپای باختری (ایرلند) استثناء بود در خاور صورت قانون بخود گرفت.

پاسخ ایرلند در باختر به این موقعیت استثنائی خود، جنبش ملی بود. در خاور هم ملتهایی که بیدار شده بودند می بایستی به همین طریق پاسخ دهند" (استالین ــ مارکسیسم و مسئله ملی).

چنین است که ضعف رشد سرمایه داری و ناموزون بودن این رشد در برخی از کشورهایی که اهالی آنها در مناطق مختلف بزبانهای گوناگونی سخن میگویند و فرهنگهای گوناگونی دارند سبب میشود که جریان شکل گرفتن ملیتها هم شکل ناموزونی بخود گیرد و یکی از ملیتها حاکمیت خود را بر ملل دیگر تحمیل کند و تمایل آنها را برای داشتن دولتی مستقل و ملی برای خود سرکوب نماید.

بورژوازی با رشد خویش چهارچوب ملیت خود را می شکند و به مناطق دیگر دست اندازی میکند و ملیت های مجاور را به زیر سلطه و حاکمیت خویش میگیرد.

برای رشد بورژوازی و پیروزی کامل تولید کالایی، بازار داخلی باید به دست بورژوازی تسخیر گردد. سراسر کشور زیر حاکمیت دولتی واحدی قرار گیرد و زبان واحدی در سراسر کشور رایج گردد و هرگونه مانعی از سر راه تکامل این زبان و تحکیم آن در ادبیات برداشته شود زیرا زبان مهمترین وسیلهٔ آمیزش بشری است و وحدت

زبان و تکامل بلامانع آن یکی ازمهمترین شرایط مبادلهٔ بازرگانی واقعا آزاد و وسیع و متناسب با سرمایه داری معاصر و یکی از مهمترین شرایط گروه بندی آزاد و وسیع اهالی بصورت طبقات جدا گانه و بالاخره شرط ارتباط محکم بازار با انواع تولید کنندگان خرد وکلان و فرو شنده و خریدار است *.

بدینسان بورژوازی با پیدایش خویش علاوه بر ملت ستم ملی را نیز بوجود می آورد چرا که باید تمامی کشور زیر حاکمیت سیاسی اقتصادی و فرهنگی واحدی قرار گیرد و این خود باعث میشود ملل تابعه از نظر اقتصادی و فرهنگی مورد تهدید و تجاوز قرار گیرند و به مقابله با آن بپردازند.

جنبش ملی در آغاز هنوز در ابتدای رشد سرمایه داری شکل میگیرد و ملل تابعه از نظر رشد اقتصادی تازه پا به دوران رشد وتحکیم اقتصاد کالایی میگذارند پس در این دوران جنبش ملی یك جنبش بورژوا دمکراتیك بوده و شعارهای آن نیز در همین زمینه مطرح میگردد.

ولی پس از آن که روابط سرمایه داری در میان ملت تحت ستم درهم گره می خورد و بازار داخلی واحد واقتصاد واحدی بوجود می آید که بورژوازی هر دو ملت را در طبقهٔ واحدی گرد می آورد و از طرف دیگر پرولتاریا تبدیل به عمده ترین نیروی تحت ستم در میان ملت تحت ستم میشود. دیگر مسئله ملی، تحت الشعاع مبارزهٔ میان پرولتاریا و بورژوازی (اعم از خودی یا غیر خودی) در سراسر کشور قرار میگیرد و حل کامل مسئله ملی در پیوند با حل تضاد کار و سرمایه امکان پذیر میشود.

با ظهور امپریالیسم و هجوم غارتگرانهٔ آن به مناطق عقب افتاده مبارزات ملی وارد عرصه جدیدی میشود که همان مبارزات ضد امپریالیستی است. در این دوران مرکز ثقل مبارزات ملی به

---

* ــ نقل به معنی از لنین ــ درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

این مناطق منتقل میشود و این مبارزات کیفیت جدیدی پیدا میکند؛ مبارزهٔ ملی در کشورهای تحت سلطه دو عرصهٔ متمایز و در عین حال به هم پیوسته و واحد دارد، یکی مبارزهٔ خلق های سراسر کشور بر علیه امپریالیسم و دیگری مبارزهٔ خلق های تحت ستم در درون کشور برای رسیدن به حقوق برابر با ملت اصلی و از جمله برای رسیدن به حق تعیین سرنوشت.

امپریالیسم با صدور سرمایه به این کشورها رشد روابط سرمایه‌داری را سرعت می بخشد و این مسئله به رشد و تکامل ملتها می انجامد. رشد سرمایه داری و تحکیم نفوذ امپریالیسم، این ضرورت را پیش میکشد که کشور تحت سلطه، حاکمیت اقتصادی سیاسی و فرهنگی واحدی پیدا کند. در این حال اگر در کشور تحت سلطه و در مناطق مختلف آن زمینهٔ پیدایش ملل متعددی وجود داشته باشد یعنی زبان ها و فرهنگ های گوناگونی در آن مناطق وجود داشته باشد، رشد ناموزون سرمایه داری (همانند کشورهای اروپای خاوری در دوران زوال فئودالیسم و رشد سرمایه داری) سبب میگردد که ملیت اصلی گوی سبقت را از دیگران برباید و سایر ملل را تحت تابعیت و نفوذ خویش درآورد. در این حال ملیتهای مختلفی که در چارچوب آن کشور به سر می برند ازاین نظر تحت ستم ملی قرار میگیرند چرا که نیاز بورژوازی ملت اصلی (که البته وابسته هم هست) و امپریالیسم، تسخیر بازار سراسر کشور و در نتیجه زبان و فرهنگ واحد است.

پیدایش جوامع نیمه فئودال ـ نیمه مستعمره که در حقیقت مرحلهٔ گذاری میان جوامع فئودالی و جوامع سرمایه داری هستند (هر چند که خود که یک جامعه فئودالی محسوب میگردند)، متراد‌ف است با ظهور جنبش های ملی که جنبه بورژوا دمکراتیک دارند.

ولی سرمایه داری وابسته با رشد خویش فئودالیسم را کنار میزند و جامعه نیمه فئودال ـ نیمه مستعمره را تبدیل به جامعه سرمایه داری وابسته میکند. در این حالت اگر روابط سرمایه‌داری

در میان ملت تحت‌ستم رشد نکرده باشد و هنوز فئودالیسم در میان آن برجای مانده باشد بازهم مبارزهٔ ملی، یک مبارزهٔ بورژوا دمکراتیک به حساب می آید (مانند کردستان و بلوچستان در شرایط کنونی) . ستم سرمایه داری وابسته بر ملل تحت ستم، در مقایسه با ستمی که سرمایه داری کلاسیک (در اروپا) بر آنها روا می داشت شدیدتر است؛ زیرا سرمایه داری وابسته رشد ناموزون و انحصاری دارد و با تکیه بر وابستگی خویش به امپریالیسم و تولید انبوه، بازار سراسر کشور را تسخیر کرده و از رشد آزادانهٔ بورژوازی محلی (که در آغاز خصلت ملی و ضد انحصاری دارد) جلوگیری کرده و آنرا بتدیل به زایده خود میکند . بورژوازی وابستهٔ حاکم، استثمار دوگانه و شدیدی را در مناطق عقب افتاده برقرار ساخته و با سیاستهای خویش کشاورزی این مناطق را به نابودی می کشاند و به مبارزهٔ ملی دامن میزند . سرمایه داری وابسته برای حفظ سلطهٔ خویش بر این مناطق چاره ای جز اعمال دیکتاتوری فاشیستی و نظامی ندارد .

ولی هنگامیکه سرمایه داری وابسته حاکمیت کامل پیدا میکند و به تدریج روابط سرمایه داری را در منطقهٔ مزبور رشد می دهد و روابط فئودالی را عمدتاً نابود میسازد (مانند آذربایجان و خوزستان) و بورژوازی محلی را تبدیل به زایده خود میکند دیگر نیروی اصلی در مبارزهٔ ملی را، کارگران شهری و روستائی و دهقانان خرده پا و خرده بورژوازی فقیر تشکیل میدهند . دشمن آنها در این مبارزه بورژوازی بزرگ است (اعم از خودی یا غیر خودی) این نیروها پیگیرترین نیروها در مبارزهٔ ملی بوده و بیشتر از سایر طبقات و اقشار تحت ستم ملی قرار میگیرند . در کنار این نیروهای اصلی نیروهای دیگری هم وجود دارند که پیگیری نیروهای نخست را در مبارزهٔ ملی ندارند . این نیروها عبارتند از خرده بورژوازی مرفه، خرده مالکان مرفه و بورژوازی متوسط. به این ترتیب می بینیم که صف بندی نیروها در مبارزهٔ ملی تا حدود

زیادی به صفبندی نیروها در تضاد میان کار وسرمایه نزدیك میشود و مبارزهٔ ملی در این حالت شدیداً تحت تأثیر تضاد میان کار و سرمایه قرار میگیرد و نسبت به آن اهمیت درجهٔ اول خود را از دست میدهد. مبارزهٔ ملی که همواره بر مضمونی از مبارزهٔ طبقاتی در جامعه انجام میگیرد این بار با مبارزهٔ میان پرولتاریا و بورژوازی توأم میگردد و حل کامل مسئلهٔ ملی در پیوند با حل تضاد کار و سرمایه قرار میگیرد. دیگر شعارها و خواسته های بورژوا دمکراتیك پاسخگوی مبارزات خلق تحت ستم نبوده و تنها منافع محدود اقشار محدودی از ملت تحت ستم را در بر میگیرد (بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه) و بدین سبب رشد نیروهای مولده در چارچوب نظام سرمایه داری و گسترش هر چه بیشتر روابط اقتصادی ما بین خلقهای سراسر کشور و ایجاد اقتصاد واحد و متمرکز باعث میشود که مبارزهٔ ملی، جنبهٔ طبقاتی شدیدتری پیدا کند و ناسیونالیسم تنگ نظرانهٔ بورژوازی و خرده بورژوازی، تحت الشعاع انترناسیونالیسم پرولتاریا قرار گیرد واز دامنهٔ عمل این ناسیونالیسم کاسته شود. در این حال پرولتاریای خلق تحت ستم در مبارزهٔ ملی نقش محوری پیدا میکند و برای پیروزی خویش در این مبارزه هیچ راهی ندارد جز آنکه در وحدت با پرولتاریای سراسر کشور (حتی در سراسر جهان) و متحدانه علیه سرمایه داری خودی وغیر خودی قرار گیرد.

* * *

در خوزستان و بخصوص نواحی عرب نشین آن یعنی جنوب و جنوب غربی استان، صنایع و کارخانه ها و همچنین روابط سرمایه داری نسبت به سایر استان ها و نقاط مختلف کشور از رشد کمّی و کیفی بیشتری برخوردار است* که تنها مدت است که بر اثر توسعهٔ روابط

---

* ــ علیرغم آنچه به وسیلهٔ بعضی از گروهها وسازمانها گفته میشود که روابط فئودالی برروستا حاکم است و جامعه را نیمه

پول ـ کالا ـ پول و رشد سرمایه داری، روابط فئودالی از میان رفته است . بطوریکه هم اکنون زمینداران از نیروی کار کارگران کشاورزی و خوش‌نشینان بهره می برند و نیروهای مولده رشد بسیاری داشته است : سالهاست که بجای گاو آهن از تراکتور، بجای درو با دست از کمباین، بجای استفاده از حیوانات برای حمل و نقل از ماشین و قطار و غیره استفاده میشود . مدتهاست که دیگر دهقانان کمتر به وسیلهٔ فئودالها و روابط فئودالی یعنی غارت محصول اضافی و بهره مالکانه مورد بهره کشی واقع میشوند بلکه عمدتاً نیروی کار آنها چارچوب روابط سرمایه داری و مستقیماً توسط سرمایه داران وابسته و غیره استثمار می شود : ابزار تولیدی و کالاهای مصرفی ساخته شدهٔ کارخانه های داخل و خارج اقتصاد طبیعی و خانگیشان را نابود کرده و در مواردی حتی کوچکترین نیاز اولیهٔ خود را باید از شهر وارد کنند . بانکها و رباخواران با دادن وام های گوناگون مثل تعاونی / کشاورزی / اعتبارات و غیره آخرین پس‌مانده های درآمد کشاورزان را به عنوان بهرهٔ وام از آنها میگیرند . تجار، دکانداران بزرگ و واسطه ها، سودهای کلان از کشاورزان دریافت می کنند، صاحبان ابزارهای تولیدی مانند آسیاب های آبی، تراکتور کمباین و کامیونداران، دهقانان را سرکیسه میکنند . زمینداران بزرگ، شرکت های کشاورزی خصوصی، کشت و صنعتها (اعم از دولتی یا خصوصی) کارگران کشاورزی را مورد استثمار قرار می دهند و با تجاوز به حریم زمینهای کشاورزی دهقانان زمینهای آنان را از چنگشان به درآورده و خلاصه در یک رقابت نابرابر کشاورزان خرده پا را خانه خراب میکنند : تبدیل زمینهای کشاورزان کوچك به زمینهای یك تکه و بزرگ به صورت شرکتهای مختلف کشاورزی با سرمایه گذاری سرمایه داران .

آیا می شود این واقعیت ها را نادیده گرفت و روابط حاکم بر

فئودال ـ نیمه مستعمره میدانند بدون آنکه واقعیت جامعه را در نظر گرفته باشند .

روستا را که فقط در چارچوب سرمایه داری می گنجد فئودالی یا عشیره ای نامید ؟ واقعیت این است که روستائیان عرب خود را در تضاد با طبقات و اقشار نامبرده می بینند . اصولاً روابط فئودالی به معنای عام، دیگر در این نواحی وجود ندارد و فقط در بعضی نقاط با روابط شبه فئودالی برخورد میکنیم *

کارگران عرب به همراه سایر کارگران سالها است که در زیر استثمار وحشیانهٔ سرمایه داران داخلی و خارجی قرار دارند . کارخانه ها و موسسات تولیدی، کارفرمایان پیمانکار، شرکتهای حمل و نقل زمینی و دریایی و هوایی اعم از دولتی و خصوصی، داخلی و خارجی، عرب و عجم، از نیروی کار ارزان کارگران عرب سود می برند و همچنانکه نوشتیم تعداد کارگران عرب از کارگران فارس به نسبت ترکیب جمعیت بیشتر است.

مسئلهٔ دیگری که در مورد اعراب وجود دارد، موقعیت اجتماعی آنها و فقری که دامنگیرشان هستند، میباشد که آنها را در وضع بدتری از ملت فارس قرار می دهد و ممکن است این گمان را پیش آورد که چون اعراب از لحاظ اقتصادی وضع بدتری دارند، پس روابط اجتماعی و اقتصادی اعراب در مرحلهٔ پائین تری از بقیهٔ کشور قرار دارد . اما آنچه که نظام موجود در یك جامعه یا وضع یك ملت را تعیین میکند فقر و ثروت آن کشور نیست (گرچه کشورهایی که در مرحلهٔ اجتماعی بالاتر قرار دارند معمولا ثروتمندترند) . آنچه که نظام اجتماعی یك کشور را تعیین میکند ساخت جامعه و روابط تولیدی حاکم بر جامعه است . چنانچه در کشورهای بسیار پیشرفته سرمایه داری نظیر آمریکا در پاره ای نقاط فقر و بیکاری وجود دارد و این مسئله در آنجا هم مطرح است (به علت تقسیم نامتعادل درآمد در کشور) . بنابراین از فقیر بودن اعراب یا ثروتمندتر بودن فارس ها (به نسبت ترکیب جمعیت) نمیتوان این

---

* ــ اجاره (رنت) از اشکال روابط سرمایه داری است .

نتیجه را گرفت که مثلاً روابط تولیدی حاکم بر مناطق عرب نشین، بخصوص روستا، فئودالی است؛ چه تعیین کنندهٔ موقعیت آنها بیشتر مربوط میشود به اینکه آنها در چه طبقاتی جای دارند و تضاد آنها با چه طبقاتی است؛ یعنی وضع طبقاتی آنها در جامعه و نقش آنها در تولید.

با توجه به واقعیات فوق، در مجموع روابط سرمایه داری شکل غالب روابط تولیدی در این جامعه است و با توجه به این واقعیت که این سرمایه داری عمدتاً در پیوند و وابستگی به امپریالیسم (سرمایه داری جهانی) رشد کرده و می کند سرمایه داری وابسته نقش عمده را در دست دارد.

در این میان بورژوازی متوسط، خرده بورژوازی مرفه و خرده بورژوازی بوروکرات دارای موقعیت برابری با فارس‌ها نیستند و موقعیت محلی خود را در مقابل بورژوازی وابسته از دست می دهند. در راه رشد آنها موانع و مشکلات فراوانی وجود دارد و ناچارند که نسبت به بورژوازی بزرگ و وابسته نقش تبعی بازی کنند. از اینرو آنها خواهان خود مختاری هستند (ولی با حفظ استقلال و تمامیت کشور در چارچوب نظام سرمایه داری) تا در شرایط دمکراسی بورژوایی و سهمی که از قدرت در منطقه بدست می آورند، موقعیت خود را مستحکم کنند و دارای شرایط و امتیازات برابر با فارسها گردند. بنابراین مبارزهٔ ملی برای این نیروها، در محدودهٔ تنگ بورژوا دمکراتیک درجا میزند. نمایندهٔ آنان، کانونهای فرهنگی و سیاسی و رهبران سازشکار مذهبی اند که در اعلامیه های خود حقوق دمکراتیک اعراب را طلب میکنند که در نهایت منافع بورژوازی اعراب را می تواند تأمین نماید نه حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان را. البته این بدان معنی نیست که کارگران و زحمتکشان شهرورو ستا در مبارزه کنونی خلق عرب شرکت نکنند بلکه شرکت فعال آنها ضروری است زیرا دمکراسی بدست آمده (هر چند محدود ودم بریده) برای رشد پرولتاریای عرب حیاتی میباشد.

از نظر توده های زحمتکش و در رأس آنها پرولتاریا، مسئله بیشتر جنبهٔ طبقاتی دارد. اما پرولتاریا در هر مبارزه ای که به حل تضاد کار و سرمایه کمک نماید نیز شرکت می کند. در مبارزهٔ خلق عرب هم چون بیشتر نوک مبارزه متوجه سرمایه داران بزرگ است حضور پرولتاریا می تواند جهت طبقاتی مبارزه را شدت بخشد و آنرا پر توان سازد. اما چرا پرولتاریای عرب در مبارزهٔ خلق عرب حضور قابل ملاحظه ای ندارد؟ به نظر ما این در رابطه با پرولتاریای سراسر ایران یعنی کل جامعه مطرح است. در مبارزهٔ دمکراتیک و ضد امپریالیستی در سراسر ایران حضور پرولتاریا دنباله روانه است. جدا کردن پرولتاریای عرب از پرولتاریای سراسر ایران امکان پذیر نیست. یک کارگر عرب پیش از آنکه عرب بودن برایش مطرح باشد کارگراست. پرولتاریای عرب به تنهایی نمیتواند مبارزه خلق عرب را به پیروزی رساند. خلق عرب تنها در اتحاد با پرولتاریای سراسر ایران قادر به رهایی واقعی از ستم ملی است. ولی پرولتاریای عرب نباید در انتظار رشد سیاسی پرولتاریا در سراسر ایران باقی بماند و رهبری جنبش ملی را بی چون و چرا به دست بورژوازی و خرده بورژوازی عرب بسپارد. شرکت فعال پرولتاریا در این مبارزه و رهبری وی باعث رادیکالیزه شدن آن و رشد خود پرولتاریا و تعمیق دموکراسی میگردد.

مسئله خلق عرب ضمن اینکه یک مسئله ملی و مربوط به ملیت عرب است با سایر خلق ها و توده های زحمتکش و طنمان بهم گره خورده و به مبارزهٔ توده های زحمتکش سراسر ایران به رهبری طبقهٔ کارگر بستگی دارد. چرا که خلق عرب از لحاظ اقتصادی شیوهٔ خاصی را دنبال نمیکند و تضادهای موجود در درون ملیت عرب به طور غالب همان هایی است که برای کارگران و سایر زحمتکشان مطرح است. به همین علت حل نهایی مسئله اعراب و سرنوشت آنها بستگی تام به سرنوشت کشور و رهایی آن از قید و بندهای سلطهٔ امپریالیسم و سیستم سرمایه داری دارد. این بدان معنی

www.tabarestan.info

نیست که خلق عرب مبارزه برای رهایی خویش، از ستم ملی را موکول به انقلاب اجتماعی برهبری طبقهٔ کارگرنماید، چه ستم ملی را خلق عرب بیش از سایر خلقها تحمل کرده و هم اکنون در زیر فشار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سرمایه داران بزرگ که بطور عمده متعلق به ملیت فارس هستند قرار دارد.

این درست است که پیروزی خلقها در جنبش ملی، در گرو پیروزی انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر است ولی خود این جنبش نیز به نوبه خود پیروزی انقلاب اجتماعی را تسریع میکند.

مبارزهٔ خلق عرب برای بدست آوردن حقوق ملی، خود یک مبارزهٔ ضد امپریالیستی هم هست چرا که سرمایه داران بزرگ به امپریالیسم وابسته هستند وملت عرب هم به وسیلهٔ امپریالیسم و هم سرمایه داران داخلی (فارس) تحت فشار است. به این علت مبارزهٔ خلق عرب برای رهایی از امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته شدیدتر از مبارزهٔ توده‌های فارس است و پیگیرانه تر به این مبارزه ادامه میدهد (به علت ترکیب طبقاتی عمدتاً پرولتری).

مبارزهٔ خلق عرب یک مبارزهٔ دموکراتیک هم هست و به رشد دموکراسی و فراهم نمودن شرایط برای رشد سیاسی طبقه کارگر و اندیشه اش کمک خواهد کرد ولی ادامهٔ مبارزهٔ خلق عرب وبدست آوردن پیروزی نهایی خلق عرب و رفع ستم ملی بطور کلی مشروط به رهبری طبقه کارگر و پذیرش اندیشهٔ این طبقه خواهد بود تا بتواند با پیگیری که طبقهٔ کارگر در مبارزه دارد، خود را از ستم ملی برهاند. ولی آیا خلق عرب از چنان رشد سیاسی برخوردار است که اندیشهٔ طبقه کارگر را فرا راه خود سازد؟ آیا طبقه کارگر از چنان رشد سیاسی برخوردار است که ضرورت رهبری مبارزهٔ خلقها از جمله خلق عرب را درک نماید و رهبری خلقها را بدست گیرد؟

هم اکنون در میان ملیت عرب ایران، برحسب پایگاه طبقاتی و دید سیاسی که دارند، گرایشات متفاوتی وجود دارد که در صو-

www.tabarestan.info تبرستان

رت بی توجهی سازمانها وگروههای کمونیستی کشور به مسئله اعراب و نقش رهبری کنندهٔ طبقهٔ کارگر نه تنها با عدم موفقیت روبر و خواهیم شد، بلکه این بی توجهی میتواند فاجعهٔ وحشتناکی هم، چنانکه نمونه اش را شاهد بودیم * به بار آورد و دموکراسی نیم بند را در منطقه، خصوصاً و در سطح کشور به خطر اندازد، زیرا سرکوب خلق عرب و سایر خلقها با استقرار دیکتاتوری فاشیستی پیوند مستقیم دارد و این مسئله بیشتر از همه بزیان طبقه کارگر تمام خواهد شد.

بورژوازی و خرده بورژوازی فارس و احساسات ضد عرب که در آنها وجود دارد به سرکوب و جنگ تحمیلی و نابرابر به زیان توده های عرب دامن می زند. هم اکنون ناسیونالیسم خرده بورژوایی فارسها در شهرها برعلیه اعراب شدت یافته است. هر چه که فضای دموکراسی نیم بند لطمه میبیند به همان نسبت تحریکات بر ضد خلق عرب بیشتر و حالت ستیزه جویی خرده بورژوایی ملت عرب شدیدتر میشود و حالت ارتجاعی خرده بورژوازی فارس موجب پیدایش و تقویت تمایلات "تجزیه طلبانه" در اعراب که در کشورهای همسایه، گاهی از آزادی بیشتری برخوردارند ** میگردد. این جریان یک وظیفه دوگانه در مقابل طبقهٔ کارگر قرار میدهد:

۱ــ مبارزه با هرگونه ناسیونالیسم.

در وحلهٔ اول ناسیونالیسم فارسها و بعد ناسیونالیسم اعراب.

۲ــ شناسایی حقوق مساوی و کامل در همه زمینه ها برای ملت عرب و دفاع از وحدت مبارزهٔ پرولتاریا و یکی شدن تمام سازمانهای کارگری در یک سازمان متشکل، علیرغم کوشش های بورژوایی در راه جدایی طلبی ملی.

---

*ــ اشاره به جنگ در خرمشهر و شهرهای عرب نشین و سرکوب اعراب بوسیلهٔ کمیته ها و دولت.

خلق عرب در مبارزه اش از تشکل برخوردار نیست . نبود ن یك سازمان سیاسی رهبری کننده باعث شده که توده های زحمتکش عرب بطور پراکنده و با خواسته های سطحی و متفاوت به مبارزه ادامه دهند و این بی نظمی در مبارزه و نداشتن یك هدف مشخص سیاسی (به علت همان نداشتن سازمان سیاسی رهبری کنندهٔ توده های عرب) باعث شد که طبقات و قشرهای مختلف خرده بورژوازی و حتی گاهی بورژوازی از جنبش توده های عرب بطور یکجانبه به نفع خود بهره برداری و تبلیغ کنند و ضمناً سرمایه داران و عوامل آنها (دولت و کمیته ها) که از نظم و تشکل بیشتری برخوردارند آنها را به آسانی و به اتحاء مختلف به اسامی گوناگون ، (تجزیه طلب، طرفداران کشور خارجی) که بر آنها اطلاق میشود سرکوب نمایند . دموکراتهای خرده بورژوای عرب (کانونهای فرهنگی و روشنفکران دموکرات عرب) با همه تلاششان در ماههای اخیر نتوانستند در تشکل توده های عرب و نفوذ در میان آنها موفقیت چندانی کسب نمایند . سازمانها و کانونهای سیاسی خلق عرب در میان توده های عرب پایگاه وسیعی ندارند وضمناً این سازمانها در مورد تبلیغ و بسیج افکارعمومی به نفع خلق عرب چه در میان اعراب و چه در میان توده های فارس موفقیت مهمی نداشته اند . اما با امکانات وسیعی که دستگاههای دولتی و خرده بورژوازی از آن برخوردارند و پایگاه کاذبی که با فریب مردم در میان آنها دارند، کار تبلیغ و بسیج افکارعمومی به نفع خلق عرب برای مقابله با این عوام فریبی ها اهمیت بسزایی کسب میکند . جلب حمایت طبقه کارگر وپشتیبانی سازمانها وگروههای سیاسی مترقی و انقلابی که از منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش دفاع میکنند، برای تداوم مبارزهٔ خلق

** ــ از صحفه قبل ــ لااقل در کشورهای همسایه که عرب هم هستند اززبان و فرهنگ عرب که خواست آنهاست استفاده میکنند .

عرب و پیروزی آن نقش ضروری دارد . هم اکنون روز بروز گرایشات کمونیستی و توجه به نقش طبقهٔ کارگر در میان خلق عرب وسعت بیشتری میگیرد و این در تظاهرات اخیر و شعارها و اعلامیه های خلق عرب مشهود است بخصوص که در تظاهرات چند هفتهٔ اخیر * که از نظم و تشکل بهتری برخوردار بوده و قطعنامه های آنها در راهپیمایی های روز جمعه ۵۷/٤/۱ و جمعه ۵۷/٤/۸ که بعد از پیمودن خیابانهای زیادی قرائت گردیده ** دیده شد . هر چند از جانب گروههای مذهبی و شوونیستی فارس برخورد های خشنی بوجود آمد وسعی در بهم زدن آن راهپیمایی نمودند، اما بعلت کم بودن این افراد و بی توجهی عابرین و مردم در خیابانها به مرتجعین، راهپیمائی نسبت به گذشته، از موفقیتی بیشتر برخوردار گردید و تعداد تظاهر کنندگان زیادتر گردیده و تعدادی از روشنفکران و عده ای از زحمتکشان فارس در میان صف راهپیمائی خلق عرب دیده می شدند .

بی توجهی دولت و فشار ارتش و کمیته ها بر توده های عرب در گرایش آنها به سمت طبقهٔ کارگر (گرایشات کمونیستی)، تأثیر زیادی داشت و این از آن جهت اهمیت دارد که تا چند ماه پیش نیروهای مزدور دولتی و کمیته ها از عده ای از همین توده های ناآگاه عرب برعلیه کمونیستها و حرکتهای انقلابی که انجام میدادند سوء استفاده میکردند .

خلاصه و نتیجه :

اگر بخواهیم نتایج بدست آمده را فهرست وار بیان کنیم، مهمترین آنها به شرح زیر است :

ا ـ بر اثر رشد و تکامل روابط سرمایه داری، جنبش ملی

---

* ـ این جزوه در اواخر تیرماه برشته تحریر در آمده است.

** ـ متن قطعنامه که در راهپیمائی اهواز قرائت گردید در آخر جزوه آمده است .

نسبت به تضاد کار و سرمایه اهمیت درجهٔ اول خود را از دست میدهد و مبارزهٔ پرولتاریا در جنبش ملی، نقش محوری پیدا میکند.

۲ــ در کشورهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جنبش ملی، هم خصلت دمکراتیک هم ضد امپریالیستی دارد.

۳ ــ در مناطق عرب نشین روابط فئودالی از میان رفته و روابط سرمایه داری حاکم می باشد.

٤ــ پرولتاریای عرب تنها در اتحاد با پرولتاریای سراسر کشور توانایی رهبری کردن و به پیروزی رساندن جنبش ملی را دارد.

۵ــ پرولتاریا در جنبش کنونی خلق عرب هنوز نقش قابل ملاحظه ای پیدا نکرده است در صورتیکه شرکت فعال پرولتاریا در جنبش کنونی خلق عرب برای رادیکالیزه کردن آن و تعمیق دموکراسی و رشد خود پرولتاریا ضروری است.

٦ــ برای شرکت زحمتکشان و بخصوص پرولتاریای عرب، مسئلهٔ ملی بیشتر جنبهٔ طبقاتی دارد و شرکت پرولتاریا در جنبش ملی اساساً به این منظور باید صورت گیرد که حل تضاد کار و سرمایه را تسریع نماید.

۷ــ حل مسئلهٔ خلق عرب پیوند مستقیم با قطع سلطهٔ امپریالیسم و تحقق انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر دارد.

۸ ــ اوجگیری جنبش خلقها، تحقق انقلاب اجتماعی را سرعت میبخشد.

وظایف مارکسیست ــ لنینیست ها در قبال جنبش خلق عرب:

مهمترین وظایف مارکسیست ــ لنینیستها در قبال این جنبش فهرست وار بشرح زیر می باشد:

۱ــ شرکت فعال در جنبش ملی به منظور رادیکالیزه کردن و هدایت آن.

۲ــ توضیح نقش محوری پرولتاریای عرب برای وی تا آنکه به نقش تاریخی خویش پی ببرد و فعالانه در جنبش خلق عرب شرکت

www.tabarestan.info تبرستان

نماید .

۳ــ توضیح ارتباط جنبش ملی باتضاد اساسی کار و سرمایه و تضاد خلق و امپریالیسم برای پرولتاریا .

٤ــ تبلیغ وسیع و بسیج افکار عمومی به نفع جنبش خلق عرب بویژه تبلیغ وسیع در میان پرولتاریای سایر خلقها برای پشتیبانی از این جنبش .

٦ــ پشتیبانی از مبارزهٔ ملتها برای بدست آوردن حق تعیین سرنوشت .

۷ــ مبارزه برعلیه هرگونه ناسیونالیسم ، هم ناسیونالیسم ملت ستمگر و هم ناسیونالیسم خلق تحت ستم که این دو در مقابل هم تشدید میشوند .

۸ــ متحد ساختن پرولتاریای سراسر کشور در سازمانهای پرولتری ؛ توضیح لزوم اتحاد پرولتار های ملل مختلف برای مبارزه با سرمایه داری وابسته و امپریالیسم .

۹ــ تبلیغ برعلیه تجزیه طلبی و ترویج ایده های انترناسیونالیستی .

* * *

ضمیمه

" راهپیمایی و تظاهرات خلق عرب در خرمشهر بمناسبت چهلمین روز شهدای جنگ خرمشهر "

ابتدا در روز ۵۸/٤/۱۸ دوشنبه بوسیلهٔ "جنبش مجاهدین عرب" راهپیمایی برقرار شد که جمعیتی در حدود ۱۵۰۰ نفر در صفوف راهپیمایی بصورت دسته های ۸۰ تا ۱۳۰ نفری با پرچمها و پلاکاردهای مختلف که خواسته ها و شعارها ، برآنها نوشته شده بود و هر دسته شعر یا سرودی میخواند .

متن شعارها ونوشته ها که برزبان عربی نوشته شده بود بدینقرار بود :

چهلمین روز شهدای محمره (خرمشهر) گرامی باد

" جنبش مجاهدین عرب "

ما خواستار محاکمه مدنی هستیم . درود بر آیت الله شبیر خاقانی " ج م ع "

ما خواهان حقوق مشروع خود هستیم " هواداران آیت الله خاقانی " . ننگ بر خائنین و سازشکاران .

۴۰ روز از شهادت عزیزانمان میگذرد چرا عاملین را محاکمه نمی کنید . کیهان ها و اطلاعات ها و بامدادها حقایق را بنویسند و ترس وواهمه نداشته باشند ما برای حقیقت و افشاء حقیقت جنگیدیم و مبارزه کردیم . مردم پشتوانه حقیقت هستند .

و شعارها بیشتر تکرار مرگ بر مدنی / قاتل مدنی / خائن مدنی / زنده باد جوانان عرب در همه جا / مدنی مدنی قاتل خلق عرب اعدام باید گردد زندانی خلق عرب آزاد باید گردد .

" تظاهرات و راهپیمائی خلق عرب روز سه شنبه ۴/۱۹ بمناسبت چهلمین روز درگذشت شهدای خلق عرب "

روز سه شنبه ۴/۱۹ که در سرتاسر ایران بمناسبت تولد دواز همین امام شیعیان جشن گرفته شد، بوسیلهٔ خلق عرب خوزستان اعلام عزای شهدا و راهپیمائی شد . در این راهپیمائی که از ساعت ۹ ـ ۱۰ صبح از خیابان چهل متری خرمشهر شروع شد توده‌های عرب از آبادان / اهواز / سوسنگرد / خرمشهر شرکت داشتند .

جمعیت در دسته ها ی چند صد نفری ، هرکدام پلاکاردها و نوشته های پارچه ای متعلق به یکی از کانونها و انجمن های خود را حمل میکرد و هر دسته سرود خاص خود را میخواند . وقتی سرود دستهٔ اول تمام میشد دستهٔ پشت سر شروع به خواندن مینمود تا آخر . جمعیت حدود ۱۵۰۰۰ نفر این راهپیمائی نزدیک ۵ ـ ۶ ساعت بطول کشید . افراد داخل جمعیت که راهپیمائی مینمودند بیشتر از توده های زحمتکش عرب بودند، ثروتمندان و حتی قشرهای مرفه و نیمه مرفه کمتر در این راهپیمایی بودند. برای اولین بار

www.iran-archive.com

تعداد زیادی کارگر با لباس کار وسایرزحمتکشان شهری در میان راهپیمایان بودند که حضور کارگران به راهپیمایی نظم خاصی میبخشید. این راهپیمایی از طرف این کانون ها بود: کانون فرهنگی خلق عرب / سازمان سیاسی خلق عرب و ... ضمناً تعداد زیادی از زنان زحمتکش عرب در صف های طولانی در این راهپیمایی شرکت کردند.

معنی چند تا ازشعرها و سرودهایی که میخواندند:

عرب نیست عرب نیست / هرکس که با ما نیست در این راه / امروز روز آتش است / و ما جنگ میکنیم با اشرار.

یا این شعر که در روزنامهٔ آیندگان شماره ۲۰ هم ترجمه شده و در روز دوشنبه هم خوانده شد.

نه تجزیه طلب نه خرابکار هستم / ایران خانه و میهن من است / ما عرب هستیم خلق کرد پشتیبان ماست / نیروی ما در اتحاد ماست برای خاقانی وعزالدین حسینی متحد میشویم / کرد وعرب متفق میشود / همه ما فدائی هستیم /

در صف جلو تظاهر کنندگان عکس های عزالدین حسینی، رهبر مذهبی کرد و آل شبیر خاقانی، رهبر مذهبی عرب دیده میشد. شعارهای زیادی بر دیوارها نوشته میشد که همگی به نفع خلق عرب و توده های زحمتکش و سایر خلق های ایران و برعلیه مرتجعین عرب وعجم و سرمایه داران بود. شعارهایی که بوسیلهٔ پاسداران و نیروهای ارتشی نوشته شده بود و خیلی از آنها شعارهای ضدکمونیستی بودند، بوسیلهٔ بعضی از راهپیمایان پاک میگردید. دکانداران و حاجی های بازار و سرمایه داران خرمشهر ـ ی وروحانیون، راهپیمایان خلق عرب را کمونیست می گفتند.

ازوقایع ضمن راهپیمائی اینکه وقتی جمعیت در حرکت بود وعده ای از تجار شهر بمناسبت عید مهدی، شیرینی پخش میکردند، اعراب بسیار ناراحت شدند وعده ای از خلق عرب میگفتند: این جشن مهدی موعود مثل چهارم آبان یعنی تولد آریامهر است،

برای عربها و می گفتند این شیرینی رانخورید که‌ممکن است مسمم باشد و اصلاً حرام است چه امروز روز عزاداری ماست .

شعارهای نوشته شده بر دیوار : " مثلث نکبت مدنی - خلخالی - خوشنام " " فلسطین متحد خلق ما " " خاقانی پیروز است " " مرگ بر مدنی - حجازی - خلخالی " " جنگ ادامه دارد " " خون با خون پاك میشود " " عرب زندگی میکنیم در سر زمین عربستان و میمیریم عرب در سر زمین عربستان " " زنده باد خلقهای کشور - مان کرد / ترك / بلوچ / ترکمن / عرب " " پیروز باد خلق کرد در کردستان و خلق عرب در عربستان "

توده های زحمتکش عرب در این راهپیمایی با تمام وجود شعار میدادند و مشتهای گره کرده خود را در هوا تکان میدادند . در پایان راهپیمایی قطعنامه خوانده شد . متن ترجمه شدهٔ آن که در روزنامهٔ آیندگان هم آمده است بدینترتیب است :

۱ــ پشتیبانی از موضع آیت الله خاقانی .

۲ــ خواهان آزادی کلیهٔ زندانیان سیاسی خلق عرب که اخیراً دستگیر شده اند می باشیم .

۳ــ محاکمه علنی ژنرال مدنی و تمام کسانی که در کشتار وحشیانهٔ خلق عرب شرکت داشته اند .

٤ــ ما قانون اساسی را بدون درج حق خود مختاری خلقهای ایران مردود میشماریم .

٥ــ ما توافق بین مسئولین دولتی و آیت الله‌خاقانی‌را به سبب اینکه برای چندمین بار از جانب مدنی و سایر مسئولین دولتی لغو گردیده (برای نمونه ادامهٔ یورش به منازل و دستگیری روز افزون جوانان خلق عرب . عدم شناسائی و محاکمه مسببین کشتار خلق عرب و آزاد نکردن زندانیان) باطل و کان لم یکن اعلام که مسئولیت عواقب آن به عهدهٔ دولت خواهد بود .

٦ــ ما تحریف واقعیات را از طریق رسانه های گروهی و بخصوص رادیو و تلویزیون محکوم می کنیم .

۷ــ هرگونه انحصار طلبی و تنگ نظری از جانب عوامل ارتجاع جهت محدودیت آزادی و بیان و قلم را بشدت محکوم میکنیم.

۸ــ خواهان پشتیبانی تمام نیروهای مترقی و پیشرو و آزادی خواه در مورد احقاق خواسته های مشروع خود می باشیم.

از آنچه در تظاهرات اخیر در شهرهای مختلف بوسیله خلق عرب بر میاید روز بروز مبارزه خلق عرب جدی تر میشود و هرچه جلوتر میرود سازمان یافته تر و عمق آن بیشتر یعنی توده ای تر میشود و عناصر فرصت طلب و سازشکار از صف آن بیشتر بیرون می روند. همچنانکه گفتیم در این اواخر عناصر مرفه عرب در مبارزه کمتر شرکت می کنند و بیشتر توده های زحمتکش عرب و بخصوص اخیراً کارگران هم باین مبارزه کشیده میشوند. اما فشارهای گوناگونی که از جهات مختلف بوسیلهٔ دولت فعلی و خرده بورژوازی از یك طرف و افکار عمومی بوسیله عناصر ناسیونالیسم خرده بورژوازی فارس دامن زده میشود، از طرف دیگر و همچنین عناصر سازشکار و مرتجع و سرمایه داران عرب بر خلق عرب وارد میشود تا مبارزه آنها را که بعلت ناآگاهی وعدم رشد سیاسی اعراب از پختگی و یکپارچگی بدور است منحرف نماید. اما در چنین موقعی سازمانها و گروههای سیاسی انقلابی همچنانکه گفتیم، وظیفه خود را در قبال مسئلهٔ اعراب ایفا نکرده و این بی توجهی وعدم مسئولیت گروههای انقلابی باحزاب و سازمانهای فرصت طلب مجال داده تا ازموضع سازشکارانه خود خلق عرب را از مبارزه پی گیرشان منحرف نمایند.

"حزب توده و خلق عرب"

یکی از این نیروهای فرصت طلب حزب توده است که در طول تاریخ مبارزاتی طبقهٔ کارگر بارها خیانتش به طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان و طنمان ثابت شده است و اکنون، بعد از انقلاب نیم بندی که در وطنمان روی داده حزب توده برای آنکه ازغافله عقب نماند با کمیته مرکزیش که سالها میدان مبارزه را در کشور خالی

کرده و به‌توصیه رویزیونیستهای روسیهٔ سوسیال امپریالیست بخارج کوچ کرده تا دستورات آنها را اجرا نماید، به وطن بازگشته تا از ثمرهٔ انقلاب بی نصیب نماند و برای رسیدن بهدفهای شوم خود تا آنجا پیش‌میرود که بدون قید و شرط از جمهوری اسلامی و انحصار طلبان ارتجاعی آن دفاع‌مینماید و هرگونه مبارزه که از طرف طبقهٔ کارگر و خلقهای ستمدیدهٔ و طنمان صورت میگیرد آنرا توهین به جمهوری اسلامی و مضر بحال انقلاب میداند)(گرچه ما میدانیم منظور ازانقلاب از دید حزب توده همان سرمایه داری دولتی است‌که سهمی هم به حزب توده خواهد داد.)حزب توده ایران‌در مقاله های مختلفی در روزنامهٔ مردم ارگان حزب توده و در اعلامیهٔ حزب توده ایران‌سازمان ایالتی خوزستان خطاب به هموطنان عزیز و مبارز خوزستانی بدون اینکه به نقش‌خلق عرب در مبارزات اخیر خوزستان و حقوق خلق عرب بطور کلی توجه نماید، در مقابل این واقعیات با چشمان بسته درگیریهای اخیر خوزستان را فقط کار امپریالیسم آمریکا وصهیونیسم اسرائیل و ساواکیها و زمینداران و سرمایه داران میداند که برای برگشت انقلاب بگذشته و جدا کردن خوزستان ، دسیسه چینی میکنند و در این سطور از اعلامیه یك کلمه ازمبارزه خلق عرب سخن نمی رانند، یعنی همان حرفهایی را کهارتش‌مزدور برهبری مدنی خائن به خلق عرب و مدافع سرمایه داران میزند یا همان حرفهایی را که از زبان خرده بورژواهای مرتجع مثل خلخالی یا حجازی یا خزعلی زده میشود، حزب توده هم تکرار مینماید که جریانی که در خوزستان میگذرد کارضد انقلاب است پس‌دولت وکمیته خوب‌کاری میکند که خلق عرب (کارگران ، زحمتکشان شهری و روستایی عرب)را سرکوب مینماید. در سطرهای بعدی اعلامیه،جریانی را که در خوزستان میگذرد، حزب توده آنرا کارضد انقلاب دانسته وچنین مینویسد: "برای اجرای این استراتژی ضد انقلاب از همه راهها و در آن واحد از هر دودرراست و چپ وارد میشود. باید گفت‌که مهمترین

هدفهای این سیاست نفاق افکنی ازیك سو تضعیف اعتبار رهبری امام خمینی، هم در میان توده های زحمتکش کشور و هم در میان خود جامعهٔ روحانیت و بعلاوه در سطح خوزستان، تضعیف اعتبار استاندار است و ازسوی دیگر هدف این سیاست تضعیف اعتبار و تخطئه مبارزان و دوستان واقعی انقلاب و مخصوصاً حزب توده ایران است ." (۱۹)

در اعلامیه، حزب توده، اولاً نقش توده های عرب را نادیده میگیرد و نقش عده ای محدود از عوامل رژیم سابق را که به عنوان ضد انقلاب حتی خود عربها با آنها مبارزه میکنند، بزرگ مینماید و جریان خوزستان را بآنها نسبت میدهد. ضمناً حزب توده داعیهٔ حمایت از رهبری امام خمینی را داشته و هرگونه حرکت انقلابی را که مخالف انحصار طلبی خرده بورژوازی و عوامل ارتجاعی بشود، ضد انقلاب قلمداد میکند و از مدنی، نمایندهٔ دولت سرمایه داری و دشمن شمارهٔ یك خلق عرب و قاتل صدها جوان انقلابی و زحمتکش توده های عرب دفاع مینماید. یعنی در مبارزهٔ بین خلق عرب و دولت سرمایه داری، از موضع ارتجاعی دولت دفاع مینماید و در آخر، هدف درگیرهای خوزستان را بی اعتبار جلوه دادن حزب توده میداند و خود را نمایندهٔ نیروهای انقلابی میداند. اولاً معلوم نیست که درگیری های خوزستان چه ربطی به حزب توده دارد. مگر اینکه حزب توده خود را نمایندهٔ سرمایه داری دولتی ایران بداند. ثانیاً حزبی که از سرمایه داری، موضع ضد خلقی دولت دفاع میکند، چگونه خود را نمایندهٔ نیروهای انقلابی میداند؟ یا اینکه چگونه شعار جبههٔ متحد خلق را میدهد؟

* * *

(۱۹) ــ نقل از اعلامیه حزب توده/سازمان ایالتی خوزستان سطر ۱۲ تا ۱۸.

موضع سازمان انقلابی در قبال خلق عرب

"سازمان انقلابی" همچون "حزب توده" را مسازشکاری راد رمقابل سیاست های ضد خلقی دولت موقت پیش گرفته و حتی به جمهوری اسلامی رأی مثبت داده و هم اکنون خود ادعای رهبری خلقهای ایران را دارد. او بدروغ خود را حامی خلق عرب قلمداد میکند تا خائنانه در صفوف آنها رخنه نماید. سازمان انقلابی در گوشه ای ازنشریهٔ رنجبر ارگان آن سازمان شماره (۱۵) چنین مینویسد:

"جزوهٔ آنچه در خرمشهر گذشت" نیز براساس همین خط مشی به تجزیه .... و طریق حل صحیح آن را برپایه وحدت خلق عرب با جمهوری اسلامی و لزوم شناخت حقوق حقهٔ خلق عرب از طرف دولت ارائه نموده است.

در این نشریه سازمان انقلابی به خلق عرب درس سازش با جمهوری اسلامی، که هیچگونه حقی برای خلق عرب قائل نیست رامیدهد. از دولت چنین میخواهد که کسانی مثل عزیز صابری را که تبلیغ کنندهٔ چنین مشی هستند وکارشان فریب خلق به نفع دولت است دستگیر ننماید. در اینجا معلوم نیست سازمان انقلابی چگونه هم ازمنافع خلق عرب دفاع میکند، هم از دولت بورژوازی فعلی.

اعلامیهٔ گروه انقلابی خلق عرب بیانگر قسمتی از مشی سازمان انقلابی در مقابل خلق عرب است که قسمتی از آنرا میآوریم:

"جالب اینست که چگونه نوکران بیگانه علیرغم همه تضادها و دعواهای زرگری که به پا میکنند، در آخرالامر سرشان به یک آخور بسته میشود وسازمان انقلابی همانطور عمل میکند که حزب توده، چون این سازشکاران و خائنین نه برای خدمت به خلق بلکه برای خدمت به اربابان خارجیشان بداخل آمده اند. حزب توده برای خوش خدمتی به سوسیال امپریالیسم روس و سازمان انقلابی برای نوکر منشی به رویزیونیستهای چینی یعنی دارودسته

تنگ شیائو پینگ (۲۰)

* * * *

موضع جبهه ملی در مقابل خلق عرب

روح شوونیسم و خود پرستی "جبهه ملی" در بیانیه‌ٔ تشکیلات خوزستان آن منعکس شده است. ببینیم این ناسیونالیست های دو آتشه که با چشمان التماس کننده‌ٔ خود از امپریالیست ها میخواهند که برگردند چه می‌گویند ؟

وقایعی که در خوزستان اتفاق افتاد، (یعنی سرکوب خلق عرب) به نظر آقایان سرمایه داران "نتیجه شکیبایی بیجایی بود که متاسفانه در مرکز وجود داشت" *

همین عبارت کوتاه همه آنچه را که باید دانست بر ملا میکند. دولت بورژوایی کنونی ونماینده نظامی تام الاختیار آن در خوزستان دریاسالار مدنی، مدتها بود به توطئه علیه خلق عرب مشغول پرداختند. آنها زمینه چینی زیرکانه ای علیه اعراب فراهم مینمودند. قصد نهایی آنها در ساده ترین برنامه های تبلیغی مساجد و اولتیماتومهای پر طمطراق دیده میشد. عوامل باند سیاه دولتی وعناصر خرده بورژوازی و افراطیون مذهبی دست در دست هم به این مسأله دامن میزدند.

همه این جریانات طی میشد تا در بهترین فرصت (از نظر مدنی، نه از نظر سنجابی) آن قتل وعام و تالان وحشیانه‌ای که وقایع خرمشهر شاهدش بود موجه جلوه داده شود.

دولت و مدنی با "صبر و حوصله" به این کار مشغول بودند و در مقابل، آقایان "ملی چی" ما مخالف صبر و شکیبایی و خواهان سرکوب سریع و آشکار و حتی "بدون بهانه" خلق عرب

---

(۲۰) ــ هشدار به مبارزان خلق عرب در مورد "سازمان انقلابی (گروه انقلابی خلق عرب) ۵۸/٤/۱٤ * ــ نقل از بیانیه جبهه ملی تشکیلات خوزستان: مادرکجای تاریخ قرار داریم ؟

www.tabarestan.info تبرستان

بودند . این است سیاست بورژوازی در مسئله خلقها .

بورژوازی قادر نیست هرگز مسئله ملی را حل کند و اصلاً از نظر تاریخی و طبیعت طبقاتی اش نباید آنرا حل کند . بورژوازی در هرگونه پایمال شدن "حقوق اعراب" ریالهای خود را میبیند و چون "ریال" این انگیزه دائمی سرمایه داران و جبهه ملی مهمترین چیزیست که وجود دارد، (البته برای خود آنها)، حقوق خلقها باید به زیر آن لگد کوب شود . ترس بورژوازی از رشد جنبش دموکراتیک و اعتلای مبارزات خلقها و مبارزات پیگیر پرولتاریا بر این مسئله افزوده است . هرگاه خلقهای میهن ما بتوانند حتی یک خود مختاری محدود هم بدست آورند، چه پرولتاریای فارس و چه کارگران عرب / کرد / ترک و ... یک قدم در مبارزه علیه نظام کهن به پیش آمده اند و در وحدت همه جانبهٔ پرولتاریایی خویش خواهند توانست سرمایه را به طور کلی نابود سازند .

موضع جبهه ملی از اینجا شناخته میشود . همچنین بورژوازی بطور کلی : بورژواها خواهان سرکوب جنبش خلقها و جنبش دموکراتیک هستند منتها یکی در دولت کنونی خواهان سرکوب با مقدمه و صبورانه است و دیگری، "جبهه ملی" خواهان سرکوب بدون شکیبایی و آشکار .

www.iran-archive.com

مؤخـــــره

هموطنان مبارز!

این نوشته حدود ۲ ماه پیش تنظیم شـــده است. از آنزمان تا کنون وقایع بسیاری رخ داده است که چهره مسئله اعراب را روشنتر نموده، اما چهارچوب کلی مطلب ایـــن جزوه همچنان بقوت خود باقی است.

توطئه هایی که علیه خلق عرب تدارک دیده میشد، به خلـــق کرد، ترکمن و بلوچ گسترش یافت. باید گفت که دولت بورژ وائـــی و حکام فعلی ایران، خرده بورژواهای مرفه کوته نظر که در حماقت طبقاتی و عظمت طلبی طبقهٔ متوسط غوطه می خورند به حمایت و بـه راهنمایی و حتی هدایت امپریالیسم از طریق عناصر صاحب نفوذ و قدرتش، هدف سرکوبی خلق ها را در دستور روز گذاشته اند پیش بینی جزوه، مبنی بر زمینه چینی برای استقرار دیکتاتوری و فاشیسم بدرستی تحقق پیدا کرده است و همانطور که در متن گفته شـــده، ازمجرای سرکوبی جنبش های ملی و دموکراتیک می گذرد.

انواع دسایس و حیله ها برای مبادرت به قتل عام خلقهـــا و خلق عرب (وهم اکنون خلق کرد) چیده شد. داستان مسجد جامع خرمشهر که دست کثیف مدنی ــ کرمی ــ خلخالی این دشمنـــان آشکار خلق عرب در آن پیداست، دستاویز اعدام دهها انقلابـــی مبارز عرب و فارس و دستگیری عدهٔ زیادی ازمردم عرب و زنـــدانی کردن آنها شد.

اوضاع عمومی جنبش نشان میدهد که خرده بورژوازی مرفـــه سنتی کاملاً در جهت منافع بورژوازی وابسته و امپریالیسم حرکـــت میکند.

اما این اوضاع پایدار نخواهد بود.

تضادهای اجتماعی وسیاسی موجود چنان عمیق ووسیـــع هستند که با قتل عام خلقها و انقلابیون، با به خون کشیـــدن کارگران و با تحمیق تـوده ها، نمی توان برروی آن سرپوش نهـــاد.

ولی بدون شك، حرکت ارتجاع به از دست رفتن بسیاری ازمبارزین خواهد انجامید (نگاهی بیفکنید به کردستان). انقلابیون وظایف و شیوه های جدیدی را باید دنبال کنند تا سد فاشیسم و دیکتاتوری آشکار بورژوا ـ امپریالیستی را درهم بشکنند. درمیان این شیوه ها و وظایف یکی و شاید مهمترین آنها، آگاه کردن توده ها، کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلقهاست. بدون این کار، حرکت متوقف و منزوی خواهد شد.

رهنمود های آخر جزوه اعتبار خود را دارد و در شرایط نوین نیزاهمیت خود را حفظ کرده ولی تحقق آنها باید بهمراه درك و تفهیم شرایط نوین باشد.

هموطنان مبارز! انقلابیون!

راه دشوار، سخت و ناهمواری جلو ماست با مبارزهٔ سرسختانه و مداوم این راه را هموار کنیم. و بخاطر داشته باشیم پیروزی نهائی از آن توده هاست.

۵۸ / ٦/٤

رزمندگان آزادی طبقه کارگر
حوزه خوزستان

www.tabarestan.info تبرستان

اعلامیه شماره دو ۱۳۵۸/۱/۸

بسمه تعالی

هموطنان مبارز

انقلاب شکوهمند خلقهای ایران که ارکان امپریالیسم را به لرزه درآورده است میرود تا تمام پس‌مانده‌های فساد و ارتجاع را درهم بکوبد. طبیعی است که استعمارگران و نوکران سرسپرده آنها از جگیری همه جانبه انقلاب ما را به دیده نفرت نگریسته و درصدد تخریب و ناکامی آن برمیایند. آنها برای تحقق اهداف پلید خود از بکار بردن هیچ وسیله ای ابا نداشته و از هر حادثه ای برای پیشبرد مقاصد شوم خویش بهره برداری مینمایند.

ما فرزندان خلق عرب مسلمان ایران که همدوش و همپای دیگر برادران ایرانی خود در شهر و روستا مسجد و کارخانه کوچه و خیابان برعلیه رژیم خائن پهلوی و امپریالیسم برهبری آمریکا مبارزه کرده وشهیدها داده ایم، بدیهی است که همچون سایر خلقهای کشورمان خواهان استرجاع و اعاده حقوق تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خویش در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد باشیم. اما مشتی معلوم الحال بمنظور مشوبسا ختن افکار عمومی مردم ایران ناجوانمردانه تلاش میکنند ما را تجزیه طلب و جدایی خواه معرفی نمایند و این افکار را علیه خلق عرب ما بشورانند. مثال بارز از تحریکات این قبیل عوامل حادثه‌ای است که برای تظاهرات روز دوشنبه ٦ فروردین مردم خرمشهر بوجود آوردند. در این تظاهرات خلق عرب بمنظور ابراز تنفر و انزجار خود از توطئه امپریالیسم ـ سادات ـ صهیونیسم که برعلیه خلق مبارز فلسطین و کلیه برادران عرب صورت میگیرد همراه با دیگر برادران خود در صفوف بسیار منظم در حالیکه با شعارهای

آتشین شهر را به لرزه در میآورد شرکت داشت ۰ اما چهره هایی که نمیخواهند و نمیتوانند این اتحاد خلقها این یکپارچگی انقلابی را ببینند بمحض اینکه تظاهرکنندگان در مسیر خود به ساختمان محل استقرار کمیته انقلاب نزدیك شدند درصدد برآمدند با تیراندازی و ایجاد آشوب و ارعاب صفوف منظم ما را بهم بزنند ۰ ما این قبیل اعمال غیر انسانی را از جانب هر کسیکه باشد محکوم و تقبیح میکنیم و ایمان داریم که مردم بیدار و انقلابی ما تمام توطئه ها را نقش بر آب خواهند ساخت

www.tabarestan.info تبرستان

مرگ بر توطئه گران خائن
کانون فرهنگی عرب
المحمره (خرمشهر)

مربوط به پاورقی شماره ۸

بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲
۱ جمادی الثانی ۱۳۹۹ قمری

نخست وزیر محترم آقای مهندس مهدی بازرگان

هیئت نمایندگان خلق عرب مسلمان ایران خواسته هایی را که همهٔ طبقات خلق عرب در تظاهرات و راه پیمایی عظیم خود در شهرها و روستاها آنها را تأیید نموده به هیئت دولت تقدیم مینماید ۰

این خواسته ها مورد تأیید حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی نیز واقع شده و شامل حقوق مشروع خلق عرب ایران و حق داشتن خود مختاری در محدوده جمهوری اسلامی با حفظ تمامیت ارضی ایران میباشد خلق ما تأکید مینماید که امور مربوط به ارتش در دفاع از مرزهای کشور، برنامه های اقتصادی درازمدت، سیاست خارجی پول وعقد قرارداد های بین المللی از وظایف و اختیارات حکومت مرکزی است خلق ما هرگونه توطئه

تجزیه طلبانه و جدائی خواهانه را در سرتاسر ایران محکوم مینماید همچنین امپریالیسم، صهیونیسم، نژادپرستی و ارتجاع را محکوم کرده، از سیاست عدم تعهد پشتیبانی، پیمانها و قراردادهای استعماری را که به استقلال ملی ایران زیان برساند مردود میشمارد.

خلق ما منطقه ای از خوزستان را که نام تاریخی آن عربستان میباشد و از نظر جغرافیایی در برگیرنده خلق ماست بعنوان منطقه خود مختار میشناسد. اساسی ترین خواسته های خلق عرب ایران بشرح زیر است

۱ــ اعتراف به ملیت خلق عرب ایران و درج آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲ــ تشکیل مجلس محلی در منطقه خود مختار که مسئولیت قانونگذاری محلی و نظارت بر اجرای قوانین را دارا باشد ومشارکت خلق عرب ایران در مجلس مؤسسان و مجلس شورایملی و نیز مشارکت در هیئت وزیران (دولت مرکزی) بنسبت جمعیت آن.

۳ــ تشکیل دادگاه های عربی جهت حل مشکلات خلق عرب ایران مطابق با قوانین جمهوری اسلامی.

٤ــ زبان عربی زبان رسمی منطقه خود مختار باشد با تأکید به اینکه زبان فارسی زبان رسمی سراسر ایران است.

٥ــ آموزش به زبان عربی در مدارس ابتدائی و نیز آموزش زبان فارسی در منطقه خود مختار محفوظ خواهد بود.

٦ــ تاسیس دانشگاه به زبان عربی در منطقه که پاسخگوی نیازهای خلق عرب ایران باشد. ایجاد مدارس و آموزشگاه ها در تمام شهرها و روستا ها و نیز توجه لازم برای استفاده از بورسهای خارج از کشور جهت اعزام جوانان خلق عرب ایران.

۷ــ آزادی بیان انتشار و چاپ کتاب و روزنامه و ایجاد برنامه های رادیویی و تلویزیونی بزبان عربی و مستقل از برنامه شبکه سرتاسری. در این زمینه وجود سانسور بهر شکل و صورتمردود است.

www.tabarestan.info تبرستان

۸ــ اولویت استخدام در بخش دولتی و خصوصی با خلق عرب ایران، در مرحله بعد با دیگر اقلیتها ملی متولد وساکن در منطقهٔ خود مختار میباشد ·

۹ــ تخصیص مقدار کافی از درآمد نفت برای آبادانی منطقه و شکوفائی صنعت و کشاورزی آن ·

۱۰ــ نامگذاری شهرها و روستاها، محله ها و خود منطقه بنامهای تاریخی عرب آنها که رژیم فاشیستی پهلوی آنها را تغییر داده است ·

۱۱ــ شرکت فرزندان خلق عرب در آرتش و نیروهای انتظامی محلی در چارچوب منطقهٔ خود مختار و امکان ارتقاء آنان بمناصب و مقامهای عالی نظامی که از دستیابی به آنها محروم بوده اند·

۱۲ ــ تجدید نظر در تقسیم اراضی دهقانان طبق قوانین جمهوری اسلامی، با رعایت اصل زمین از آن کسی است که آنرا میکارد ·

در خاتمه از دولت آقای بازرگان انتظار داریم که در رابطه با حل مسائل خلق عرب ایران از مذاکره و سازش با عناصر مرتجع فرصت طلب خودداری نماید ·

هیئت نمایندگان خلق عرب مسلمان ایران

اعزامی به تهران

تکثیر از کانون فرهنگی خلق عرب / محمره (خرمشهر)

■ ■ ■ ■

مربوط به پاورقی شماره ۱۸

قطعنامهٔ تظاهرکنندگان خلق عرب

بسم الله الرحمان الرحیم

ما تظاهرکنندگان خلق مبارز عرب دشمنی و ستیز با امپریالیسم واستبداد را از نیاکان و پدران خود آموخته و با قیامها و نهضتها و قربانی دادن های بیشمار سهم بسزایی در براندا ختن رژیم های جبار وسفاك داشته ایم و داریم ·

بعد از سقوط رژیم سرسپردهٔ پهلوی، انتظار داشتیم که جمهوری اسلامی حقوق خلق عرب و دیگر خلقهای ایران را با میل و بدون هیچ تأخیر و تعللی به آنها اعطا نماید اما متأسفانه دولت اسلامی نه تنها تا کنون هیچ توجهی به خواستهای مشروع و انسانی خلق عرب ننموده بلکه حتی از اعتراف به موجودیت خلق عرب ایران خودداری کرده و این خلق را ایرانی عرب زبان مینامد. مقامات محلی دولتی به منظور پایمال ساختن حقوق خلق عرب، کانونهای مترقی و فرهنگی و سازمانهای سیاسی را منحل اعلام نمود و بعد ازکشتار فرزندان آن که بوسیله تیمسارهای رادار مدنی استاندار تحمیلی خوزستان و نیروهای نظامی و انتظامی و پاسدار وگارد جاویدان و سرمایه داران محلی همراه با تحریف واقعیات و تشویش و فریب افکار عمومی بوسیله رادیو وتلویزیون و روزنامه و مجلات وابسته به صاحبان قدرت صورت گرفت عملاً اقدام به بستن این مراکز در شهرهای مختلف این استان نمودند و نیز همزمان بعد از این کشتار وحشیانه، عوامل کمیته ها و دولت شروع به دستگیری جوانان عرب و هجوم وبازرسی خانه های آنها کرده و محیطی پر از تهدید و ناامنی و ارعاب بوجود آورده اند. در روزهای اخیر ما شاهد دستگیری صدها تن از جوانان رزمندهٔ خلق عرب وبشتیبان این خلق که اغلب به علت مبارزه با حکومت پیشین سالهای متمادی را در سیاهچالهای رژیم منحوس گذرانده اند، در شهرهای مختلف این منطقه بوده ایم. متأسفانه دولت بعد ازانجام این مقدمات اکنون درصدد است که از تشکیل مجلس مؤسسان و تدوین و تصویب قانون اساسی بدست نمایندگان واقعی مردم ایران و منجمله خلق عرب که دربردارنده حقوق حقهٔ آنها باشد جلوگیری کند و این امر را بوسیله افراد خود و خبرگان دست آموز خویش به انجام رساند. به این علل و جهات ما تظاهر کنندگان خلق عرب خواسته های خویش را به این شرح اعلام میداریم :

www.tabarestan.info

۱ــ آزادی بدون قید و شرط کلیهٔ فرزندان بازداشت شدهٔ خلق عرب که به ناحق از سوی مأموران محلی دستگیر شده را خواستاریم و چنانچه تا روز یکشنبه ۵۸/٤/۱۰ از بند آزاد نشوند، دست به اعتصاب و تحصن گسترده ای خواهیم زد.

۲ــ به رسمیت شناختن حق خود مختاری همه خلقهای ایران و منجمله خلق عرب.

۳ــ رفع سانسور از رادیو و تلویزیون و مطبوعات، واز تشویش افکارعمومی در مورد خلق عرب و اوضاع منطقه خودداری شود.

٤ــ پیش نویس قانون اساسی ارائه شده از طرف دولت موقت سند محکومیت دوباره خلقهای ما است بدین وسیله آنرا رد میکنیم و خواستار تشکیل مجلس مؤسسان، جهت تصویب قانون اساسی که ضامن حقوق خلقهای ستمدیدهٔ ما است میباشیم.

۵ــ محکوم کردن سایر دسیسه های امپریالیسم و وابستگان داخلی و خارجیش جهت ملوث کردن خواسته های خلق عرب.

٦ــ خواستار برگزیدن افراد بومی و محلی جهت تصدی مقامات اداری منطقه و محاکمه مسببان کشتار اخیر خلق ما و سایر جیره خواران و سرمایه داران وابسته به رژیم منفور پهلوی هستیم.

۷ــ از همه سازمانها /گروهها /جمعیتها و کانونهای مترقی ایرانی که از حقوق ما دفاع میکنند پشتیبانی میکنیم.

۸ــ ازموضع مترقیانه حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی پشتیبانی مینمائیم و هرگونه اهانت به شخص آن حضرت را شدیداً محکوم مینمائیم.

۵۸/٤/۸ "تظاهر کنندگان خلق عرب"

* * * *

مربوط به پاورقی شماره ۲۰

هشدار به مبارزان خلق عرب در مورد سازمان انقلابی برچیده شدن نظام سلطنتی و وابسته به امپریالیسم شاه خائن پس از قیام شکوهمند توده ها، اولین قدم در راه احقاق حقوق

زحمتکشان بود . زحمتکشانی که سالهای طولانی در بند واسارت بسر می بردند تا پیروزی نهایی راه درازی در پیش دارند که این جز با یک مبارزهٔ پیگیر و بی امان بر علیه نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم امکان‌پذیر نیست . مبارزه ای که همه عوامل ارتجاع و باقیماندهٔ سلطه و نفوذ امپریالیسم را ریشه کن ساخته و جمهوری دموکراتیک خلق را که حامی منافع زحمتکشان و تامین کننده حقوق حقهٔ خلقهاست برقرار سازد . از طرف دیگر نیروهای ارتجاعی که تحقق و پیاده شدن چنین نظامی به نابودی آنها منجر خواهد شد به تلاش افتاده اند تا مبارزهٔ خلقهای قهرمان ما را منحرف ساخته و توده ها را از رسیدن به اصلترین حقوقشان باز دارند این نیروهای مرتجع در لباسها و اشکال مختلفی ظاهر میگردند بعضی از آنها مستقیما در مقابل خلق قرار گرفته و دشمنی خود را به خلق هرچه زودتر ثابت میکنند . و بعضی دیگر که ضمناً خطرناکترند و لباس خدمت را به تن کرده و ماهیت ارتجاعی وخوش خدمتی به بیگانه را پنهان ساخته و تلاش در به انحراف کشاندن مبارزات مردم را دارند .

از جمله این نیروهای مرتجع و سازشکار را میتوان باصطلاح "سازمان انقلابی" را نام برد . این سازمان که فرصت طلبانه و همچون همپالکی خود "کمیته مرکزی حزب خائن توده" از زیر بار مبارزه با رژیم دیکتاتوری گذشته فرار کرده است . اکنون و پس از برچیده شدن نظام سلطنتی شاه خائن و ضربه خوردن به سازمان جنایتکارش ساواک بار سفر بسته و بداخل کوچ کرده است . تا سوغات "را که کوله باری از فرصت طلبی ، خیانت پیشگی و نوکر منشی به نیروهای بیگانه است به خلقها پیشکش کرده دایه گی آنها را به عهده گرفته و باصطلاح رهبری مبارزاتشان را بدست گیرند ، غافل ازاینکه توده های زحمتکش ما پس ازسالها فشار ، اسارت و اختناق بزودی ماهیتشان راشناخته وآنها را هم به زباله دانی تاریخ خواهد ریخت .

بهترین زمان برای نفوذ این نیروها زمانیست که بین خلقهای مختلف و دولت بدلیل ماهیت ضد خلقیش درگیری بوجود آید کشتار شود و ۰۰۰۰ این نیروها که فرصت طلبی در اعماق وجودشان رخنه کرده است چنین زمانهایی را پاس میدارند و گرامی میشمارند ۰ تا وارد معرکه شده سازش طبقاتی بوجود آورده و مبارزات خلقها را منحرف کرده و خوش خدمتیشان را به دولت جمهوری اسلامی ثابت کنند و از این طریق برای اربابان بیگانه‌شان توشه ای بگیرند ۰ این سازمان بدنبال چنین سیاستی بود که به جمهوری اسلامی رأی مثبت داد ۰ بدون اینکه یک سطر از قوانین این جمهوری را بشناسد که آیا آنها در خدمت به خلق قرار خواهند گرفت یا برضدشان بکارخواهد رفت و جالب اینستکه چگونه نوکران بیگانه علیرغم همه تضادها و دعواهای زرگری که به پا میکنند در آخر الامر سرشان به یک آخور بسته میشود و سازمان انقلابی همانطور عمل میکند که حزب توده ۰ چون این سازشکاران نه برای خدمت به خلق بلکه برای خدمت به اربابان خارجیشان به داخل آمده اند ۰ "حزب توده" برای خوش خدمتی به سوسیال امپریالیسم روس و سازمان انقلابی برای نوکر منشی به رویزیونیستهای چینی یعنی دار و دسته تنگ "یائو پینگ" ۰

مشخص است که دعواهای اینها ، بر سر منافع خلق نیست بلکه دقیقاً همان دعواهای بین المللی اربابانشان میباشد ۰ این حضرات از هر حرکت وعملی که بتواند به اربابانشان خدمت کند و لو در جهت مخالف منافع خلق باشد استقبال میکنند ۰ ما با نگاهی کوتاه وگذرا به شماره "۱۵" ورق پاره های رنجبر "ارگان" "سازمان" انقلابی" هر چه بیشتر این ماهیت ضد خلقی آنها را نشان داده و در آینده سعی میکنیم افشای این نوکران حلقه بگوش را دامه دهیم ۰

رنجبر در رابطه با دستگیری عزیز صابری به آستان بوسی دولت وکمیته ها رفته و جزوه "آنچه در خرمشهر گذشت" را که

عزیز صابری در رابطه با آن دستگیر شده است چنین تعریف میکند:
" جزوه آنچه در خرمشهر گذشت " نیز بر اساس همین خط مشی به تجزیه ۰۰۰۰ و طریق حل صحیح سیاسی آنرا بر پایه وحدت خلق عرب با جمهوری اسلامی و لزوم شناخت حقوق حقه خلق عرب از طرف دولت ارائه نموده است " (تاکید از ماست) (صفحه اول) ۰

ما از این حضرات میپرسیم که وظیفه نیروهای آگاه و پیشتاز چیست ؟ آیا غیر ازاینست که حداقل بایستی ماهیت دولت و رژیم حاکم را برای توده ها روشن ساخته آنها را نسبت به موضعشان در مقابل دولت کمک کند ؟ و مثلاً به خلق عرب بگویند که دولت بازرگان بدلیل ماهیتش قادر نیست حقوق حقهٔ آنها را تأمین کند ؟ ولی سازمان انقلابی بدلیل نوکر منشی خود همیشه از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کرده و وقیحانه ابراز میدارد که " راه حل ۰۰۰ وحدت خلق عرب و جمهوری اسلامی است۰۰ "

جمهوری اسلامی که این حضرات به آن رأی دادند و تنها یك هفته پیش پیش نویس قانون اساسی آن منتشر شد و در آن مشخص گردید که برگردان همان قوانین کشورهای سرمایه داری غربی است تازه با کمبودهایی نسبت به آنها ۰ مثلاً از نظر دموکراسی از فرانسه عقبتر ۰ از نظر رعایت حقوق خلقها از آلمان (که تازه این دولت بهیچوجه از عهده تامین حقوق خلقها برنمی‌آید) عقبتر و ۰۰۰۰

حال از این حضرات میپرسیم که در جهان کدام نظام سرمایه داری توانسته است حقوق خلقها را رعایت کند ؟ تا نمونه دموش را در ایران داشته باشیم ؟ و با شناخت نسبت به این مسأله آیا غیر از اینست که شما خلق عرب و دیگر خلقها را چشم بسته به کشتارگاه می برید ؟

ویا چند سطر بالا " رنجبر بخاطر دفاع پیگیر از حقوق خلقهای مختلف ایران از جمله خلق عرب که تنها در وحدت

ویکپارچگی آنها در چهارچوب ایرانی مستقل و متحد قابل دستیابی است ۰۰۰ (ص اول) و دیگر با منافعشان سازگار نیست که برای خلق عرب توضیح دهند که " ایرانی مستقل و آزاد " جز با تحقق جمهوری دموکراتیک خلق و نه جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست چون در صورت افشای این مطلب دیگر قادر نخواهند بود کاربانشان در پیشگاه دولت طلب دریوزگی کنند.

ویا در رابطه با دستگیری سعادتی عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و وارد کردن اتهام جاسوسی به او از طرف سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (سازمانی که تازه از راه رسیده و بقول معروف بر سر سفره حاضر و آماده نشسته است و تا کنون تلاش در به انحراف کشاندن مبارزه ضد امپریالیستی توده های زحمتکش داشته است) از سازمان مجاهدین خلق موضع خواهی میکند و سپس ادامه میدهد که " ما به نوبه خود هرگونه ارتباط میان سازمانهای خلقی و مردمی میهنمان با کشورهای امپریالیستی چون روسیه را کاری بنهایت نادرست میدانیم (ص ۸).

ما در اینجا بدون اینکه خواسته باشیم از مواضع امپریالیستی روسیه دفاع کنیم لازم بتذکر میدانیم که در این رابطه منافع خلق است که تعیین میکند که تماس بگیریم یا نه چه بسا ما بدون اینکه امتیازی به این کشورها بدهیم و کوچکترین سازشی در اصول کرده باشیم و فقط بتوانیم از تضاد بین امپریالیستها در جهت منافع خلقهای ستمدیده و زحمتکش ما استفاده کنیم و این تجربه و دستاورد خلقهای جهان است . مخصوصاً در این مرحله و با توجه به دسیسه هایی که امپریالیسم جهانخوار آمریکا برای خلقهای ما تدارک می بیند .

ولی حضرات سازمان انقلابی بهیچوجه ازمنافع خلق حرکت نمی کنند تا بتوانند چنین مسائلی را در نظر داشته باشند . آنها فقط یک چیز را میفهمند و آنهم کارگزاری یک کشور بیگانه را هر چند که رهبر این کشور (هواکوفنگ) در قبل از قیام

برروی اجساد شهدا قدم گذا شت و بدیدار شاه خونخوار آمد.. زمانی که ملکه انگلیس با همه نزدیکیش به شاه حاضر به چنین کاری نشد.

پس آیا نباید از این خائنین، فرصت طلبان و نوکران بر حذر بود؟ و فریب آنها را نخورد؟ بنظر ما چرا.

(*) ــ جالب توجه است که اینجا علاوه بر اینکه "سازمان انقلابی" به خلق عرب سازش با جمهوری اسلامی یعنی چشم پوشی از حقوقش را توصیه میکند به دولت نیز توصیه میکند که افرادی مثل عزیز صابری را نیز که مبلغ چنین نظریه هایی هستند نباید دستگیر کند زیرا که این افراد طبق سیاست سازمان انقلابی نقش فریب دهنده و به سازش کشاندن زحمتکشان عرب را دارند نه نقش آگاه کننده آنها را

مرگ برنوکرصفتان وفرصت طلبان
مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم
برقرارباد جمهوری دموکراتیک خلق

"گروه انقلابی خلق عرب"
۵۸/٤/۱٤

* * * *

مربوط به پاورقی شماره ۱۹
هموطنان عزیز و مبارز خوزستانی

کمیته ایالتی خوزستان حزب توده ایران در این روزهای حساس تاریخی میهن ما درباره توطئه های جنایتکارانه ای که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، عوامل شاه مخلوع، ساواکیهای دد منش، زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم برای رجعت انقلاب در خوزستان بسدور ان گذشته یا شبیه گذشته و تجزیه این بخش ثروت خیز از میهن ما

می چینند، هشدار میدهد • حمله های وحشیانه امپریالیسم و عوامل وابسته به او برای نیل به این هدف ننگین پیوسته افزایش میابد و در این میان بویژه خرمشهر و آبادان مهمترین آماج حمله های دشمنان سوگند خورده انقلاب بوده است • ارد وی ضد انقلاب داخلی و خارجی با وجود ضربه های سهمگینی که از پتک گران انقلاب توده های میلیونی مردم میهن ما دریافت کرده است با استفاده از ناپیگیری دولت موقت و نقش ترمز کننده بورژوازی لیبرال و بیراهه گرائی گروههای افراطی چپ نما و راست توانسته است به رهبری سازمانهای جاسوسی سیا، موساد و ساواک تجدید سازمان کند و در پاره ای نقاط و از جمله خوزستان عزیز ما با سفاکی ها و خرابکاریهایی که در خرمشهر پیش آورده و میآورد حتی به انجام تعرضهای خرابکارانه توفیق یابد در این جریان، نفاق افکنی در نیروهای ملی و ضد امپریالیست جزء بسیار مهمی از استراتژی ضد انقلاب را تشکیل میدهد • برای اجرای این استراتژی ضد انقلاب از همه راهها و در آن واحد از هر دو در راست و چپ وارد میشود • باید گفت که مهمترین هدفهای این سیاست نفاق افکنی، از یکسو، تضعیف اعتبار رهبری امام خمینی هم در میان توده های زحمتکش کشور و هم در میان خود جامعه روحانیت و بعلاوه در سطح خوزستان تضعیف اعتبار استاندار است و از سوی دیگر هدف این سیاست تضعیف اعتبار و تخطئه مبارزات و دوستان واقعی انقلاب و مخصوصاً حزب توده ایران است • بررسی تلاشهای امپریالیسم بین المللی به رهبری امپریالیسم آمریکا در اتحاد با صهیونیسم و ضد انقلاب وارتجاع داخلی یک جریان تصاعدی تشدید فعالیت بخاطر شکست انقلاب مردم ما را نشان میدهد • اخبار خبرگزاریهای خارجی نشان میدهد که پنتاگون نامردمی ایالات متحده امریکا سرگرم تدارک اجرای طرح شوم اعزام نیروی نظامی یکصد و ده هزار نفری به منطقه خلیج فارس است • اکنون

www.tabarestan.info

فعالیتهای خرابکارانه و تروریستی عوامل سیا / موساد و ساواک در خوزستان و سایر نقاط کشور ابعاد گسترده تر تازه ای یافته است. جیمی کارتر که با سناتورها و دستگاه تبلیغاتی اش بر اثر به کیفر رسیدن سرسپردگان امپریالیسم و استبداد رژیم تبهکار و چپاول گر پسر رضا خان و کوتاه شدن دست غارتگران امپریالیست و صهیونیست از منابع ثروت ملی ما، بی توجه به جنایتهای خویش فریاد و ا حقوق بشرا سر میدهد به منظور شکست انقلاب ایران جنایت تازه ای را به بهانه تامین "امنیت جریان نفت" تدارک می بیند متاسفانه دولت عراق برخلاف مصالح ملی و ضد امپریالیستی خلق‌های عراق و ایران خود را به توطئه خیانتکارانه بر ضد انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران آلوده کرده است. دولت عراق که از تعقیب، شکنجه، حبس و کشتار مبارزان دموکرات و کمونیست و مسلمانان مبارز عراقی فروگذار نمی کند و اختناق هولناکی را در کشور عراق برقرار کرده است، برای عطف توجه مردم عراق به خارج کشور در اقداماتی شرکت میکند که به زیان جنبش انقلابی ایران و همهٔ جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی منطقه است.

بدیهی است که خلق عرب خوزستان و سایر خلقهای غیر فارسی زبان ایران در چهارچوب استقلال و تمامیت ارضی کشور و جمهوری اسلامی میتوانند و باید که از قید ستم ملی گذشته رهایی یابند و به حقوق حقه خود نایل گردند. به اعتقاد ما قدرت عظیم ایران آزاد، ضد امپریالیست و مستقل در اتحاد برادرانه و برابر حقوق و ضد امپریالیستی همه خلقها ی آن نهفته است. مردم ایران در این شرایط حساس تاریخ از خلق عرب مبارز و ستمدیدهٔ خوزستان انتظار دارند که بیداری انقلابی خود را حفظ کنند و با مسئله جدی حفظ و تحکیم دست آورد انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران با مسئولیت جدی برخورد نمایند و به تبلیغات نفاق افکنانه و ضد انقلابی امپریالیسم عوامل شاه مخلوع زمین

تبرستان
www.tabarestan.info

امپریالیستی مردم ما برای سعادت و رفاه و ترقی همه خلقهای ایران و پایگاهی مطمئن برای صلح و دوستی بین ملتها و حمایت از جنبش‌های رهایی بخش‌ملی جهان مخصوصاً جنبش آزادی بخش‌مردم ستمدیده فلسطین گردد.

تشکیل جبههٔ متحد خلق برای از میان بردن کامل‌وسریع سلطهٔ اقتصادی، نظامی و سیاسی امپریالیسم بر ایران و نوسازی اقتصاد، صنعت، کشاورزی و فرهنگ بر اساس از میان بردن آثار استبداد و برقراری حکومت مردم بر مردم و برای نیل به هدف عدالت اجتماعی یک ضرورت مبرم و حیاتی تاریخی است و تاریخ هیچگاه غفلت یا سرپیچی از انجام این وظیفهٔ حتمی را نخواهد بخشید. مسلماً راه حق پیروز خواهد شد ونیروهای ضد استعماری و انقلابی کشور همانطورکه در ماهها و روزهای پر شکوه انقلاب نشان دادند بطورحتم راه اتحاد را درعمل خواهند پیمود و به سرمنزل شکست و انقراض و قطعی و نهائی دشمنان انقلاب خواهند رسید. مسلماً توطئه های امپریالیسم آمریکا، اسرائیل بازماندگان ساواک و سایرعناصرضد انقلاب ایران خنثی خواهد شد و خلقهای متحد ایران از این بوتهٔ آزمایش‌نیز سربلند و پر افتخار بیرون خواهند آمد.

برقرار باد جبههٔ متحد خلق ضامن پیروزی نهائی انقلاب مردم ایران بر امپریالیسم ،صهیونیسم و ارتجاع داخلی

حزب توده ایران ــ سازمان ایالتی خوزستان

■ ■ ■ ■

بسمه تعالی

خطاب به سربازان، درجه داران و افسران مبارز

توده های بی دفاع خلق عرب در محمره (خرمشهر سابق) کشتار میشود.

برخلاف ادعای مرتجعین آنها حقوق مشروع خود را که

بوسیله رژیم شاه پایمال شده طلب میکنند . خلق عرب هرگونه اتهام "تجزیه طلبی" و برچسب های موهوم دیگر را بشدت محکوم میکند .

فریب تبلیغات مرتجعان و در راس آنها مدنی را نخورده و دست خود را به خون برادران عرب آلوده نکنید .

" جمعیت دفاع از حقوق خلق عرب ایران

www.tabarestan.info تبرستان

www.tabarestan.info
تبرستان

بهاء ٥٠ ريال